



فصلنامه تخصصی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی / بهار ۱۳۹۲ / ۵۰ صفحه
برای ناشران، پدیدآورندگان، مدیران مدارس، اولیا و کارشناسان آموزشی



- گامی برای انسجام و همراهی
- تبیین مبانی نظری تربیت دینی براساس سند تحول بنیادین
- واکاوی نقش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در تولید منابع استاندارد و مناسب
- مطالعه را با خواندن ادبیات شروع کنیم



ادامه راه، رشد دوباره

یادداشت سردبیر / فریبا کیا

۴

گامی برای انسجام و همراهی

گزارشی از تشکیل شورای سیاست‌گذاری سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی / دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

۵

جشنواره دهم، جشنواره تغییرها و تازه‌ها

گفت و گو با محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی / بهروز رضایی

۸

تبیین مبانی نظری تربیت دینی بر اساس سند تحول بنیادین

دکتر محمود معافی

۱۰

واکاوی نقش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در تولید منابع استاندارد و مناسب

گفت‌وگو با ناشران کتاب‌های آموزشی / محمد دشتی

۱۸

به روز رسانی ویژگی‌های تولید کتاب‌های آموزشی ریاضی

گپ‌وگفتی با شهرناز بخشعلی‌زاده، کارشناس کتاب‌های آموزشی ریاضی / خبرنگار جوانه

۲۲

مطالعه را با خواندن ادبیات شروع کنیم

نویسنده: کرول جاگو / ترجمه: طیبه الدوسی

۲۶

ناشران چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

۳۰

کالبد شکافی محصولات آموزشی

دکتر مهدی چوبینه / کارشناس آموزشی و مؤلف کتاب درسی

۳۴

وسایل آموزشی و ملاک‌های ارزشیابی آن‌ها

محمدتقی زائری

۴۰

برای انتخاب کتاب‌های مناسب، آگاهی معلم، خانواده و دانش‌آموزان را افزایش دهیم

گفت‌وگو با مرتضی شکوهی / خبرنگار جوانه

۴۴

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: فریبا کیا

شورای برنامه ریزی: بهروز رضایی، محمد تقی زائری، محمد معافی

داوود نجف‌زاده، علاء نوری و محبتا... همتی

مدیر داخلی: فریده نورمحمدی

ویراستار: بهروز راستانی

طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک‌نژاد

نشانی: تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان

شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و

تکنولوژی آموزشی صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۶۶ دورنما: ۸۸۳۰۶۰۷۱

وبگاه: samanketab.roshdmag.ir

پیام‌نگار: javaneh@roshdmag.ir



راهنمای تهیه آثـار

نشریه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «رشد جوانه» با هدف اطلاع‌رسانی، اشاعه یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تبادل نظر و تجربه بین صاحب‌نظران در زمینه مباحث مربوط به فرایند تولید منابع آموزشی مناسب منتشر می‌شود تا از این طریق، پدیدآورندگان در راستای تحقق اهداف آموزشی و پرورش، به صورت مستمر و پویا بر غنای دانش و تجربه حرفه‌ای خود بیفزایند و با به کارگیری بهینه ظرفیت‌های موجود، کیفیت تولید منابع آموزشی را ارتقا بخشند.

از استادان، صاحب‌نظران و اندیشمندان محترم عرصه منابع آموزشی و تربیتی که به منظور همراهی با این فصل‌نامه، نوشته‌های خود را برای انتشار در «رشد جوانه» ارسال می‌دارند، تقاضا می‌شود، در حد امکان نکات زیر را رعایت فرمایند:

- حجم مطالب از ۶ صفحه تایپ شده و ۱۱ صفحه دست‌نوشته تجاوز نکند.
- نوشته حاوی مقدمه‌ای کوتاه، سابقه موضوع، نتیجه و جمع‌بندی موضوع باشد.
- نسخه اصلی نوشته ارسال شود.
- نوشته ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی همراه آن ارسال شود. چنانچه نوشته را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- نوشته در مجله یا نشریه دیگری به چاپ نرسیده باشد.
- محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، سوتیترها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- «رشد جوانه» در رد، قبول، ویرایش و تلخیص آثار رسیده آزاد است و از بازگرداندن آن‌ها نیز معذور است.
- آرای مندرج در «رشد جوانه» ضرورتاً مبین رأی و نظر «دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.
- اطلاعات منابع مورد استفاده برای تدوین اثر، به ترتیب زیر تنظیم شود:
 - نام نویسنده، نام اثر، نام مترجم (اگر ترجمه باشد)، نام مجله یا نشریه، شماره مجله، سال نشر، شماره صفحه.
 - نوشته را به ضمیمه نام و نام خانوادگی نگارنده یا مترجم، درجه علمی یا سمت، نشانی محل کار یا سکونت و شماره تلفن، به نشانی زیر ارسال فرمایید:

تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی. صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱، فصل‌نامه «رشد جوانه»



فراخوان ارسال آثـار

فصل‌نامه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «رشد جوانه»، از تمامی صاحب‌نظران، نویسندگان، مترجمان و پدیدآورندگان منابع آموزشی و اندیشمندان علاقه‌مند به مباحث تولید منابع آموزشی و تربیتی دعوت می‌کند، نوشته‌های خود را در زمینه‌های موضوعی زیر، برای دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی ارسال دارند:

۱. مطالعات تطبیقی (شیوه‌های تولید مواد و رسانه‌های آموزشی جهان)
۲. کاربرد انواع فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید منابع آموزشی
۳. تبیین و به روز رسانی ویژگی‌ها، استانداردها و معیارهای منابع آموزشی و تربیتی
۴. معرفی توصیفی کتاب‌های آموزشی مناسب و برتر
۵. معرفی نشریات، منابع علمی و بانک اطلاعات کتاب‌های آموزشی داخل و خارج از کشور
۶. کالبد شکافی محصولات آموزشی موجود و نقد و بررسی آن‌ها
۷. نیازسنجی آموزشی و مخاطب‌شناسی
۸. ارائه یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تجربه در زمینه فرایند تولید منابع آموزشی مناسب
۹. معرفی دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و مؤسسه‌های انتشاراتی موفق
۱۰. تبیین روش‌های نوین خودیادگیری و خودارزش‌یابی
۱۱. مدیریت و مشارکت در تولید منابع آموزشی و تربیتی
۱۲. تبیین راهبردهای برنامه‌ریزی، تولید و ارزشیابی منابع آموزشی
۱۳. چشم‌انداز آینده تولیدات منابع آموزشی و ملزومات آن‌ها
۱۴. تبیین اصول، رویکردها و اهداف نوین حاکم بر تولید منابع آموزشی مناسب
۱۵. مباحث تحلیلی و کاربردی مربوط به کتاب، کتابخانه‌های آموزشگاهی و کتاب‌خوانی دانش‌آموزان
۱۶. ترویج فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و دانش‌افزایی (موانع و راهکارها)
۱۷. آشنایی با مقررات و قوانین مرتبط با به کارگیری مواد و رسانه‌ها

ادامه راه، رشد دوباره



که نیازمند صرف وقت و اهتمام کارشناسان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی با همکاری مشترک دست‌اندرکاران تولید و نشر این رسانه‌هاست.

گسترده‌ی آموزش و پرورش و نیازهای آموزشی متعدد بیش از ۱۲ میلیون دانش‌آموز و یک میلیون فرهنگی و خانواده‌های آنان، بازار جذابی را برای سرمایه‌گذاران و علاقه‌مندان به امور فرهنگی و آموزشی ایجاد می‌کند و چه بسا تعداد قابل توجهی از این افراد، به دلیل ناآگاهی از استانداردها و ارزش‌های نظام آموزش رسمی، موادی را تولید کنند که ناسازگار و نامتناسب با آموزش رسمی باشد. بدین ترتیب فرصت و سرمایه‌هایی که می‌توانست در خدمت نظام آموزشی باشد، در مسیری نادرست هزینه می‌شود.

این مثال اهمیت و ضرورت سامان‌دهی را بیشتر بیان می‌کند، مدیریت سامان‌دهی دفتر در سال گذشته (۹۱) بیش از سه هزار عنوان از کتاب‌ها و تولیدات را کارشناسی و بیش از ۵۰ درصد آن‌ها را واجد استانداردها تشخیص داد. که این‌ها صرفاً بخشی از کتاب‌ها و تولیدات بخش‌های غیردولتی بود. بی‌شک اطلاع‌رسانی و آشنایی تولیدکنندگان می‌توانست سهم کتاب‌های مورد تأیید را افزایش دهد که خوش‌یختانه این روند رو به بهبودی و افزایش است. با وجود این به تلاش و هم‌فکری حوزه‌های متفاوت نیاز دارد.

اقدامات و همراهی و استقبال ناشران ارجمند مشارکت‌کننده در نمایشگاه کتاب امسال نیز مبین خواست و اراده ناشران برای هم‌گامی با استانداردهای وزارت آموزش و پرورش بود. نشریه «جوانه» سعی می‌کند در ادامه راه در دوره جدید انتشار خود به صورت الکترونیکی علاوه بر توسعه دامنه فعالیت خود از منابع مکتوب به مواد و منابع آموزشی غیرمکتوب با تبادل اطلاعات و خواسته‌ها به ایجاد تعامل و تعادل نظام آموزشی رسمی و ناشران و تولیدکنندگان کمک کند و به هم‌نوایی این دو کانون محوری برای سامان‌دهی به تولیدات آموزشی و تربیتی سرعت مضاعفی ببخشد. از این منظر از خوانندگان ارجمند تقاضا می‌شود با ارائه نظرات خود ما را در غنابخشی و تسریع تبادل اطلاعات آموزشی بین وزارت آموزش و پرورش و تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن‌ها یاری رسانند.

فریا کیا

بی‌شک اولین کسانی که درصدد تهیه کتاب‌های کمک‌آموزشی برآمدند، هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند، بذری که کاشته‌اند درخت پربرگ و شاخساری شود که در بوستان تعلیم و تربیت کشور، سایه‌گستر و یاری‌بخش بسیاری از رهبانان آموزش و پرورش باشد. امروز دامنه مواد و رسانه‌های آموزشی چنان گسترده و پیچیده است که سامان‌دهی و نظارت بر آن ساختار و امکانات و مقررات متنوعی را طلب می‌کند. اگر زمانی چند کتاب حل مسئله و راهنمای دانش‌آموز مواد کمک‌درسی تلقی می‌شد، امروزه بسیاری از ناشران و نویسندگان به همراهی با نظام آموزشی آمده‌اند و انتشارات خود را با برنامه‌های درسی تنظیم می‌کنند. به علاوه، رقابت در عرصه تولید نرم‌افزارهای آموزشی به سیاست‌گذاری، تبلیغات و دانش‌های ویژه‌ی نیازمند است و البته تطابق با نیازهای رو به تزاید دانش‌آموزان و خانواده‌ها و پاسخ به عطش سیری‌ناپذیر دانش‌ورزی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی، دغدغه اصلی تولیدکنندگان و دست‌اندرکاران این حوزه است.

چنان‌که گفته شد، مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی هر روز متنوع‌تر، گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند و فناوری‌های جدید امکانات و فرصت‌های جدیدی را در این عرصه ایجاد می‌کنند. بدیهی است غفلت نظام آموزشی از سامان‌دهی این حوزه و بی‌اعتنایی یا کم‌اهمیت شماری رقبا و یا یاریگران نظام آموزش رسمی، عواقب و تأثیرات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

گرچه ضرورت و اهمیت سامان‌دهی منابع و رسانه‌های آموزشی و تربیتی از سال‌ها پیش برای آموزش و پرورش کشور روشن شده بود، اما در سال ۱۳۸۹ سازوکار و آیین‌نامه‌های آن به تصویب «شورای عالی آموزش و پرورش» رسید. این آیین‌نامه از منظر حقوقی آیین‌نامه‌ای نسبتاً جدید محسوب می‌شود که اجرای آن به تمهیدات و شرایط گوناگونی وابسته است.

بدون تردید تدوین استانداردهای نظام آموزشی در حوزه مواد و رسانه‌های آموزشی، با توجه به «سند ملی تحول و برنامه درسی ملی» از یک‌سو، و معرفی و نهادینه‌سازی آن‌ها در فضای عمومی نشر کشور از مهم‌ترین موضوعاتی است

گامی برای انسجام و همراهی



دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

دوم شهریور ۱۳۸۹

«شورای عالی آموزش و پرورش» در هشتصد و بیست و هشتمین نشست خود، آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) را از تصویب گذراند و با امضای رئیس‌جمهور محترم، آن را برای اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ کرد. به این ترتیب فعالیت‌هایی که «دبیرخانه سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» از یک دهه پیش در «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی» آغاز کرده بود، وارد مرحله تازه‌ای شد که در آن، حوزه کار این دبیرخانه، از کتاب‌های آموزشی به «مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی» گسترش یافت.

مطابق رویه‌ای که در طول ۱۰ سال گذشته پیموده شده بود، ناشران نسخه‌ای از کتاب‌های آموزشی خود را به دبیرخانه مذکور می‌فرستادند تا مورد بررسی قرار گیرد. وقتی کتابی عنوان «مناسب» را اخذ می‌کرد، بدان معنی بود که در چارچوب برنامه درسی کشور قرار دارد و از حداقل استانداردهای کتاب آموزشی برخوردار است. چنین کتاب‌هایی به شکل‌های گوناگون مورد حمایت و تبلیغ دبیرخانه قرار می‌گرفتند. از جمله در فهرست‌هایی به نام «کتاب‌نامه رشد» معرفی شدند و این کتاب‌نامه در اختیار آموزشگاه‌های کشور گذاشته می‌شد.

اما همه این کارها اختیاری بودند و اگر آموزشگاهی کتاب تأیید نشده می‌خرید، قانوناً مورد مؤاخذه قرار نمی‌گرفت. مصوبه جدید، تغییرات مهمی را در این زمینه به ارمغان آورد. ماده ۶ مصوبه، عرضه و تبلیغ هر گونه منبع آموزشی و تربیتی را در واحدهای آموزشی صرفاً از منابع استاندارد مجاز شمرد و از آموزشگاه‌ها خواست تنها به کتابی مجوز ورود به فضای آموزشی را بدهند که پیش‌تر به تأیید سازمان پژوهش رسیده باشد.

در این مصوبه، ضمن تعریف مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی

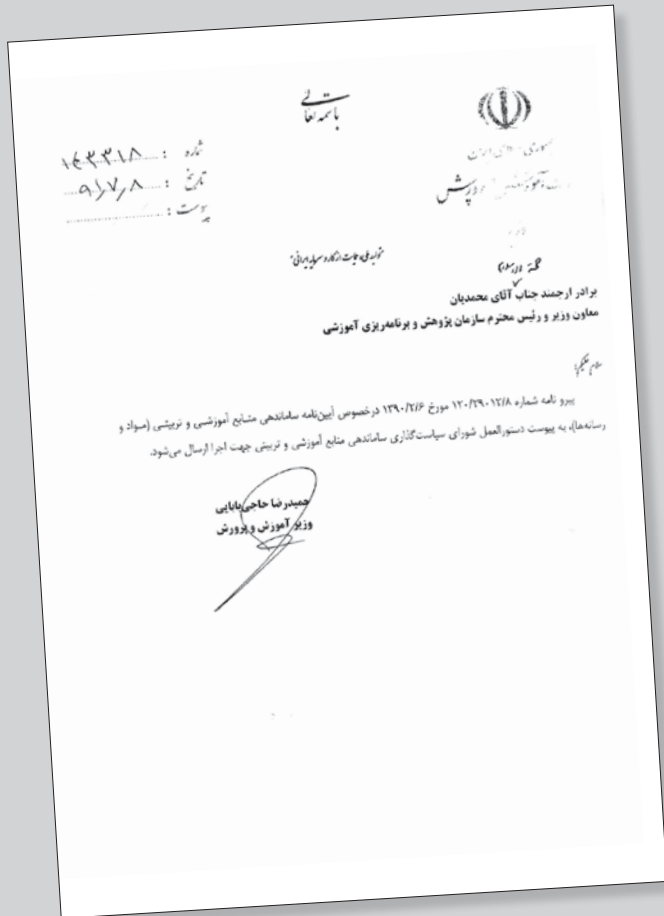
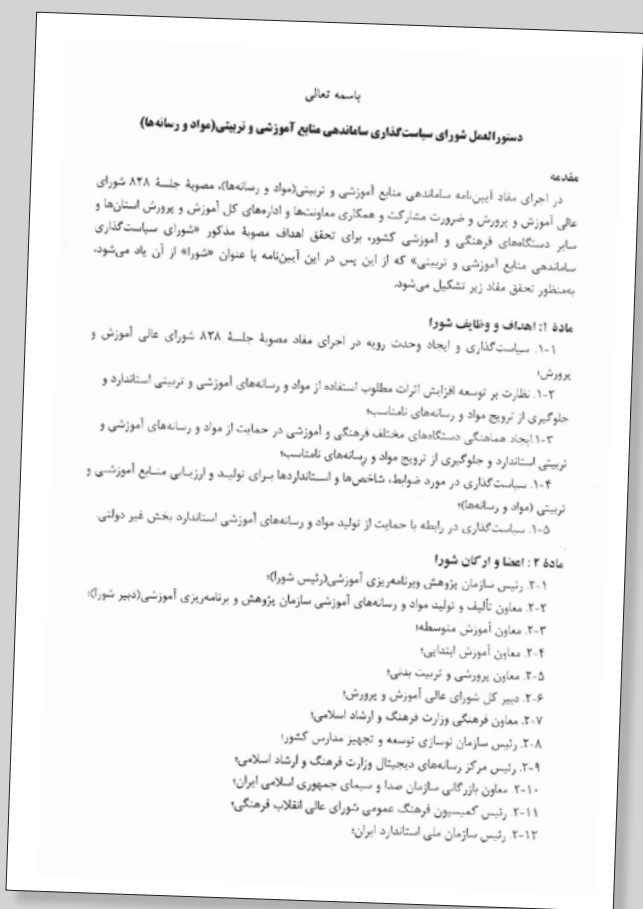
و اهداف ناظر بر فعالیت‌های این دبیرخانه و همچنین، اصول و مبانی حاکم بر تولید و ارزشیابی مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی، معیارهای عمومی استانداردهای تولید منابع آموزشی و تربیتی برشمرد شده بود. در این مصوبه همچنین راهکارهای اجرایی حمایت از محصولات آموزشی و تربیتی و تولیدکنندگان آن‌ها مورد توجه قرار گرفته و تأکید شده بود: «مشارکت و همکاری معاونت‌ها، سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی کشور در اجرای این مصوبه الزامی است» (ماده ۷).

آقای مهدی نوید، دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش، با مهم خواندن این مصوبه، و تصویب آن پس از صرف وقت زیاد گفت: «در ریاست‌جمهوری نیز روی این آیین‌نامه تأمل کاملی شد و پس از انجام استعلام‌های مربوطه، رئیس‌جمهور محترم آن را امضا کردند. این نشان می‌دهد که مراجع سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر نسبت به موضوع حساس هستند و این موضوع از اولویت خاص برخوردار است.»

هشتم مهر ۱۳۹۰

دستورالعمل تشکیل «شورای سیاست‌گذاری سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» از سوی آقای حاجی‌بابایی، وزیر محترم آموزش و پرورش، به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ابلاغ شد. در این دستورالعمل، ضمن بیان اهداف و وظایف شورای مذکور، ۲۰ عضو شورا برشمرده شدند که ابلاغ همه آن‌ها توسط وزیر آموزش و پرورش صادر می‌شود.

ریاست این شورا برعهده رئیس سازمان پژوهش است و غیر از مدیران ارشد آموزش و پرورش، مقاماتی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، شورای



استاندارد و جلوگیری از ترویج مواد و رسانه‌های نامناسب؛
۴. سیاست‌گذاری در مورد ضوابط، شاخص‌ها و استانداردها
برای تولید و ارزیابی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها)؛
۵. سیاست‌گذاری در رابطه با حمایت از تولید مواد و رسانه‌های آموزشی استاندارد بخش غیردولتی.

سوم آبان ۱۳۹۱ - نشست اول شورای سیاست‌گذاری

همان‌طور که آقای محمدیان، رئیس شورای سیاست‌گذاری در نخستین نشست این شورا تأکید کرد، مبنای قانونی تشکیل شورای مذکور از ماده ۵ مصوبه ۸۲۸ اخذ شده بود که با ابلاغ دستورالعمل تشکیل شورای سیاست‌گذاری از سوی وزیر محترم آموزش و پرورش، عملاً رسمیت یافت.

«شورای برنامه‌ریزی» که در واقع بازوی اجرایی شورای سیاست‌گذاری محسوب می‌شود، چند کارگروه تخصصی در حوزه‌های مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی خواهد داشت و گزارش عملکرد خود را به شورای سیاست‌گذاری ارائه خواهد کرد. این کارگروه‌های چهارگانه از این قرارند:

عالی‌انقلاب فرهنگی، سازمان ملی استاندارد ایران، مرکز آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات، اتحادیه ناشران کشور و تولیدکنندگان وسایل و تجهیزات آموزشی در آن عضویت دارند. البته افزون بر آن‌ها، شورا می‌تواند حسب مورد برای شرکت در نشست‌های خود از صاحب‌نظران و متخصصان مرتبط دعوت به عمل آورد (فهرست اعضای شورا، در پایان همین نوشته آمده است).

مهم‌ترین وظیفه این شورا چنانکه از عنوانش پیداست، سیاست‌گذاری در امر سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های مصوب است. در ماده ۱ این دستورالعمل وظایف زیر بر عهده شورای سیاست‌گذاری نهاده شده است:

۱. سیاست‌گذاری و ایجاد وحدت رویه در اجرای مفاد مصوبه جلسه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش؛
۲. نظارت بر توسعه و افزایش اثرات مطلوب استفاده از مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی استاندارد و جلوگیری از ترویج مواد و رسانه‌های نامناسب؛
۳. ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف فرهنگی و آموزشی در حمایت از مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی

در مصوبه مهم دیگری، با تأکید بر نقش مرجع سازمان پژوهش در تأیید محصولات آموزشی، کلیه معاونت‌های دیگر این وزارتخانه به‌طور قانونی از صدور هر گونه تأییدیه منع شدند. مطابق مصوبه دیگری، این کمیته تا تنظیم و تصویب دستورالعمل تبلیغ محصولات آموزشی، تبلیغ هر گونه ماده آموزشی در صدا و سیما، با هماهنگی سازمان پژوهش صورت خواهد پذیرفت.

انتظار می‌رود با تشکیل این کمیته، کار سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی شتاب گیرد و امور مربوط به این حوزه با سرعت بیشتری حل‌وفصل شود. همچنین انتظار می‌رود با ایجاد وحدت رویه در حوزه‌های گوناگون، به تولید مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی کمک شود.

اعضای شورای سیاست‌گذاری

اعضای شورای سیاست‌گذاری سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) عبارت‌اند از:

۱. رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (رئیس شورا)
۲. معاون تألیف و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (دبیر شورا)
۳. معاون آموزش متوسطه
۴. معاون آموزش ابتدایی
۵. معاون پرورشی و تربیت‌بدنی
۶. دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش
۷. معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۸. رئیس سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس کشور
۹. رئیس مرکز رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۰. معاون بازرگانی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
۱۱. رئیس کمیسیون فرهنگ عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۲. رئیس سازمان ملی استاندارد ایران
۱۳. نماینده دفتر همکاری‌های وزارت آموزش و پرورش و حوزه علمیه قم
۱۴. مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
۱۵. مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری
۱۶. مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش
۱۷. مدیرکل اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
۱۸. رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات
۱۹. نماینده اتحادیه ناشران
۲۰. نماینده تولیدکنندگان وسایل و تجهیزات آموزشی



- کارگروه تخصصی مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی مکتوب؛
- کارگروه تخصصی وسایل و تجهیزات آموزشی و تربیتی؛
- کارگروه تخصصی فیلم‌های آموزشی و تربیتی؛
- کارگروه تخصصی نرم‌افزار و محتوای الکترونیکی آموزشی

و تربیتی

این شورا که قرار است دو (و در صورت ضرورت چهار) بار در سال تشکیل جلسه دهد، در نخستین نشست خود آیین‌نامه «کمیته برنامه‌ریزی و اجرایی» را به بحث گذاشت. از آنجا که پیشنهادهای متعددی برای اصلاح آیین‌نامه مذکور ارائه شد، نتیجه‌گیری از بحث و اصلاح نهایی آن به نشست دوم موکول شد.

هجدهم دی ۱۳۹۱ - نشست دوم شورای سیاست‌گذاری

دومین نشست شورای سیاست‌گذاری که به منظور بررسی «دستورالعمل کمیته برنامه‌ریزی و اجرایی» تشکیل شده بود، با مصوبات مهمی به پایان رسید. طبق یکی از مصوبات، از مدیران آموزش و پرورش عضو در این کمیته کاسته و سهم آن‌ها به اعضای از نهادهای دیگر و به‌ویژه بخش خصوصی سپرده شد.



گفتوگو با محمدناصری، دبیر دهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد

جشنواره دهم، جشنواره تغییرها و تازه‌ها

بهر روز رضایی

بود. به این ترتیب مثلاً یک ناشر کتاب‌های ابتدایی، باید سه سال برای شرکت در جشنواره صبر می‌کرد. طبعاً با شیوه جدید و برگزاری سالانه جشنواره، دیگر لازم نیست این مقدار صبر کند. خوانندگان کتاب‌های برگزیده هم با عناوینی روبه‌رو می‌شوند که حداکثر دو سال از چاپ آن‌ها گذشته است. البته با توجه به برگزاری سالانه جشنواره، کتاب برگزیده از بین کتاب‌های کمتری انتخاب خواهد شد، اما به نظر می‌رسد این اشکال مهمی نیست. چون داوران ملزم نیستند حتماً در هر گروه یک کتاب برگزیده - حتی اگر کتابی با معیارهای کتاب برگزیده پیدا نشود - معرفی کنند.

■ از ویژگی‌های متفاوت جشنواره دهم می‌گفتید.

□ بله. تفاوت مهم دیگر جشنواره دهم در شکل پذیرش کتاب‌هاست. می‌دانید که در جشنواره‌های قبلی ما پیش از برگزاری جشنواره فراخوانی منتشر می‌کردیم و ناشران کتاب‌هایی را که قبلاً برای بررسی به دبیرخانه نفرستاده بودند، برای ما می‌فرستادند. به این ترتیب گاه نیمی از کتاب‌های رسیده به جشنواره، کتاب‌های جدیدی بود که در دبیرخانه بررسی نشده بودند، و چون منطقی نبود آن‌ها را هم ارز با کتاب‌های مناسب بگیریم، فرایند دیگری برای غربالگری کتاب‌های رسیده پیموده می‌شد. در جشنواره دهم تصمیم گرفته‌ایم کتاب‌هایی را در جشنواره شرکت دهیم که قبلاً در دبیرخانه بررسی و به‌عنوان کتاب مناسب شناخته شده‌اند.

■ به این ترتیب کتاب‌های مندرج در کتاب‌نامه به جشنواره

■ آقای ناصری، دی ماه امسال ان‌شاءالله دهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد برگزار خواهد شد. اجازه بدهید ابتدا با این پرسش آغاز کنیم که جشنواره دهم چه ویژگی‌های متفاوتی با جشنواره‌های پیش از خود خواهد داشت؟

□ از نقطه خوبی آغاز کردید. اتفاقاً در این دوره از جشنواره، ما با تغییرات متعدد و قابل توجهی روبه‌رو خواهیم بود. تجربه برگزاری نه دوره جشنواره، تغییرات نظام آموزشی و توانایی‌های دبیرخانه سامان‌دهی از سویی، و توجه به خواسته‌های ناشران محترم از سوی دیگر موجب شده است بازنگری نسبتاً قابل توجهی در فرایند برگزاری جشنواره صورت گیرد. نخستین تغییر «تجمیع دوره‌های آموزشی گوناگون» است. همان‌طور که می‌دانید، در سال‌های گذشته معمولاً جشنواره یک دوره در میان، به دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه نظری - مهارتی اختصاص پیدا می‌کرد و یک سال هم مشمول استراحت می‌شد.

■ ببخشید، چرا این تجمیع صورت گرفت؟

□ یک دلیل آن تغییر نظام آموزشی بود. می‌دانید که در نظام جدید، دوره راهنمایی قدیم به دوره اول متوسطه تبدیل شده است. به این ترتیب طبعاً خیلی زبینه نبود که کتاب‌های آموزشی دوره ابتدایی و نیمی از کتاب‌های دوره متوسطه را با هم و نیم دیگر کتاب‌های دوره متوسطه را همراه با کتاب‌های فنی و حرفه‌ای بررسی کنیم. نکته دیگر فاصله سه ساله بین دو جشنواره مربوط به یک دوره

راه می‌یابند؟

به این سؤال باید تا تشکیل کمیته علمی و تصمیم‌گیری در این زمینه منتظر بمانیم.

■ آیا نوع جایزه هم با جشنواره‌های قبلی فرق می‌کند؟

□ نه. نوع جوایز فرقی نکرده است. البته ما می‌دانیم ارزش ریالی جایزه خیلی پایین است و اگر می‌توانستیم حتماً آن را افزایش می‌دادیم. اما به نظر ما از آن مهم‌تر، ارزش معنوی این جایزه است. در هر حال جایزه، غالباً به پدیدآورنده کتاب (مؤلف یا مترجم) و گاهی در صورت پررنگ بودن نقش ناشر در تولید کتاب، به ناشر تقدیم می‌شود.

■ این سؤال را شاید باید همان ابتدای گفت‌وگو می‌پرسیدیم. چرا جشنواره برگزار می‌کنید و این جشنواره در نه دوره گذشته، به کدام هدف‌های خود دست یافته است؟

□ ذیل ماده ۵ مصوبه ۸۲۸ «شورای عالی آموزش و پرورش» آمده است، برگزاری جشنواره یکی از شیوه‌های حمایت از تولید مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی شمرده می‌شود که وزارت آموزش و پرورش موظف به انجام آن است. پیش از این مصوبه هم آنچه موجب تداوم برپایی جشنواره می‌شد، نقش مهم آن در تشویق و دلگرم کردن پدیدآورندگان و ناشران کتاب‌های آموزشی بود. جشنواره در واقع فرصتی مناسب برای گردهمایی و گفت‌وگوی دست‌اندرکاران اجرایی، ارزیابان کتاب، ناشران و پدیدآورندگان کتاب و مسئولان با یکدیگر و نگاهی به کوشش‌های سال‌های گذشته و نشان دادن چراغ راه آینده است. ما همواره این نقش

دلگرم‌کننده و راهنمایی‌دهنده جشنواره را به خوبی احساس کرده‌ایم. بالا رفتن حجم کتاب‌های رسیده به دبیرخانه در راستا برگزاری جشنواره‌های کتاب آموزشی رشد، یکی از نشانه‌های توجه ناشران و پدیدآورندگان به آن می‌توان شمرد.

البته برای تحقق این امر، یعنی حمایت مادی و معنوی از ناشرانی که کتاب‌های مناسب و هم‌راستا، با استانداردهای آموزش و پرورش تولید می‌کنند، به عزمی جدی در همه بخش‌های مرتبط ستادی نیاز داریم. به عنوان نمونه، اقدامات و فعالیت‌هایی در بخش معاونت پرورشی در حوزه اداره کل فرهنگی و هنری انجام می‌شود. برگزاری ۵۰ هزار نمایشگاه در ۵۰ هزار مدرسه نیز که از راهکارهای اجرایی است، می‌تواند حمایت مادی و معنوی از این ناشران را موجب شود. از سوی دیگر، اتخاذ سیاست یکپارچه در خصوص راهکارهای اجرایی، در قانون (در مصوبه ۸۲۸) یک ضرورت انکارناپذیر شمرده شده است. ان‌شاءالله با تدابیری که در سازمان اتخاذ شده است (تشکیل شورای سیاست‌گذاری سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی)، بتوانیم شاهد اثرات مطلوب این مصوبه بر نشر آموزشی باشیم.

□ بله. همین طور است و این کار چند حسن دارد: یکی آنکه از فشار شدید کتاب‌های بررسی نشده که با توجه به فشردگی زمانی می‌تواند موجب خستگی شدید داوران جشنواره شود، پیشگیری می‌کند و به ما اجازه تجمیع دوره‌ها را می‌دهد. دوم بررسی اولیه همه کتاب‌ها در مدت زمانی نسبتاً موسع و کافی صورت می‌گیرد و مانع از تضییع احتمالی حقوق ناشران و تبعیض در نوع بررسی‌ها می‌شود. سومین حسن این کار آن است که به ناشران یادآوری می‌کند، شرکت در فرایند بررسی کتاب و کسب عنوان «کتاب آموزشی مناسب»، به خصوص با توجه به مصوبه ۸۲۸، کمتر از شرکت در جشنواره و کسب عنوان «کتاب آموزشی برگزیده» نیست. و بالاخره به ما کمک می‌کند جشنواره پیش‌بینی‌پذیر باشد. وقتی مبنای کار ما کتاب‌های مناسب می‌شود، با توجه به مشخص بودن عناوین و تعداد دقیق آن‌ها، برنامه‌ریزی برای برگزاری جشنواره و تشکیل گروه‌های داوری آسان‌تر می‌شود.

■ داوران را با چه سازوکاری انتخاب می‌کنید؟

□ اتفاقاً این نکته هم از دیگر نقاط تفاوت این جشنواره با جشنواره‌های قبلی است. در جشنواره دهم، یک کمیته علمی پنج‌نفره برای جشنواره تعریف شده است که اعضای آن سابقه تألیف کتاب‌های آموزشی و حضور در جشنواره‌های کتاب یا دیگر جشنواره‌های آموزشی را دارند. وظیفه تعیین گروه‌های داوری، تأیید سرگروه‌ها و داوران و نظارت بر روند داوری‌ها و خصوصاً تصمیم‌گیری درباره موارد ویژه و خاص بر دوش این کمیته است.

■ با توجه به تجمیع جشنواره احتمالاً برخی از رشته‌ها یا مواد درسی را از جشنواره حذف خواهید کرد؟

□ خیر، ما بنا نداریم موضوعی از موضوعات آموزشی در جشنواره نادیده گرفته شود؛ مگر اینکه در آن موضوع کتاب مناسبی وجود نداشته باشد. در این صورت طبعاً از همان ابتدا هم در آن رشته گروه داوری تشکیل نخواهد شد. همان طور که قبلاً هم توضیح دادم، گاهی هم ممکن است به دلیل برگزاری سالانه جشنواره و کم شدن تعداد کتاب‌های یک گروه، مجموعاً کتاب‌های کمتری برگزیده شوند. البته نباید فراموش کرد کتاب‌هایی هم در گروه‌های آموزش و پرورش کودکان استثنایی و دوره پیش‌دبستان انتخاب و معرفی خواهند شد که این به معنی افزایش رشته‌ها و موضوعات است.

■ هر گروه چند داور و چه ترکیبی خواهد داشت؟

□ در هر جشنواره حدود ۴۰ گروه داوری خواهیم داشت. این گروه‌های داوری ممکن است براساس کتاب‌های مناسب موجود، و براساس تصمیم کمیته علمی جشنواره، قدری کمتر یا زیادتر شوند. هر کمیته بسته به موضوع ممکن است سه یا پنج عضو داشته باشد که از بین کارشناسان و معلمان برگزیده انتخاب خواهند شد. تعداد کتاب‌های برگزیده نیز حدود ۵۰ عنوان خواهد بود. برای پاسخ دقیق

جشنواره در واقع فرصتی مناسب برای گردهمایی و گفت‌وگوی دست‌اندرکاران اجرایی، ارزیابان کتاب، ناشران و پدیدآورندگان کتاب و مسئولان با یکدیگر و نگاهی به کوشش‌های سال‌های گذشته و نشان دادن چراغ راه آینده است



تبیین مبانی نظری تربیت دینی براساس سند تحول بنیادین

دکتر محمود معافی

بین مربی (معلم) و متربی (دانش‌آموز) که به دنبال زمینه‌سازی در جهت تکوین و تعالی فطرت انسان و شکل‌گیری هویت متربیان براساس نظام معیار اسلامی و هدایت آن‌ها در جهت قرب الهی و کسب شایستگی‌های لازم در همه ابعاد و مراتب حیات طیبه فردی و اجتماعی است.»

برای درک بهتر این تعریف لازم است که مفاهیم کلیدی مندرج در آن را تبیین و تشریح کنیم:

فرایند: اشاره به صیورورت مداوم آدمی در طول حیات و تأثیرپذیری آن از عوامل گوناگون، مانند مدرسه و عملکردهای آن، خانواده، گروه دوستان، محیط اجتماعی، اعتقادات و باورها و نظام خلقت دارد، فرایند تربیت امری مستمر، تدریجی، هدفمند، تعاملی، یکپارچه، پویا و انعطاف‌پذیر است که باید متناسب با مراحل تحول وجودی افراد و توسط عوامل گوناگون پشتیبانی و تقویت شود.

تعامل: فرایند تربیت را باید تعاملی دوسویه بین دو عنصر فعال، یعنی معلم و شاگرد دانست که در آن، علاوه بر ایجاد مقتضیات و برداشتن موانع، لازم است که حضور فعال متربیان (شاگردان) را در این حرکت و کوشش اختیاری و آگاهانه برای استفاده مناسب از آموزش مورد توجه قرار داد. لازم است که در این تعامل دوسویه به این نکته توجه داشت که مربیان با متربیان از نظر شایستگی‌ها در یک سطح قرار ندارند. در این فرایند، گام نخست و محوری را مربیان برمی‌دارند، اما با عنایت به اراده آزاد آدمی، مربیان در این فرایند برای رسیدن به نتایج موردنظر، فعال ما یشاء نیستند، بلکه گام‌های ضروری و محوری دیگری نیز باید از سوی متربیان برداشته شود.

قبل از آنکه درخصوص هشدارهای تربیتی در انتخاب یا تولید محتوای مواد آموزشی، اعم از مکتوب و یا الکترونیکی، بحث کنیم، لازم است که مفهوم تربیت را با توجه به اسناد بالادستی آموزش و پرورش، نظیر مبانی نظری «سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» تبیین کنیم.

با اینکه تعریف «تربیت» از منظر اسلام، علی‌الاصول تمام تدابیر و تلاش‌های زمینه‌ساز تحول آگاهانه و اختیاری همه ابعاد وجودی آدمی را دربرمی‌گیرد، و در این زمینه تدابیر و افعال خداوند تعالی نسبت به انسان، مهم‌ترین و بلکه کامل‌ترین مصداق تربیت آدمی تلقی می‌شود. لیکن طبق تعریف سنتی، تربیت تنها شامل آن دسته از تدابیر و فعالیت‌های اجتماعی هدفمندی است که از سوی انسان‌های نسبتاً رشدیافته (معلمان) به منظور رشد و اصلاح پایدار و همه‌جانبه مخاطبان گوناگون و به صورت‌های متفاوت در طول دوران تحصیل آن‌ها انجام می‌شود.

مشاهده می‌کنیم که چنین تعریفی آن دسته از تدابیر و اعمال اصلاحی انسان‌ها نسبت به خویشان یا به عبارت دیگر، خودسازی و تهذیب‌نفس را که اهمیت بالایی در تربیت اسلامی دارد، شامل نمی‌شود. و از این نظر این تعریف نقص دارد.

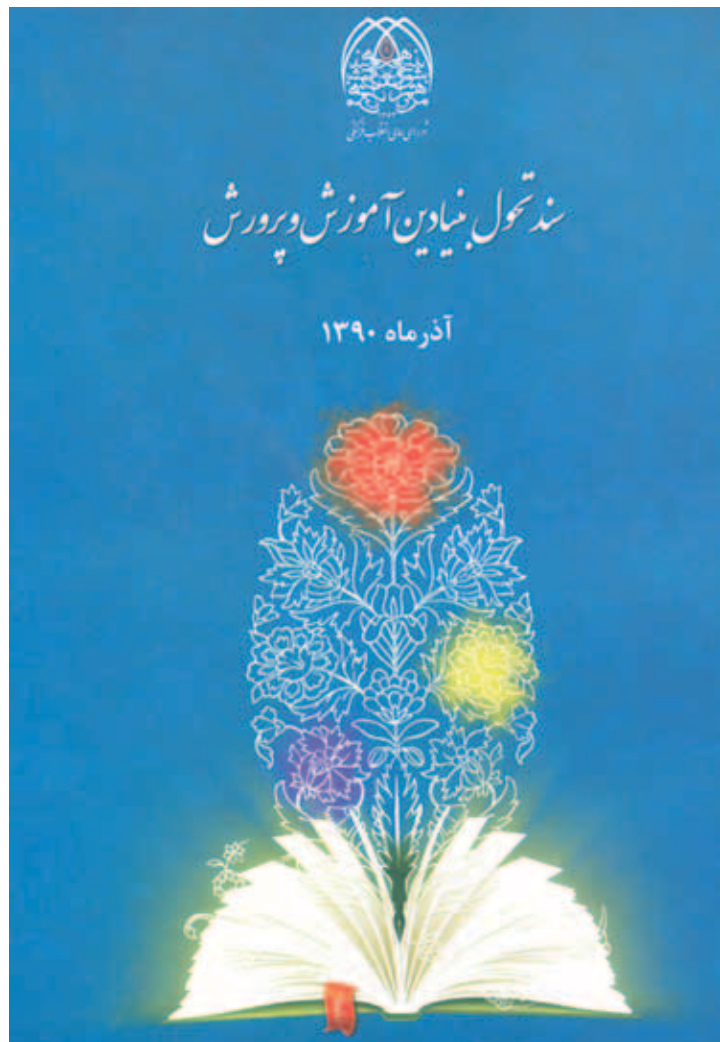
در تعریفی که ما از تربیت ارائه خواهیم کرد، تلاش می‌شود که به همه ابعاد آن با توجه به فرایندها و نتایج یادگیری مورد انتظار براساس نظام معیار اسلامی توجه شود. با عنایت به ویژگی‌های تعریف جامع و مانع از تربیت و براساس دیدگاه اسلامی، تربیت را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: «تربیت عبارت است از فرایند تعاملی

یا با تجربه باشند. آن‌ها در هر حال نیاز دارند که تجربیات خود را توسعه بخشند.

تکوین و تعالی فطرت و هویت متریبان: زمینه‌سازی برای تکوین و تعالی فطرت و هویت دانش‌آموزان به طراحی و تولید برنامه‌ها و اجرای مجموعه‌ای از تدابیر و اعمال هماهنگ، سنجیده و حساب‌شده از سوی برنامه‌ریزان و معلمان نیاز دارد. زمینه‌سازی هم جنبهٔ ایجابی دارد و هم جنبهٔ سلبی. جنبهٔ ایجابی به الزامات، ضرورت‌ها و بایدها، و بُعد سلبی به رفع یا دفع موانع درونی و بیرونی تکوین و تعالی انسان توجه می‌کند.

فطرت به سرشت الهی انسان اشاره دارد. از آنجا که حقیقت انسان چیزی جز روح نیست، فطرت با توجه به آموخته‌های اولیه و معرفت حضوری به خداوند، میل به پرستش خداوند، کشف و درک خود حقیقی یا هدایت الهی خویش، حقیقت‌جویی، کنجکاوی، خلاقیت، درک رمز و راز هستی، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌دوستی، عدالت‌خواهی و نفی ظلم، پاکدامنی، عفو و بخشش، علم‌جویی و سایر فضایل دارد. فطرت مفهومی است که در برابر گزینه یا کشش‌های طبیعی قرار دارد. فطرت آدمی به دلیل آنکه سالم و بکر است، وضعیتی همچون بذر گیاهان دارد و نیازمند فراهم شدن عوامل خارجی برای ظهور و به فعلیت رسیدن و شکوفایی است. فطرت آدمی ممکن است که شکوفا شود (هرگاه شرایط فراهم باشد) و یا به فراموشی سپرده شود (هرگاه با موانعی روبه‌رو شود). با این حال هیچ‌گاه به‌طور کامل در انسان‌ها از بین نمی‌رود.

انسان با توجه به شوق فطری، جویندهٔ همهٔ مراتب کمال (تاحد بی‌نهایت) است. البته کمال‌طلبی انسان مراتبی دارد و حرکت در این مسیر، از کمالات طبیعی آغاز می‌شود و به سوی مراتب بالاتر و معنوی پیش می‌رود. بنابراین، هم توجه به کمالات طبیعی (نظیر نیازهای جسمانی و تلاش برای برآوردن آن‌ها به صورت معقول) لازم است، و هم ادامهٔ حرکت به سوی مراتب بالاتر کمال با توجه به فطرت بی‌نهایت طلب انسان امری کاملاً معقول به نظر می‌رسد. هویت انسان ترکیبی از باورها، بینش‌ها، گرایش‌ها، تصمیمات و اعمال فردی و جمعی است که به تدریج شکل می‌گیرد. هویت با توجه به شئون گوناگون حیات انسان دارای ابعاد و جنبه‌های مختلفی است. این جنبه‌ها از یکدیگر استقلال ذاتی ندارند و در جریان تکوین و تعالی در تعامل با یکدیگر می‌توانند موجودیتی یکپارچه و وحدت‌یافته را تشکیل دهند. به عبارت دیگر، هویت حقیقت واحدی در عین کثرت است. بنابراین آدمی دارای دو هویت است: هویت فردی و هویت جمعی. هویت فردی ناظر بر بعد اختصاصی وجود انسان است و هویت جمعی ناظر بر بعد مشترک زندگی آدمی با دیگر انسان‌هاست. انسان به دلیل برخورداری از عقل، و اراده می‌تواند خود را از حل شدن در دیگران حفظ کند. اما به دلیل هویت جمعی می‌تواند با دیگران داد و ستد اجتماعی کند و احساس تعلق و هم‌بستگی با



متریبان (دانش‌آموزان): مخاطبان اصلی فرایند دوسویهٔ تربیت هستند و از استعداد و توانایی بالقوه برای حرکت آگاهانه و اختیاری به سوی مراتب کمال برخوردارند. از آنجا که متریبان هر پایه یا دورهٔ تحصیلی شایستگی‌های لازم را برای درک و بهبود موقعیت خود ندارند، به راهنمایی و مساعدت دیگران از جمله معلم و برنامه‌های درسی نیازمند هستند.

متریبان به لحاظ زمینه‌های فرهنگی، شرایط محیطی، تجربه و استعداد با یکدیگر متفاوت هستند.

مربیان (معلمان): مجموعه‌ای از افراد نسبتاً رشدیافته، دلسوز و خیرخواه که از شایستگی‌های فردی و جمعی برخوردارند و مراتب قابل توجهی از حیات طیبیه را در خود بروز و ظهور داده‌اند (یا حداقل انتظار می‌رود که اینگونه باشند) و به همین علت، مسئولیت سنگین کمک به هدایت دیگران و زمینه‌سازی رشد ابعاد وجودی افراد به آن‌ها واگذار شده است. مربیان ممکن است که مبتدی (تازه‌کار) و

آن، تحصیل کمالات لازم برای رسیدن به مقام قرب است. مراد از قرب، نزدیکی زمانی و مکانی نیست، بلکه مقصود از آن رابطه حقیقی (واقعی) بین خدا و انسان است که در نتیجه آن، استعدادهای فطری و معنوی در فرد شکوفا می‌شود. روح انسان در اثر باور به خدا و اعمالی مشخص با خداوند رابطه‌ای وجودی برقرار می‌کند و در نتیجه مراتب کمال در وجود انسان محقق می‌شود. این ارتباط واقعیتی تکوینی است، ولی حصول به آن امری اختیاری و اکتسابی است. ارتباط با خداوند امری دارای مراتب و درجات مختلف است که در نتیجه تربیت می‌تواند به‌طور مداوم تشدید شود و در صورت غفلت از تربیت و تلاش درونی تنزل یابد.

شایستگی‌های لازم در ابعاد فردی و اجتماعی: منظور از «شایستگی» ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های ناظر به همه جنبه‌های هویت (عقلانی، ایمانی، ارادی، عملی، علمی و اخلاقی) است که متریبان در جهت درک و عمل برای بهبود مستمر موقعیت خود (برای دستیابی به مراتب حیات طیبیه) باید آن‌ها را کسب کنند. شایستگی‌ها را می‌توان برحسب سطح و لزوم کسب آن‌ها توسط عموم افراد جامعه به دو گروه «شایستگی‌های پایه» و «شایستگی‌های ویژه» تقسیم کرد.

شایستگی‌های پایه آن دسته از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌ها هستند که متریبان باید آن‌ها را برای وصول به مرتبه‌های لازم از آمادگی عمومی به‌منظور تحقق حیات طیبیه کسب کنند. ولی **شایستگی‌های ویژه** آن گروه از صفات و توانمندی‌ها هستند که در سطحی بالاتر از سطح مورد انتظار از آمادگی همگان به منظور تحقق حیات طیبیه لازم است و افراد برحسب علاقه و استعداد فعلیت یافته خود و نیازهای جامعه می‌توانند آن‌ها را کسب می‌کنند. مهم‌ترین شایستگی‌های پایه و مشترک که برنامه‌های درسی در دوره‌های گوناگون تحصیلی باید دنبال کنند، عبارت‌اند از:

الف) عنصر تعقل و تفکر

- درک وجود خود، نیازها، توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد هویت متعالی خویش؛
- بصیرت نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود؛
- تدبیر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به‌عنوان خالق هستی؛
- تدبیر در نظام خلقت و شگفتی‌های آن.

ب) عنصر ایمان و باور

- ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه؛
- باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی؛

مردم جامعه خود داشته باشد. در عین حال، داشتن هویت جمعی اراده آدمی را از او سلب نمی‌کند.

هویت دارای انواع و لایه‌های متفاوتی است. این انواع در عین تمایز، با یکدیگر هم‌پوشی نیز دارند. مهم‌ترین انواع هویت، در وجه جمعی آن عبارت‌اند از: هویت‌خانوادگی، هویت قومی، هویت ملی، هویت دینی/ مذهبی و هویت انسانی، و در وجه فردی عبارت‌اند از: هویت شخصیتی، هویت جنسیتی و هویت حرفه‌ای یا شغلی. در میان این جنبه‌ها هویت انسانی و هویت دینی / مذهبی ناظر بر معرفت و باور به حق تعالی و برقراری ارتباط با او در همه شئون زندگی است و بین سایر جنبه‌های هویت نقش محوری و وحدت‌بخش دارد.

نظام معیار اسلامی: مقصود از «نظام معیار» مجموعه‌ای منسجم

از مبانی و ارزش‌های برگرفته از منابع معتبر دین حق (اسلام) است. پذیرش این مجموعه از معیارها و رعایت علمی آن در همه ابعاد و شئون زندگی، وجه تمایز اساسی حیات طیبیه از زندگی رایج غیردینی (سکولار) است. باید توجه داشت که نظام معیار اسلامی مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش‌های ناظر بر همه ابعاد زندگی انسان است که نه تنها همه آن‌ها به لحاظ اهمیت و اولویت تحقق در یک سطح و مرتبه نیستند، بلکه پذیرش

برخی از ارزش‌های اخلاقی و اساسی این نظام معیار، متوقف به شناخت و انتخاب دین حق است (زیرا عقل سالم و فطرت الهی فعال در وجود هر انسان نسبت به این‌گونه ارزش‌ها به‌طور مستقل حکم می‌کند). البته نظام معیار اسلامی به لحاظ فردی در مصادیق انسان کامل (و در نمونه‌اعلای آن پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)) تجلی عینی و عملی می‌یابد و در بعد اجتماعی نیز جامعه صالح اسلامی با محوریت و رهبری نظام امامت، مظهر تحقق و پیاده‌سازی نظام معیار اسلامی است.

هدایت در راستای قرب الهی: «هدایت» جهت‌دهی حرکت

آگاهانه و اختیاری افراد جامعه در مسیر دستیابی به هر نوع کمال شایسته‌ای است که بتواند آن‌ها را در راستای غایت زندگی انسان (قرب الی‌الله) و مراتب گوناگون آن قرار دهد. در نگرش اسلامی، هدایت دارای دو وجه است:

۱. ارائه طریق یا راهنمایی افراد به‌سمت مقصد و نشان دادن طریق رسیدن به آن مقصد.
 ۲. رساندن به مطلوب یا کمک برای حرکت آگاهانه و اختیاری در راه رسیدن به مقصد.
- فلسفه توجه به انسان کامل و لزوم قبول ولایت و تاسی به ائمه معصومین به‌دلیل اهمیت این دو (ارائه طریق و رساندن به مطلوب) در امر تربیت آدمی است.
- قرب الی‌الله مصداق اتم غایت زندگی انسان است و مقصود از

مراد از قرب، نزدیکی زمانی و مکانی نیست، بلکه مقصود از آن رابطه حقیقی (واقعی) بین خدا و انسان است که در نتیجه آن، استعدادهای فطری و معنوی در فرد شکوفامی‌شود

■ ایمان به انبیای الهی، قرآن، پیامبر خاتم(ص)، ائمه معصومین(علیهم السلام) و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی‌بدیل آن‌ها در هدایت و رستگاری بشر؛

■ باور به نقش دین مبین اسلام و نظامات آن به‌عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه؛

■ ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانون‌مندی نظام خلقت و باور به زیبایی‌های جهان آفرینش به‌عنوان مظاهر فعل و جلال و جمال خداوند؛

■ ایمان به هویت الهی انسان، کرامت او و توانمندی‌های جمعی و فردی انسان.

ج) عنصر علم و آگاهی

■ شناخت خود و ظرفیت‌ها و هویت خویش؛

■ شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، معارف دینی و منابع آن؛

■ علم نسبت به پدیده‌ها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان‌ها با آن‌ها و بهره‌برداری بهینه از آن‌ها؛

■ علم نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آن‌ها در زندگی اجتماعی؛

■ علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری، به‌ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛

■ آشنایی با ویژگی‌های نظام مردم‌سالاری دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی؛

■ آشنایی با روش‌های رمزگشایی پدیده‌ها و رمزگردانی آن‌ها و ابراز آن به زبان زیباشناسی و هنر.

د) عنصر عمل (مهارت)

■ عمل به آموزه‌های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات و ترک محرمات؛

■ به‌کارگیری ظرفیت‌های وجودی خود برای دستیابی به هویت متعادل و یکپارچه در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه؛

■ به‌کارگیری آداب و مهارت‌ها و سبک زندگی اسلامی - ایرانی؛

■ به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی؛

■ بهره‌گیری از مهارت‌های پایه برای شکل‌دهی به هویت حرفه‌ای آینده خود به‌صورت مولد و کارآفرین؛

■ بهره‌گیری آگاهانه از یافته‌های علمی، هنری، فنی، حرفه‌ای، بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه آن‌ها؛

■ حفظ و تعالی محیط‌زیست، میراث فرهنگی و سرمایه‌های طبیعی؛

■ به‌کارگیری مهارت‌های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی

به‌عنوان زبان دین؛

■ به‌کارگیری مهارت‌های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی و با رعایت تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی.

ه) عنصر اخلاق

■ رعایت تقوای الهی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی

■ متعهد به ارزش‌های اخلاقی، از جمله صدق، صبر، احسان و رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویشتن‌داری، رضا، عدالت، قناعت، نوع‌دوستی، و تکریم والدین و معلم در شئون و مناسبات فردی و اجتماعی؛

■ ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر؛

■ ارزشمند دانستن عالم، علم‌آموزی و یادگیری مادام‌العمر؛

■ تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی؛

■ ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط‌زیست؛

■ التزام به اصول و ارزش‌های اخلاقی در استفاده از علوم و فناوری‌های نوین (سند برنامه درسی ملی، صفحات ۱۹-۱۶).

ابعاد و مراتب تربیت و حیات طیبه فردی و اجتماعی: حیات

طیبه وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، براساس نظام معیار اسلامی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی، یعنی قرب الی‌الله خواهد شد. این‌گونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید براساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه نظام معیار و متناسب با دین اسلام انتخاب شود. تأمل در مفهوم کلیدی حیات طیبه نشان می‌دهد که حیات طیبه اگرچه مفهومی یکپارچه و کلی است، اما دربردارنده شئون و جنبه‌های متعددی است که در ارتباط و تعامل با یکدیگر این مفهوم پویا را تکامل می‌بخشند. از آنجا که این شئون استقلال نسبی دارند و علاوه بر این، انتظارات مشخص (وضعیت‌های مطلوب برای هریک از آن‌ها) زمینه‌های مناسب تحقق آن‌ها را با عنایت به خصوصیات همین جنبه‌ها فراهم می‌کند، بدین لحاظ تربیت را متناسب با این شئون می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی: ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شئون اعتقادی، عبادی و اخلاقی حیات طیبه.

تربیت اجتماعی و سیاسی: ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شئون اجتماعی و سیاسی حیات طیبه.

حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، براساس نظام معیار اسلامی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی، یعنی قرب الی‌الله خواهد شد

تولید شود. مقاصد هر یک از این مواد، دانش‌افزایی و یا مهارت‌آموزی است. هدف تولید هر چه که باشد، باید پاسخ‌گوی نیاز مخاطبان باشد. توجه به ملاحظات چون توسعه دانش پایه، تقویت توانایی عقلانی، تصحیح بدفهمی‌ها، چیرگی در کسب مفاهیم و مهارت‌ها (یادگیری در حد تسلط)، حل مشکلات یادگیری، غنی‌سازی مفاهیم درسی، حل مشکلات تدریس، انتخاب روش آموزش مناسب با یادگیری یک مفهوم و یا مهارت، از جمله ملاحظات هستند که باید در انتخاب محتوا مورد توجه قرار گیرند.

۳. تقویت گرایش‌های فطری و کمک به شکل‌گیری هویت

مخاطبان انتظار دارند که مواد آموزشی پاسخ‌گوی یک یا چند مورد از نیازهای آن‌ها باشد. برای مثال، با مطالعه یک کتاب احساس کنند که به یکی از نیازهای آن‌ها در بعد سلامتی، عاطفی، معنوی، اخلاقی، زیبایی‌شناختی، علمی، فلسفی و یا اجتماعی پاسخ داده شده است. موقعیت آن‌ها از حالت ایستای قبلی به وضعیتی پویاتر تبدیل شده است و یا دانش یا مهارت جدیدی را کسب کرده‌اند، به شناخت بهتری از خود دست یافته‌اند، رازهای ناشناخته جدیدی برای آن‌ها معلوم شده، هویت خود را کشف کرده‌اند و بین جهان درون و بیرون آن‌ها پیوستگی بیشتری به وجود آمده است.

۴. توجه به نظام معیار اسلامی

از آنجا که دین تبیین‌کننده آیین حیات طیبه و نظام ارزشی و تعیین‌کننده سبک زندگی پاک و سالم است، در انتخاب محتوای مواد آموزشی، توجه به مبانی آموزه‌های دینی مانند قرآن، سنت پیامبر(ص) و معصومین، ارزش‌های اسلامی، عقل و اجتهاد و پیوند بین علم و دین ضروری است. این کار موجب می‌شود که مخاطبان همواره نگاهی فرامادی به جهان پیدا کنند، بدون آنکه از مناسبات علت و معلولی و ارتباطات و قانونمندی‌های جهان مادی غفلت ورزند.

۵. هدایت در راستای قرب الهی

خداوند متعال رب‌العالمین (مربی و تکامل‌بخش جهان)، علت و مقصد جهان و خیرمطلق است. شأن تنزیل کتاب‌های آسمانی (مهم‌ترین مواد آموزشی مکتوب و هدایتگر) رساندن انسان به مقام قرب الهی بوده است. بدین لحاظ شایسته است که مواد آموزشی نیز به تسهیل این هدف کمک کنند، زیرا در حالت قرب است که شکوفایی معنوی و عقلانی برای انسان حاصل می‌شود و زمینه برای تحقق تربیت واقعی فراهم می‌آید. قرب الهی ابعاد متفاوتی دارد؛ برای مثال، «قرب معنوی» که در نتیجه تهذیب نفس و پالایش درون کسب می‌شود، و «قرب اخلاقی» که در نتیجه عمل به وظایف در قبال خود، خانواده، دیگران، خداوند و نظام هستی حاصل می‌شود،

تربیت اقتصادی و حرفه‌ای: ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شئون اقتصادی و حرفه‌ای حیات‌طیبه.

تربیت علمی و فناوری: ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شئون علمی و فناوری حیات‌طیبه.

تربیت هنری و زیبایی‌شناختی: ناظر بر آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن زیبایی‌شناختی و هنری حیات‌طیبه.

شایان ذکر است که تربیت در همه ساحت‌های یادشده، معطوف به تکوین و تعالی هویت متریبان به‌طور یکپارچه و با توجه به همه عناصر اساسی هویت (معرفت، باور، میل، اراده، عمل و تکرار آن) و در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن است که با درک موقعیت خود و دیگران و عمل صالح فردی و جمعی، برای بهبود پیوسته آن براساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی تحقق می‌یابد.

با توجه به مفهوم تربیت و با عنایت به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی شایسته است که در تدوین مواد آموزشی هشت اصل عمومی زیر مورد توجه قرار گیرند:

۱. توجه به فرایند یادگیری و تعامل با مخاطب

یادگیری فرایندی دوسویه بین مربی و متربی و مخاطب با ماده آموزشی است. جریان آموزش، فرایندهای ذهنی خاص خود را دارد که در جریان یادگیری باید تقویت شوند. هر یک از دانش‌آموزان سبک یادگیری خاص خود را دارد و بر این اساس می‌توان دانش‌آموزان را به سه گروه دیداری، شنیداری و حرکتی تقسیم کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در نیمی از افراد رجحان یادگیری با حس بینایی، در ۳۵ درصد لمسی - جنبشی و در ۱۵ درصد شنیداری است. بدین لحاظ، به‌منظور درک عمیق‌تر مفاهیم و ایجاد پیوند بین دو نیم‌کره مغز، لازم است در مواد آموزشی از نقاشی، طراحی، تکلیف، کار عملی، جدول، نمودار، نقشه و تصویر (سوزا دیوید، ۱۳۹۰) استفاده شود. از سوی دیگر، سازمان محتوا نیز باید به گونه‌ای طراحی شود که فرد در جریان یادگیری فعال شود و خود به ساختن دانش بپردازد. توجه به نیازهای مخاطبان در سنن مختلف و تفاوت‌های آن‌ها در یادگیری، از دیگر نکاتی است که در تولید مواد آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. شناخت تربی (دانش آموز) و مربی (معلم)

مواد آموزشی ممکن است که برای معلم و یا برای دانش‌آموز

از آنجا که دین تبیین‌کننده آیین حیات طیبه و نظام ارزشی و تعیین‌کننده سبک زندگی پاک و سالم است، در انتخاب محتوای مواد آموزشی، توجه به مبانی آموزه‌های دینی مانند قرآن، سنت پیامبر(ص) و معصومین، ارزش‌های اسلامی، عقل و اجتهاد و پیوند بین علم و دین ضروری است

و یا «قرب علمی و عقلانی» که در نتیجه مطالعه، تحقیق و تفکر به دست می‌آید. تولید محتوای هدایت‌گرانه، آثاری که حاوی پیام‌های معنوی، اخلاقی و اجتماعی راهگشا باشد، اثری فلسفی که از عقل، دل و وحی استفاده می‌کند و به مخاطب در گشودن معنای وجود و رمز هستی کمک می‌کند، و یا علمی که گرهی از مشکلات بشر می‌گشاید، همگی می‌توانند تلاشی در سوق دادن مخاطب در نیل به قرب الهی باشند.

۶. تقویت شایستگی‌های پایه

مواد آموزشی متفاوت از قبیل کتاب‌های درسی، کتاب‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی، فیلم‌ها و سی‌دی‌ها، و کتاب‌های کار و ارزشیابی، ابزارهای پشتیبان از برنامه‌های درسی و تربیتی هستند که هر کدام تحقق بخشی از شایستگی‌ها و صلاحیت‌های ویژه را با راهنمایی و هدایت معلم برعهده دارند. کم‌توجهی به شایستگی‌های پایه و یا شایستگی‌های ویژه، خطر کجروی از مقاصد تربیت را به دنبال دارد. شایستگی‌های پیش‌بینی‌شده که ذیل پنج عنصر تربیتی در سند برنامه درسی ملی سازمان‌دهی شده‌اند، هر یک بخشی از پایه‌های اساسی تربیت را می‌سازند. ترکیب این شایستگی‌ها ارزش افزوده‌ای را به وجود می‌آورد که حاصل آن حکمت، خلاقیت، عروج انسانیت و نیل به معرفت حقیقی و شکوفایی فطرت الهی انسان است.

۷. توجه به عناصر پنج‌گانه تربیتی و ایجاد پیوند

بین این عناصر

مقصد کلی برنامه‌های درسی تربیت انسان متفکر، مؤمن، عالم و آگاه، عامل و متخلق به اخلاق حسنه است. هریک از این عناصر به تنهایی و در ترکیب با یکدیگر از اهمیت فراوانی برخوردار است. این عناصر مورد تأکید نظریه‌پردازان درسی مختلف است. «تفکر» پردازش ذهنی بر روی اطلاعاتی است که از طریق مشاهده کردن، خواندن، تجربه کردن، شنیدن، بحث و گفت‌وگو و یا شهود وارد ذهن می‌شود و سرانجام به کشف موضوعات جدید می‌انجامد. «تعقل» قضاوت براساس نظام معیار و تشخیص راه درست از نادرست است. نظریه رشد فرایند شناختی در برنامه درسی بر این مهم تأکید دارد.

مغز انسان برای تفکر در سطوح متفاوتی از ساده تا پیچیده طراحی شده است. تمرین‌هایی که بر حفظ کردن و یا پیدا کردن یک پاسخ تأکید دارند، تفکر ساده و یا هم‌گرا را تقویت می‌کنند. در حالی که تمرین‌هایی که براساس تحلیل و ترکیب، قضاوت و داوری و یا کاربست یک یافته در موقعیتی جدید طراحی می‌شوند، نه تنها سطوح پیچیده‌ای از تفکر را تقویت می‌کنند، بلکه به افزایش توانایی قدرت خلاقه انسان (تفکر واگرا) منجر می‌شوند. توجه به پرورش انواع مهارت‌های ذهنی این فرصت را برای فرد فراهم

می‌کند که انواع هوش در پردازش اطلاعات ذهنی درگیر شوند. انسان در عرصه زندگی ناچار از به‌کارگیری هوش‌های گوناگون است تا بتواند مشکلات معیشتی و یا دغدغه‌های دانستن خود را حل کند. وقتی سطوح متفاوتی از اطلاعات و شناخت، درگیر در فرایندهای ذهنی می‌شوند؛ هوش‌های دیگر نیز به صحنه کار و عمل فراخوانده می‌شوند.

«کسب علم و آگاهی» عنصر دیگری از تربیت است و قلمرویی را به پهنه هستی، از انسان گرفته تا خداوند و از جوامع انسانی گرفته تا همه مراتب خلقت و نظامات آن را شامل می‌شود. علم هم اندیشه‌محور است و هم انسجام‌محور؛ هم خصلت پویا دارد و هم صبغه جهانی. موضوع و روش تحقیق در قلمروهای علمی مشخص است و از طرفی نتایج آن در زندگی کاربرد دارد. علم می‌تواند به استحکام عقلانی دانش‌آموزان کمک کند. در صورتی که بر معنویت استوار باشد و از طرفی می‌تواند به منزله داریستی برای عروج انسان عمل کند.

«ایمان» عنصر دیگری از تربیت است و آخرین مرحله رشد عاطفی محسوب می‌شود. ایمان حاصل علم و تفکر است که به انسان فهمی معنادار و شهودی از نظام هستی و شعوری ماورایی می‌بخشد. تقویت ایمان از پیدایش احساس پوچی و عدم پیوند انسان با هستی جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا موقعیت خویش را در رابطه با زندگی دریابند. ایجاد پیوند بین دنیای درون و بیرون، و دنیای فیزیکی و دنیای معنوی موجب می‌شود تا فرد به آگاهی‌های شهودی و فراحسی دست یابد و مقصود و معنای زندگی را درک کند. نیل به چنین هدفی تنها وظیفه درس دینی نیست، بلکه همه برنامه‌های درسی با درجات متفاوتی از تعهد می‌توانند به تحقق این هدف کمک کنند.

مدارس ما امروزه چنان خود را مشغول انتقال اطلاعات شناختی کرده‌اند که از ترس‌ها، نگرانی‌ها، دغدغه‌های روحی و حیرتی که جوانان با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند، غافل شده‌اند. با این حال جوانان در حالی که با مشکلات خاص جوانی و معضلات آن دست و پنجه نرم می‌کنند، همچنان در جست‌وجوی معنای زندگی و پیدا کردن خود هستند. **سولومون و هانتز** (۲۰۰۲)، به نقل از **رئیس‌دانا** معتقد هستند که «برنامه درسی و معنویت باید دست به دست هم بدهند تا ظرفیت درون انسان‌ها را شکوفا کنند». معنویت در اصل روح تعلیم و تربیت است و در زمان ما باید به این سؤالات اساسی پاسخ دهد:

- مقصود از زندگی چیست و ما چه هدفی داریم؟
- ما علم یاد می‌گیریم تا چه کنیم؟
- انسان کیست و چرا انسان‌ها تا این حد تنها و سردرگم هستند؟
- چرا انسان‌ها از یکدیگر متنفرند و یکدیگر را می‌کشند؟
- چرا باید زمین خود و منابع آن را نابود کنیم؟

خانواده‌ها گاه موفقیت تحصیلی و یا قبولی در کنکور فرزندان خود را مهم‌تر از کسب فضایل اخلاقی می‌دانند. مواد آموزشی گاه از آموزش وظایف گسترده زندگی و مسئولیت‌های آن غافل می‌شوند؛ وظایفی که ما در برابر خود، خانواده، همسایگان، جامعه، خدا و یا زمین و موجودات آن داریم

- چه عواملی از آدم‌هایی که با فطرت پاک متولد می‌شوند، شیطان می‌سازند؟
- چگونه می‌توان انسان‌ها را حول محور خدا متحد کرد؟
- کدام انسان‌ها و کدام نظام‌ها می‌توانند صلحی پایدار در زمین ایجاد کنند؟

■ چگونه می‌توان پیروان مذاهب را به یکدیگر نزدیک کرد، آن‌گونه که انسان‌ها به‌خاطر سعادت یکدیگر جان خود را فدا کنند؟

«عمل» بعد دیگری از تربیت است. پیوند نظر و عمل و آموزش‌های مدرسه‌ای با زندگی موجب معنادارشدن آموخته‌ها می‌شود و موجب می‌شود که دانش‌آموزان افرادی کاملاً فعال و کنشگر تربیت شوند. توجه به روش‌های تحقیق در هر علم، بعد دیگری از عمل است. تحقیق دانش‌های اولیه را به دانش‌های نو و مرزهای علم نزدیک می‌کنند و پیوند آن‌ها با زندگی، از شکل‌گیری احساس بیهوده بودن یادگیری موضوعات علمی محض جلوگیری می‌کند.

«اخلاق» محور اساسی و یا شاید مقصد غایی تربیت اسلامی است. دانش‌آموزان به‌دلیل ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی مدام در معرض نوسانات عاطفی هستند. یادگیری فعل اخلاقی بر سه پایه شناخت، عواطف و موضع‌گیری‌های تنی - حسی استوار است. هر حوزه یادگیری دارای پیام اخلاقی خاصی است. ورزش، کار، علوم تجربی، دین، مهارت‌های زندگی، فرهنگ، هنر، ادبیات، تاریخ و جغرافیا هر کدام به‌گونه‌ای با اخلاق سروکار دارند و لازم است که انواع آن را تقویت

کنند مانند اخلاق ورزشی، کاری زیست محیطی، دینی، اجتماعی و اخلاق عالی الهی دانش‌آموزان به‌دلیل خصیصه جوانی دوست دارند هر چیزی را از نو تجربه کنند و مداوم در حال شکستن مرزهای اخلاق هستند. کارکردهای پنهان مدرسه و یا تأثیر همسالان نیز ممکن است که دانش‌آموزان را به‌سمت لغزش‌های اخلاقی سوق دهد.

خانواده‌ها گاه موفقیت تحصیلی و یا قبولی در کنکور فرزندان خود را مهم‌تر از کسب فضایل اخلاقی می‌دانند. مواد آموزشی گاه از آموزش وظایف گسترده زندگی و مسئولیت‌های آن غافل می‌شوند؛ وظایفی که ما در برابر خود، خانواده، همسایگان، جامعه، خدا و یا زمین و موجودات آن داریم. در چنین شرایطی رشد تفکر، کسب ایمان راستین، کسب فضایل اخلاقی، و تلفیق علم و عمل بهترین توصیه‌ای است که تولیدکنندگان مواد آموزشی می‌توانند دنبال کنند.

منابع

۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۰) شورای عالی آموزش و پرورش.
۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۱)، شورای عالی آموزش و پرورش
۳. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، شورای عالی آموزش و پرورش
۴. دیوید، سوزا (۱۳۹۰). مدیریت یا رهبری آموزشی. ترجمه دکتر فرخ‌لقا رئیس‌دانا. انتشارات عابد. تهران.
۵. میلر، جی. پی (۱۳۷۹). نظریه‌های برنامه درسی. ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی. انتشارات سمت. تهران.





طراح: سعید زراقی



گفت و گو با چند ناشر آموزشی

واکاوی نقش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در تولید منابع استاندارد و مناسب

محمد دشتی

اشاره

یکی از اتفاقات قابل توجه در برگزاری «بیست و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران» این بود که به دلیل افزایش قیمت ارز، مشکلات اقتصادی ناشی از آن و گرانی کاغذ و دیگر ملزومات چاپ و نشر، ناشران و تولیدکنندگان کتاب با کاهش فروش کتاب‌های خود روبه‌رو بودند. علی‌رغم استقبال از برگزاری این نمایشگاه، از فروش و رونق سال‌های گذشته خبری نبود.

اما موضوع قابل توجه دیگر اینکه اگر واقعاً بازار اندکی هم برای فروش آثار ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاه وجود داشت، بخش عمده آن مربوط به غرفه‌های فروش کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی و یا همان ناشران آموزشی بود که به تب به وجود آمده برای کنکور دامن زده و با تبلیغات گوناگون و وعده تخفیف‌های درخور توجه، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و حتی برخی معلمان را به این نمایشگاه کشانده بودند؛ به گونه‌ای که مقصد بسیاری از توره‌های بازدید از نمایشگاه کتاب مدارس شهر تهران و دیگر شهرهای اطراف، همین غرفه‌ها و خرید محصولات آن‌ها بود.

جدا از این موضوع کلی در خصوص بحث نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و ضرورت توجه جدی به موضوع کتاب و کتاب‌خوانی در کشور به نظر می‌رسد در صورت هدایت این بازار پرشمتری به سوی منابع آموزشی مناسب و مفید، علاوه بر رونق بازار ناشران آموزشی، مخاطبان این آثار نیز به نوبه خود از آثار مناسب، قابل اتکا و مفید بیشتری برخوردار خواهند شد. در صورت هدایت بازار نشر آموزشی، به سوی منابع آموزش

مناسب و مفید، علاوه بر رونق بازار ناشران آموزشی، مخاطبان آن نیز از آثار مناسب، قابل اتکا و مفید بیشتری برخوردار خواهند شد.

ملاقاتی دوباره با ناشران آموزشی

آنچه بیان شد بیانگر این امر است که موضوع ناشران آموزشی و آثاری که تولید می‌کنند، از بحث‌های چالش‌برانگیز و مطرح در حوزه فرهنگ و آموزش و پرورش است. در همین ارتباط و به دلیل این اعتقاد که اگر نشر چنین آثاری تحت نظارت و حمایت آموزش و پرورش قرار نگیرد، می‌تواند آثار و تبعات ناخوشایندی داشته باشد، از حدود ۱۲ سال پیش، طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) در آموزش و پرورش کلید خورد.

امسال هم دست‌اندرکاران مدیریت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با اختصاص غرفه‌ای به این کمیته از اولین روزهای برپایی نمایشگاه، تا روز آخر پذیرای حضور ناشران آموزشی، معلمان، خانواده‌ها، مؤلفان متون آموزشی و دیگر علاقه‌مندان و مراجعان به این غرفه بودند.

در این مدت خبرنگار نشریه «جوانه» نیز با حضور در این غرفه با ناشران آموزشی که عمدتاً آثار آنان در جشنواره انتخاب کتاب‌های مناسب آموزشی برگزیده و معرفی شده بود به گفت‌وگو با ناشران نشست. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارش گفت‌وگو با مدیران و مسئولان «انتشارات فروردین»، «انتشارات بین‌المللی حافظ» و «انتشارات آیین تربیت» (فعال در مشهد مقدس) است که لحظاتی

میهمان همکاران خود در غرفه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دبیرخانه سامان‌دهی بودند. شایان ذکر است، به دلیل طولانی بودن گفت‌وگو، آن را اندکی مختصر کردیم و چاپ گفت‌وگو با «انتشارات قدیانی» را به شماره بعد موکول نمودیم.

این طرح مثبت و موثر است، اما مراقبت می‌خواهد!

گفت‌وگو با آقای تهامی (مدیر انتشارات فروردین)

■ جناب آقای تهامی، بعد از گذشت بیش از ۱۰ سال از پایه‌گذاری طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، روند کار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟



□ به اعتقاد من هر موضوعی اگر بخواهد گسترش پیدا کند، باید همه عوامل دست‌اندرکاران نقش خودشان را به درستی ایفا کنند. هر کسی باید بتواند تشخیص دهد که در چه فضایی کار می‌کند و نقش و وظیفه او در آن فضا چیست.

من قبلاً هم عرض کرده‌ام و باز هم تأکید می‌کنم که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با همه بخش‌های دیگر آموزش و پرورش تفاوت دارد. بالاخره همه ما با آموزش و پرورش به شکل‌های گوناگون ارتباط داریم. اگرچه در همه بخش‌ها سعی می‌شود پاسخ‌گویی و برخورد خوب وجود داشته باشد، اما در سازمان پژوهش این موضوع بیشتر رعایت می‌شود. شما وقتی وارد دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی که دبیرخانه سامان‌دهی در آن قرار دارد، مراجعه می‌کنید، این تفاوت را حس می‌کنید. متوجه می‌شوید که در آنجا فضا، فضای فرهنگی و برخورد همراه با متانت و احترام به مراجعه‌کننده است.

■ آیا با همه این تفاسیر، شما نقش نظارتی آموزش و پرورش را در تهیه، تولید و توزیع منابع آموزشی می‌پذیرید؟

□ بله، اما در چنین سیستمی باید نوعی مشارکت همگانی و نظارت گسترده وجود داشته باشد تا برای بخشی خاص تولید رانت و موقعیت فسادآور ایجاد نشود. خوش‌بختانه تا آنجا که من آشنایی دارم، شیوه اجرای این طرح، گستردگی و مدیریت این طرح به شکلی است که چنین موقعیت‌ها و آسیب‌هایی را ایجاد نمی‌کند. انتظار نداریم که برای طرح سامان‌دهی هم باز یک سیستم اداری گسترده ایجاد شود، بلکه باید از همین ظرفیت‌های موجود استفاده کرد و مثلاً به جای چاپ عنوان‌های کتاب‌های مناسب، تنها در پایان

کتاب‌های درسی، جزوات و نشریاتی برای اطلاع اولیا و معلمان چاپ شود تا این آثار به صورت مؤثرتر و گسترده‌تری در اختیار خانواده‌ها و معلمان قرار گیرد.

■ آیا فقط پرداختن به نقش و جایگاه ناشران آموزشی کار را آن گونه که مطلوب است، پیش خواهد برد؟

□ نه این به تنهایی کافی نیست! باید کارهایی فراتر از کارهای موجود و به خصوص برای همراهی معلمان با این طرح و اهداف آن انجام شود. شاید بسیاری از معلمان ما هم از ضرورت و اهمیت چنین طرحی مطلع نباشند. پس آموزش و همراهی بیشتر آنان با این طرح هم باید در دستور کار آموزش و پرورش قرار گیرد.

البته اهمیت دادن به نقش و جایگاه معلمان در آموزش و پرورش امری است که مورد کم‌مهری قرار گرفته است. معلمان مقصر نیستند، بلکه خود مقهور اراده فرهنگی جامعه‌ای هستند که نتوانسته است آنان را در حد متعارف تأمین کند و جایگاه اجتماعی معلم را در حد و قواره خودش ارزش بخشد. مسلماً معلمی که نگاهش به ساعتش است که ببیند کی کلاس درسش به پایان می‌رسد، از اصل و اساس معلمی فاصله گرفته است و نمی‌تواند به فکر درس و مشق شاگرد و سرنوشت آموزشی او باشد. پس ما در فرایند پیچیده‌ای تصمیم‌گیری می‌کنیم که باید در درازمدت تمامی اجزای آن برای سامان‌بخشی به مواد و رسانه‌های آموزشی هم سو و هم جهت شوند. در آن صورت است که این طرح خواهد توانست به همه اهداف خود در حد قابل قبولی دست پیدا کند.

به نظر من مسئله اصلی ما ایجاد علاقه‌مندی به مطالعه و کتاب‌خوانی در آموزش و پرورش و بین دانش‌آموزان است. زیرا اگر کسی به دنبال مطالعه و کتاب خواندن نباشد، اساساً نشر و تولید کتاب معنا پیدا نخواهد کرد. این امر مهمی است که باید نهادینه شود و چنین کار مهمی تنها با مطالعه کتاب‌های درسی هم اتفاق نمی‌افتد

■ از وضعیت فعلی نشر در حوزه کتاب‌های آموزشی تا چه حد راضی هستید و وضعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ این موضوع که نشر ما به کدام سمت و سو می‌رود خود حدیث دیگری است که باید در فرصت بیشتری بدان بپردازیم و جایش اینجا و در این فرصت محدود نیست. اما همین قدر بگویم که من به عنوان ناشر خجالت می‌کشم از جلوی برخی غرفه‌ها رد شوم، از بس که برخی کتاب‌های نازل و بی محتوا تولید و عرضه شده است. متأسفانه با تغییر ذائقه فرهنگی مردم و تنزل آن به زردخوانی و مبتذل‌خوانی چنین کتاب‌هایی طرفداران خودشان را پیدا کرده‌اند.

به نظر من مخاطبان واقعی شما باید خانواده‌ها باشند، چون هرچه خانواده‌ها نسبت به این طرح آگاه‌تر باشند، طرح سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی موفق‌تر خواهد بود.

با خرید شمارگانی مناسب از کتاب‌های مورد تأیید، ناشران را به همکاری بیشتر ترغیب کنید

آقای بهروش (مدیر انتشارات آیین تربیت و سنبله مشهد مقدس)

■ آقای بهروش، شما چه گفتنی‌هایی در این خصوص دارید که می‌توان آن را به صحبت‌های آقای تهامی اضافه کرد؟



□ من بازنشسته آموزش و پرورش هستم و بعد از پایان خدمت رسمی‌ام در این وزارتخانه، کار نشر را دنبال کرده‌ام. سال‌ها هم کارشناس کتاب بوده‌ام. چند سالی هم نمایندگی توزیع مجلات رشد در استان خراسان بزرگ را بر عهده داشته‌ام و با دفتر انتشارات و فناوری آموزشی هم بیگانه نیستم. به نظر من مسئله اصلی ما ایجاد علاقه‌مندی به مطالعه و کتاب‌خوانی در آموزش و پرورش و بین دانش‌آموزان است. زیرا اگر کسی به دنبال مطالعه و کتاب خواندن نباشد، اساساً نشر و تولید کتاب معنا پیدا نخواهد کرد. این امر مهمی است که باید نهادینه شود و چنین کار مهمی تنها با مطالعه کتاب‌های درسی هم اتفاق نمی‌افتد.

طرح سامان‌دهی طرح خوبی است و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌تواند با برنامه‌ریزی، از توان و ظرفیت بخش خصوصی و ناشران کتاب‌های آموزشی به خوبی استفاده کند و در ارتباطی دو سویه، بازار نشر کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی را سامان بخشد.

■ برای تأثیر بیشتر طرح و اینکه ناشران بیشتری با آن همراه شوند چه اقدامات دیگری باید انجام شود؟

□ باید به طور مداوم و حداقل به‌طور سالانه، سیاست‌های کلی نظام آموزش و پرورش به ناشران منعکس شود، تا آنان بتوانند خود را با این سیاست‌ها هماهنگ کنند. چون فرایند چاپ و تولید کتاب، فرایندی پیچیده و زمان‌بر است و اگر هر کاری در جای خود انجام نشود، در این روند و فرایند اختلال ایجاد خواهد شد. اصلاح آن هم کار آسانی نیست چون این کار مستلزم هزینه‌های زیادی است. ناشران اگر از این سیاست‌ها مطلع نباشند، عملاً نخواهند توانست با آموزش و پرورش همراه شوند.

هر سال ۳۰ تا ۴۰ عنوان کتاب تغییرات کلی پیدا می‌کنند و یا

اصلاحاتی در آن‌ها صورت می‌گیرد. این حجم از تغییرات مسائل و مشکلات زیادی برای ناشران ایجاد می‌کند که بی‌توجهی به آن می‌تواند مانع از ارتباط سازنده و سالم بین آموزش و پرورش و ناشران آموزشی شود. به همین دلیل به نظر می‌رسد این ارتباط ضعیف است و باید تقویت شود تا ناشران بتوانند عملاً با این طرح‌ها و از جمله طرح سامان‌دهی همکاری کنند.

■ به‌عنوان ناشر با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید و فکر می‌کنید که این مشکلات چگونه می‌تواند ارتباط شما را با این طرح تحت تأثیر قرار دهد؟

□ مشکلات فراوانی را می‌شود مطرح کرد. اما در شرایط فعلی نباید فراموش کنیم که ناشران با مشکلات اقتصادی زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند و هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند. به همین دلیل باید ارتباط و تعامل بیشتری با آموزش و پرورش داشته باشد، تا پس از چاپ کتاب با این مشکل روبه‌رو نشوند و بعد گفته شود که این کتاب با استانداردها و ویژگی‌های مورد نظر ما همخوانی ندارد و نمی‌تواند در چرخه توزیع کتاب‌های مناسب قرار گیرد.

در صورت تکرار چنین فرایندی ناشران کم‌کم از دور رقابت خارج می‌شوند و به سمت کتاب‌هایی می‌روند که شاید خیلی مورد تأیید نباشد، اما چون بازار فروش آن‌ها را تأمین می‌کند، انگیزه بیشتری برای آنان ایجاد خواهد کرد.

گاهی معیارها و ویژگی‌های اعلام شده از سوی آموزش و پرورش با علاقه‌ها و نیازهای مخاطبان همخوانی ندارد. از آنجا که نهایتاً محصول و کتاب تولیدی باید توسط مخاطب خریداری و خوانده شود، در پیمانی نانوخته ناشر، کتاب‌های مورد نیاز مخاطب (ولو با تخطی از معیارهای استاندارد) تولید می‌کند و او هم این کتاب‌ها را می‌خرد و عملاً به این دستورالعمل‌ها توجهی نمی‌کند. ضمناً سود و بازار خود را هم تضمین می‌کند. همین عوامل باعث شده است که ناشرانی، بدون داشتن پای‌بندی‌های ما و شما، راه خود را بروند. اگر کم‌کم سازوکارهای لازم را ایجاد نکنیم، این روند نهادینه خواهد شد و عملاً بازار از دست خواهد رفت.

■ از تجارب شخصی خودتان و مشکلاتی که مانع تعمیق و استحکام رابطه شما با طرح سامان‌دهی شده است، بگویید؟

□ من به عنوان یک ناشر و کسی که به استانداردهای اعلام شده از سوی آموزش و پرورش متعهد است، مدت‌ها کتاب‌های جدی و با به اصطلاح استاندارد چاپ کرده‌ام، ولی واقعیت این است که این کتاب‌ها سال‌هاست که در ویتترین ما مانده و فروش نرفته‌اند. چراکه مراجعه‌کننده به ویتترین من، تحت تأثیر تبلیغات و عوامل دیگر به دنبال کتاب خاص و مورد نظر خود می‌گردد و عنایتی به این کتاب‌ها

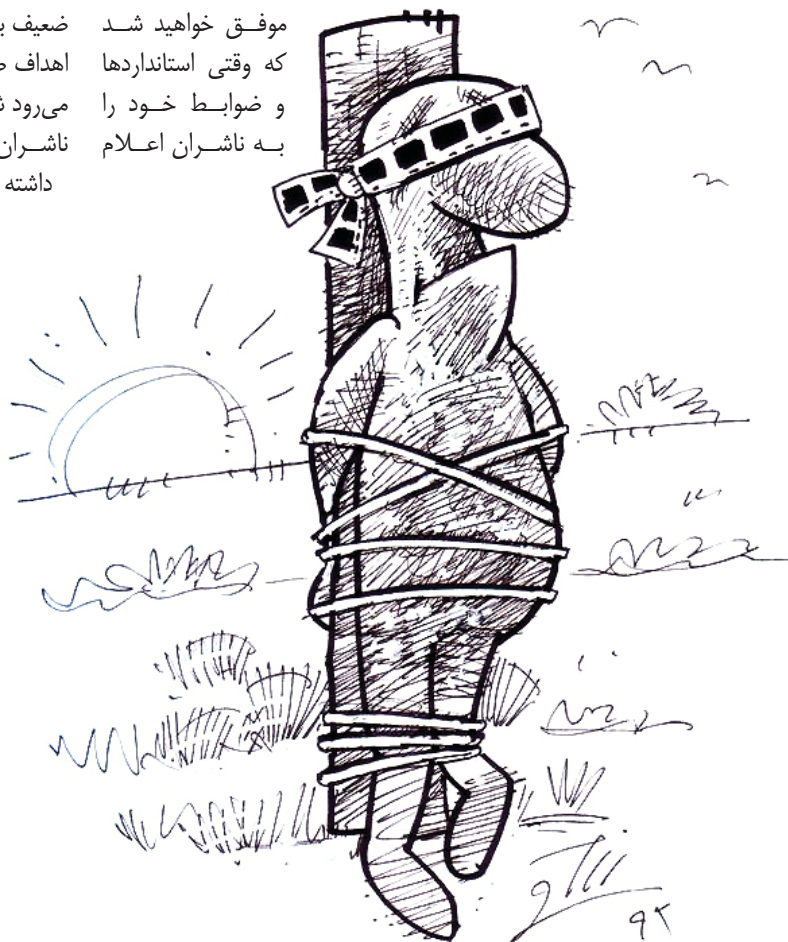
ندارد. چنین وضعیتی برای ناشر زیان دو طرفه است. یعنی هزینه بیشتری متحمل می‌شود و سود کمتری به دست می‌آورد.

در چنین شرایطی ناشر ریسک نمی‌کند و کمتر رغبت می‌کند در جایی سرمایه‌گذاری کند که سود کمتری دارد. تازه بعد از این همه مسائل، هنوز معلوم هم نیست که در فرایند بررسی و کارشناسی، این کتاب تأیید و معرفی شود یا نه! در چنین وضعیتی امید زیادی به توسعه این کار نیست و باید برای انجام شدن کار، به این مسائل توجه بیشتری نشان دهند.

به همین دلیل شما ملاحظه می‌کنید که اغلب ناشران به دنبال چاپ و تولید کتاب‌هایی هستند که مطمئن باشند مشتری خود را خواهد داشت و روی دستشان نخواهد ماند. این نقطه همان جایی است که باید آموزش و پرورش فکری برای آن بکند و گرنه این آشفته بازار ادامه خواهد داشت.

■ موفقیت این طرح و تداوم و توسعه آن در گرو چه اقداماتی است؟

□ شما زمانی موفق خواهید شد که وقتی استانداردها و ضوابط خود را به ناشران اعلام



می‌کنید، با آن‌ها جلسه بگذارید، ابزارهای حمایتی قابل رقابت با بازار را به آن‌ها معرفی کنید و با حمایت عملی خود باعث شوید آن‌ها بتوانند چنین آثاری را تألیف کنند و به دست مخاطب برسانند. مثلاً برای حمایت از این آثار ۱۰۰۰ نسخه از شمارگان اول را برای کتابخانه‌های مدارس خریداری کرد. این در حالی است که وزارت ارشاد و «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» هم خرید ندارند. در چنین وضعیتی ناشر برای فروش چنین آثاری با مشکل روبه‌رو می‌شود.

مسئله دیگر این است که ناشر برای ارسال آثار خود باید هزینه‌هایی را متحمل شود که این هزینه‌ها هر سال رو به افزایش هستند. چنانچه ناشری چند سال آثار خود را ارسال کند و نتیجه‌ای هم نگیرد، کم‌کم دلسرد می‌شود و ارتباطش را قطع می‌کند.

از طرف دیگر، ناشران زیادی هستند که از این طرح و اهداف آن بی‌اطلاع هستند. شاید بتوان گفت اطلاع‌رسانی در خصوص طرح سامان‌دهی ضعیف بوده و نتوانسته است تمام مخاطبان را از اهداف طرح آگاه سازد. در چنین وضعیتی انتظار

می‌رود شما ماهی، یا هفته‌ای یک بار از طریق ارسال پیامک با ناشران ارتباط بگیرید و اطلاع‌رسانی به شکل‌های گوناگون ادامه داشته باشد.

شهرداری اعلام کرد که من در حوزه کتاب‌های شهروندی از ناشران حمایت می‌کنم. هم سرمایه می‌دهم و هم شمارگان معینی را می‌خرم. همین باعث شد ناشران برای چاپ این‌گونه کتاب‌ها تشویق شوند. اما همه ناشران از این موضوع مطلع نشدند. پس باید اطلاع‌رسانی و فراخوان شما بیشتر و مؤثرتر باشد تا همه ناشران از آن آگاه شوند و در آن شرکت کنند.

مطمئن باشید که اگر اطلاع‌رسانی به خوبی صورت گیرد، ناشران زیادی هستند که کتاب‌های خیلی خوبی منتشر کرده‌اند و آن کتاب‌ها می‌توانند جزو آثار برتر معرفی شوند. اما چون همه از این طرح مطلع نیستند، این‌گونه کتاب‌ها از گردونه انتخاب و معرفی حذف می‌شوند. الان هم به نظر می‌رسد خیلی از کتاب‌هایی که در شهرستان‌ها تألیف می‌شوند و همه شرایط را هم دارند، به دلیل دسترسی نداشتن به امکانات و فقدان ارتباطات لازم معرفی و انتخاب نمی‌شوند و در عوض کسانی که ارتباط بیشتری دارند، آثارشان بیشتر و بهتر معرفی می‌شوند.

در صورت هدایت بازار نشر آموزشی، به سوی منابع آموزش مناسب و مفید، علاوه بر رونق بازار ناشران آموزشی، مخاطبان آن نیز از آثار مناسب، قابل اتکا و مفید بیشتری برخوردار خواهند شد



گپ‌وگفتی با شهرناز بخشعلی‌زاده، کارشناس کتاب‌های آموزشی ریاضی

به روز رسانی و ویژگی‌های تولید کتاب‌های آموزشی ریاضی

گفت‌وگو: خبرنگار جوانه

اشاره

از برخی از فرم‌ها و تخصیص امتیاز برای انواع کتاب‌های موجود، افزایش دقت در ارزشیابی را طلب می‌کند و این دلیل دیگری بود که ما را به تغییر واداشت. لذا بازنگری در برگه‌های ارزشیابی در دستور کار قرار گرفت.

تغییرات تازه‌ای که در برنامه درسی ریاضی رخ داده‌اند، در این اتفاق چه قدر مؤثر بوده‌اند؟

ضرورت آگاه‌سازی و آشنا کردن جامعه با تغییر، بازنگری در رویکردهای آموزشی و ضرورت تغییر کتاب‌های درسی بیش از پیش احساس می‌شد. از طرف دیگر، با توجه به متمرکز بودن نظام آموزشی و متفاوت بودن نیازهای معلمان و دانش‌آموزان در مناطق گوناگون، و با عنایت به اهداف جدید آموزشی و هدایت ضمنی مؤلفان و ناشران، تصمیم گرفتیم هم‌گام با این تغییرات در برگه‌های ارزشیابی بازنگری کنیم.

اکنون کار در چه مرحله‌ای است و شما و همکارانتان تا کجا پیش رفته‌اید؟ پیش‌بینی می‌کنید کار شما تا چه وقت طول بکشد؟

در این مرحله برگه‌های ارزشیابی پیشنهادی تولید شده‌اند و هم‌اکنون در مرحله نظرسنجی و دریافت اظهارنظر مسئولان هستیم.

ب) بسته‌های آموزشی ریاضی

بسته‌های جدید کتاب‌های آموزشی ریاضی به چند دسته

بررسی و ارزیابی کتاب‌های آموزشی توسط کارشناسان و معلمان مجرب آشنا با برنامه درسی، براساس ویژگی‌ها و شاخص‌های عمومی و تخصصی موضوعات گوناگون درسی و آموزشی یکی از اقدامات و فعالیت‌های نظام‌مند در جهت سامان‌دهی، مدیریت و هدایت فرایند تولید و توزیع منابع آموزشی و تربیتی به‌منظور استفاده در مدارس و مراکز آموزشی است. به روز بودن این ویژگی‌ها و شاخص‌ها و هم‌راستایی آن‌ها با برنامه‌ریزی، از ضرورت‌های مورد توجه است. در این گفت‌وگو بر آن شدیم با سرکارخانم بخشعلی‌زاده یکی از کارشناسان ارزیابی که در بازنگری راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی ریاضی نقش فعال داشتند، گپ و گفتی داشته باشیم. تا رویکردهای جدید در ارزیابی انواع کتاب‌های در خدمت آموزش ریاضی را بشناسیم.

الف) برگه‌های ارزشیابی کتاب‌های آموزشی ریاضی

شنیدیم که به تازگی بازنگری در برگه‌های ارزشیابی کتاب‌های ریاضی را در پایه‌های گوناگون تحصیلی در دستور کار قرار داده‌اید. به عنوان نخستین پرسش بفرمایید که چه موضوعی شما را به ضرورت این تغییر قانع کرد؟

با توجه به تغییر رویکردهای آموزشی، کتاب‌های درسی و نیازهای حاصل از این تغییر رویکردها از طرف دانش‌آموزان، نیاز به این تغییر احساس شد. هم‌سو با این تغییرات، کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی و کتاب‌های مورد نیاز معلمان نیز باید در راستای اهداف آموزشی جدیدالتألیف و تدوین شوند. در عین حال، استفاده

تقسیم می‌شوند؟

- در حال حاضر هفت دسته پیشنهاد داده شده‌اند که عبارت‌اند از:
 ۱. کتاب‌های کار و تمرین برای دانش‌آموزان؛
 ۲. کتاب‌های دانش‌افزایی ریاضی دانش‌آموزان؛
 ۳. کتاب‌های سرگرمی و جنبی برای دانش‌آموزان؛
 ۴. کتاب‌های فناوری که مخاطب آن دانش‌آموزان و معلمان هستند؛
 ۵. کتاب‌های ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای معلمان؛
 ۶. کتاب‌های دانش‌افزایی ریاضی معلمان؛
 ۷. کتاب‌های والدین.

■ لطفاً مهم‌ترین وجه تمایز هر گروه را به صورت خیلی خلاصه بیان فرمایید.

□ بسیار خوب.

۱. کتاب‌های کار و تمرین برای دانش‌آموزان: کتاب‌هایی

هستند که شامل فعالیت‌های آموزشی، تمرین، مسئله و نمونه سؤال در راستای برنامه درسی می‌شوند. آنچه این کتاب‌ها را از سایر کتاب‌ها متمایز می‌کند، هدف اصلی آن‌هاست؛ یعنی ایجاد فرصتی برای تمرین و تعمیق آموخته‌ها. اهداف این دسته از کتاب‌ها عبارت‌اند از: تثبیت و تعمیق آموخته‌های دانش‌آموزان در ارتباط با مطالب کتاب و برنامه درسی، ایجاد زمینه برای تقویت مهارت‌ها و نگرش‌ها، ایجاد فرصت تازه برای آموزش با سبک و نگاه جدید، تمرین آموخته‌ها و غنی‌سازی آموزش برای مخاطبان گوناگون، استحکام و استمرار بخشیدن به فرایند یادگیری دانش‌آموزان، ایجاد تنوع در ارائه تمرین‌ها، به‌طوری که از آموزش کلیشه‌ای و یادگیری صوری، فاصله بگیرد و به یادگیری درونی و عمیق کمک کند.

ویژگی‌ها و معیارهای این دسته عبارت‌اند از:

- برای حیطه‌ها و هدف‌های گوناگون یادگیری، موضوعی (دانشی و مهارتی) و فرایندی، تمرین و فعالیت داشته باشد.
- از سؤال‌های تکراری، یکنواخت و کلیشه‌ای پرهیز کند و اصل را بر تکرار نگذاشته باشد.
- با سرفصل‌های برنامه درسی هماهنگی داشته باشد و برنامه را تقویت کند.

• فرصت‌هایی برای کاربرد یافته‌های علمی در میدان عمل فراهم سازد.

- انواع فعالیت‌های متنوع، از جمله رسم شکل، تکمیل جدول، طراحی و ساخت وسایل، رسم نمودار و جدول و پازل، فعالیت‌های علمی، کارورزی، هنری و ... داشته باشد.
- مهارت‌های تفکر (از جمله تفکر واگرا و خلاق) را تقویت و فرصت‌هایی برای اندیشیدن، استدلال کردن و ارزیابی فرایندهای فکری خود فراهم آورد.
- مخاطبان را با پرسش‌ها و مسئله‌هایی مواجه کند، به‌طوری

که دانش‌آموزان برای طی کردن روش علمی و حل مسئله انگیزه داشته باشند.

- ارتباط درونی ریاضی و ارتباط ریاضیات با سایر درس‌ها و علوم و زندگی روزمره را تبیین کند.
- شامل پاسخ مستقیم تمرین‌ها و مسئله‌ها نباشد و در صورت لزوم برای حل مسائل و تمرین‌ها، صرفاً راهنمایی و یا جواب آخر ارائه شود.

- فرصت‌هایی برای رشد و توسعه ارتباطات کلامی (توضیح دادن و توصیف کردن) در زمینه ریاضی فراهم سازد.
- فرصتی برای خودارزشیابی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد.
- از طریق انجام فعالیت‌ها و تمرین‌ها، فرصت‌هایی برای برطرف شدن ضعف‌های آموزشی در دانش‌آموزان فراهم آورد.
- فرصت‌هایی برای پرورش مهارت‌ها جست‌وجوگری و پژوهش فراهم سازد.

- از ارائه نمونه سؤال‌های امتحانی سال‌های قبل پرهیز کند و آموزش را در خدمت ارزشیابی قرار ندهد.
- بر سؤال‌های چندگزینه‌ای در سطح آموزش عمومی تأکید نکند و فرهنگ تست زدن را ترویج ندهد.
- با در نظر گرفتن تفاوت‌ها و توانایی‌های فردی دانش‌آموزان، تمرین‌ها و مسئله‌های مناسب، دارای سطح‌های گوناگون باشد.

۲. کتاب‌های دانش‌افزایی ریاضی دانش‌آموزان: کتاب‌هایی

هستند که به ارائه اطلاعات در چارچوب برنامه درسی و گاه فراتر از آن می‌پردازند و می‌توانند به عنوان منبع و مرجع مورد استفاده دانش‌آموزان قرار گیرند. این کتاب‌ها خودآموزند و برای تکمیل و یا توسعه برنامه درسی مصوب تولید می‌شوند. ویژگی بارز آن‌ها آموزشی بودن است و در این راستا امکان دارد از قالب‌های گوناگون و متنوع بهره‌گیری شود. این کتاب‌ها ممکن است به انتقال یک سوبه اطلاعات بپردازند و یا از قالب‌های متنوع فعالیت‌ها، مانند شعر، داستان، سرگرمی و بازی استفاده کنند. ولی آنچه بارز است، تأکید بر آموزش و ارائه محتوایی فراتر از کتاب درسی است. کتاب‌های تاریخچه و تاریخ ریاضی نیز از همین نوع هستند. کل کتاب‌هایی که دایره اطلاعات ریاضی دانش‌آموز را تکمیل می‌کنند و با توسعه می‌بخشند، در این حوزه قرار می‌گیرند.

این دسته از کتاب‌ها اهدافی به این شرح را دنبال می‌کنند: ارائه مجموعه‌ای مدون از دانش در حوزه ریاضی و متناسب با مخاطبان؛ دادن پاسخ مناسب به کنجکاوی مخاطبان درباره ریاضیات، کاربردهای آن و ارتباط آن با سایر علم‌ها؛ آشنا کردن مخاطبان با دانشمندان علوم ریاضی، تلاش‌های آن‌ها، اتفاقات مهم زندگی آن‌ها، و تألیفات و نقشی که در علم ریاضی داشته‌اند؛ گسترش فرهنگ ریاضیات و ترویج آن در بین دانش‌آموزان و معلمان؛ تکمیل محتوای برنامه درسی؛ فراهم کردن زمینه‌های جدید در چارچوب

• از تصویر، طرح و نقاشی برای جذاب کردن، ایجاد فهم جدید و تعمیق محتوا به خوبی بهره گرفته باشد.

۴. کتاب‌های کاربرد فناوری در ریاضی: کتاب‌هایی هستند که با گسترش سواد علمی و فناوری، کاربرد و نحوه به کارگیری فناوری در آموزش را بیان می‌کنند. این کتاب‌ها از طریق آشنا ساختن مخاطبان با محیط‌ها و ابزار فناوری، فرصت به کارگیری آن‌ها را به‌منظور رشد و توسعه یادگیری فراهم می‌کنند. مخاطبان این دسته از کتاب‌ها، دانش‌آموزان، معلمان و متصدیان کارگاه‌های رایانه در مدارس هستند. آشنا کردن مخاطبان با محیط‌ها و ابزار فناوری، آشنا کردن مخاطبان با نحوه به کارگیری فناوری و ابزار فناوری؛ ترویج فرهنگ به کارگیری فناوری در فرایند یاددهی - یادگیری؛ بالا بردن دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان و معلمان در استفاده از ابزار فناوری

ویژگی‌ها و معیارهای این دسته عبارت‌اند از:

- محتوای آن به روز و از صحت علمی برخوردار باشد.
- خودآموز باشد.
- در سطح معلومات و انتظارات مخاطب باشد.
- برای مخاطب فعالیت‌های عملی داشته باشد و او را درگیر کند.
- برای اصطلاحات و واژه‌های مورد استفاده، طرحی مناسب داشته باشد، به طوری که هم به زبان فارسی لطمه نزند و هم فهم مخاطب را دچار اختلال نکند.
- براساس پیش‌دانسته دانش‌آموز طراحی شده باشد و پیش‌نیازهای لازم را در ابتدا یادآوری کند.
- از مثال‌هایی برای برنامه‌دستی با استفاده از فناوری استفاده کند.
- موارد به کارگیری فناوری در برنامه‌دستی را مشخص کند.
- نحوه ارزیابی و ارزشیابی متناسب با رویکرد به کارگیری فناوری در آموزش را بیان کند.

۵. کتاب‌های رشد مهارت‌های حرفه‌ای معلم: کتاب‌هایی هستند که به رشد مهارت‌های حرفه‌ای معلمان در آموزش ریاضی و زمینه‌های یادگیری و تدریس در چارچوب اهداف و برنامه‌دستی توجه خاصی دارند. معلمانی که دانش بیشتر و مهارت‌ها و توانایی بهتری دارند، در راهنمایی و آموزش دانش‌آموزان مؤثرتر عمل می‌کنند. ضرورت توجه به این نوع کتاب‌ها به دلیل همین نکته است. این کتاب‌ها روش تدریس، نحوه استفاده از وسایل آموزشی، مبانی آموزش ریاضی، مباحث علوم تربیتی متناسب با آموزش ریاضی، شناساندن بدفهمی‌ها و چگونگی یادگیری دانش‌آموزان و همچنین شناساندن جایگاه مفاهیم در برنامه‌دستی مدرسه‌ای، با هدف افزایش توانایی معلم در به کارگیری روش‌های تدریس، و طراحی و اجرای فعالیت‌های یاددهی - یادگیری را در کلاس درس شرح می‌دهند.

اهداف این دسته از کتاب‌ها عبارت‌اند از: افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های معلم در هدایت فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، با تأکید بر درس‌ها و یا برنامه‌دستی ریاضی؛ توجه دادن معلمان به اهمیت

برنامه‌دستی ریاضیات و ارائه مطالب و محتوای جدید؛ پاسخ‌گویی به برخی نیازهای اطلاعاتی برانگیخته شده به هنگام مرور برنامه‌دستی؛ ارائه محتوای تکمیلی برای برنامه‌دستی و پر کردن خلأهای احتمالی و همچنین بسط مطالب مطرح شده؛ ارائه محتوا، مفاهیم و اطلاعاتی که به مجموعه دانش ریاضی دانش‌آموز افزوده می‌شود.

ویژگی‌ها و معیارهای این دسته عبارت‌اند از:

- در چارچوب برنامه‌دستی مصوب باشد و آن را توسعه دهد و تکمیل، تأیید و تقویت کند.
- کنجکاوی و تفکر دانش‌آموز را تحریک کند و برعلاقه و نشاط او نسبت به ریاضی بیفزاید.
- به رشد سواد علمی و فناوری دانش‌آموز کمک کند.
- بتواند به عنوان مرجع و منبع مورد استفاده دانش‌آموز قرار گیرد و روحیه جست‌وجوگری و تحقیق را در او تقویت کند.
- از ارائه تعریف‌ها و خلاصه و دسته‌بندی کردن مفاهیم پرهیز کند، دانش‌آموزان را به سرعت به قواعد و دستوره‌های ریاضی نرساند و بیان کتاب، قاعده‌ای نباشد.
- بر آموزش مهارت‌های ریاضی تأکید و آن‌ها را تقویت کند.
- ارتباط درونی ریاضیات و شبکه مفهومی مفاهیم و محتوا را برای دانش‌آموز قوت بخشد و گسترش دهد.

۳. کتاب‌های جنبی و سرگرمی: کتاب‌هایی هستند که شامل بازی، معما، سرگرمی و جدول می‌شوند. این کتاب‌ها با عنوان‌هایی مثل تفریح با ریاضی، سرگرمی و ریاضی و بازی چاپ می‌شوند. عموماً جنبه پرورش مهارت‌ها را دارند و ممکن است در آن‌ها از فناوری در جهت بازی و سرگرمی استفاده شود. اهداف این دسته از کتاب‌ها عبارت‌اند از: علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به ریاضیات و آشنا کردن علاقه‌مندان با جنبه‌های دیگر ریاضی؛ نشان دادن زیبایی‌ها و شگفتی‌های ریاضیات؛ ترغیب دانش‌آموزان به تفکر، با طرح سؤال‌ها و معماهای جالب و جذاب.

ویژگی‌ها و معیارهای این دسته عبارت‌اند از:

- در طرح معماها، سرگرمی‌ها و محتوای مطالب تنوع وجود داشته باشد.
- در طرح معماها و سرگرمی‌ها، رعایت توالی ساده به مشکل و سطح‌های متفاوت و توانایی‌های دانش‌آموزان در نظر گرفته شده باشد.
- سرگرمی‌ها و مطالب جنبی بار آموزشی داشته باشند، به طوری که بتوان از آن‌ها در طرح فعالیت‌های یاددهی - یادگیری بهره جست.
- از طرح معماها و سرگرمی‌هایی که خارج از حد توانایی دانش‌آموز هستند، پرهیز شده باشد.
- به مسائل فرهنگی و ارزش‌های مذهبی، ملی و سنتی توجه شده باشد.
- محتوای مطرح شده، جذاب باشد و دانش‌آموزان را به ریاضی علاقه‌مند کند.
- زمینه تفکر را فراهم آورد.

علوم تربیتی و نقش آن در آموزش؛ آشنا کردن معلمان با چگونگی تفکر و شکل‌گیری دانش در ذهن دانش‌آموز؛ روزآمد کردن دانش معلمان در خصوص آموزش و آشنا کردن آن‌ها با مباحث جدید آموزش ریاضی و روش‌های تدریس جدید؛ آشنا کردن معلمان با ارتباطات افقی و عمودی بین مفاهیم برنامه درسی.

ویژگی‌ها و معیارهای این دسته عبارت‌اند از:

- افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های معلم در هدایت فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، با تأکید بر درس‌ها و یا برنامه درسی ریاضی
- توجه دادن معلمان به اهمیت علوم تربیتی و نقش آن در آموزش
- آشنا کردن معلمان با چگونگی تفکر و شکل‌گیری دانش در

ذهن دانش‌آموز

- روزآمد کردن دانش معلمان در خصوص آموزش و آشنا کردن آن‌ها با مباحث جدید آموزش ریاضی و روش‌های تدریس جدید

- آشنا کردن معلمان با ارتباطات افقی و عمودی بین مفاهیم برنامه درسی

۶. کتاب‌های دانش‌افزایی ریاضی معلم: کتاب‌هایی هستند که برای ارتقای دانش پایه معلمان در زمینه ریاضی تهیه می‌شوند. معلم با توجه به سطح تحصیلات و ارتباط خود با پایه تحصیلی و درس‌های ریاضی که آموزش می‌دهد، نیاز دارد دانش پایه خود را در آن موضوع خاص بالا ببرد. محتوای این کتاب‌ها براساس دانش پایه ریاضی و مرتبط با درس‌های ریاضی آموزش عمومی و با هدف افزایش دانش پایه ریاضی معلم تهیه می‌شوند. ارائه دانش پایه ریاضی به‌منظور تعمیق، توسعه و دانش موضوعی معلمان برای تسلط بر موضوع آموزش و تدریس غنی‌تر متناسب با سطح و دوره آموزش از اهداف این کتاب‌هاست.

ویژگی‌ها و معیارهای این دسته عبارت‌اند از:

- ضمن اینکه عاری از غلط‌های عملی است، دانش علمی متناسب با سطح آموزش ریاضی را در اختیار معلم قرار می‌دهد.
- بیان آن برای معلم ساده و قابل فهم است و همچنین معلم را درگیر انجام فعالیت می‌کند.

- از ارائه یکسویه مفاهیم پرهیز می‌کند و ضمن فعال کردن معلم، توجه بیشتری به تعمیق و بسط مفاهیم دارد.

- مواد و منابع تکمیلی و مورد نیاز معلم را معرفی می‌کند.
- در خصوص موضوع‌های ریاضی که معلم تدریس می‌کند، محتوای تکمیلی را در اختیار او قرار می‌دهد؛ از جمله تاریخچه، سرگرمی‌های مناسب، معرفی دانشمندان و شگفتی‌ها و زیبایی ریاضی.

- روابط بین مفاهیم درون حوزه و مرتبط با دیگر حوزه‌ها را برای معلم روشن می‌کند.

۷. کتاب‌های والدین:

کتاب‌هایی هستند که والدین را با اهداف و روش‌های آموزش به‌منظور همراهی با فعالیت‌های آموزشی مدرسه‌ای آشنا می‌کنند. باید توجه داشت که هدف این نوع کتاب‌ها،

سپردن بخشی یا تمام فرایند آموزش به والدین نیست، بلکه قصد شناساندن بایدها و نبایدهای آموزشی به والدین و ایجاد فرصت تعامل با کودکان در محیط خارج از مدرسه است. این کتاب‌هایی هستند که رویکردها و اهداف آموزشی پایه و یا دوره را نه به صورت نظری، بلکه در قالب مثال‌ها و مصداق‌ها بیان می‌کنند. اهداف این کتاب‌ها عبارت‌اند از: آشنا کردن والدین با اهداف و رویکردهای آموزشی بایدها و نبایدهای آموزشی که باید رعایت کنند؛ ایجاد فرصت‌های تعامل در خانواده به‌منظور درگیری فرزندان با کار ریاضی در زندگی روزمره؛ ایجاد فرصت فعالیت غیرمستقیم ریاضی برای دانش‌آموزان در خارج از بافت مدرسه.

ویژگی‌ها و معیارهای این دسته عبارت‌اند از:

- اهداف و رویکردها را به طور ملموس برای والدین بیان کند.
- با بیان مثال‌ها و مصداق آموزشی از محتوای آموزشی پایه تحصیلی، والدین را با بایدها و نبایدها و رویکردهای آموزشی مدرسه همراه سازد.

- والدین را با ویژگی‌های کتاب مطلوب کمک درسی برای دانش‌آموزان آشنا کند.

- با ارائه سرگرمی‌ها و فعالیت‌های روزمره، فرصت تعامل با ریاضی در زندگی روزمره را برای دانش‌آموزان فراهم آورد.

- با ایجاد فرصت تعامل در خانواده، روحیه مشارکت و لذت بردن از ریاضی را تقویت کند.

- می‌دانیم که یکی از دلایل مهم تدوین برگه‌های داوری مجزا برای بررسی و داوری کتاب‌های گوناگون ریاضی، دقیق‌تر شدن ارزشیابی هر کتاب بر مبنای ملاک‌های اختصاصی هر گروه درسی است. با این حال می‌توانید بفهمید که به صورت کلی مهم‌ترین ویژگی‌های یک کتاب آموزشی خوب و مناسب از نظر شما چیست؟

- خوب بودن کتاب با توجه به ارتباط بین اهداف و محتوای کتاب و در ارتباط با مخاطب

آن تعیین می‌شود. کتابی که دارای ارائه‌های مستقیم باشد می‌تواند کتاب خوبی به عنوان کتاب دانش‌افزایی باشد، ولی کتاب نامناسبی برای کار و تمرین است. لذا پاسخ به این سؤال به معیارهای تعیین شده برای ارزیابی کتاب‌ها بستگی دارد.

- آیا این تغییرات مبتنی بر سند راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی این دبیرخانه است که پیش‌تر منتشر شده، یا این تغییرات قرار است سند مذکور را هم مورد بازنگری قرار دهد؟

- در این بررسی سند مذکور نیز بازبینی و تغییراتی در آن اعمال شد که باید مجدداً به تأیید دبیرخانه برسد.

کتاب‌های والدین کتاب‌هایی هستند که رویکردها و اهداف آموزشی پایه و یا دوره را نه به صورت نظری، بلکه در قالب مثال‌ها و مصداق‌ها بیان می‌کنند. اهداف این کتاب‌ها عبارت‌اند از: آشنا کردن والدین با اهداف و رویکردهای آموزشی بایدها و نبایدهای آموزشی که باید رعایت کنند



مطالعه را با خواندن ادبیات شروع کنیم

نویسنده: کرول جاگو / ترجمه: طیبه الدوسی

اشاره

در این مقاله، نویسنده سعی دارد به منظور ایجاد فرهنگ مطالعه در دانش‌آموزان، منابعی یاری‌رسان در اختیار آن‌ها قرار دهد تا از این طریق آن‌ها بیشتر بکوشند و نقاط قوت خود را تحکیم بخشند. با بهره‌گیری از نکات راهبردی این مقاله می‌توان فرهنگی در کلاس درس ایجاد کرد که عشق و علاقه‌مندی دانش‌آموزان را به مطالعه تضمین کند. به یاری این عشق و اشتیاق است که دانش‌آموزان می‌توانند برای سراسر زندگی خود از قوت و توان خواندن برخوردار شوند. او همچنین معتقد است: مطالعه ادبیات، چالش‌های فکری مورد نیاز برای رشد و پیشرفت دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مطالعه، آموزش خواندن، مطالعه آزاد، چالش‌های فکری، پیشرفت تحصیلی، مطالعه ادبیات
کرول جاگو عقیده دارد: خواندن، کلید موفقیت در دوران مدرسه و

پس از آن است. «از این‌رو، همواره در پی آن بوده است که به گونه‌ای توجه شاگردان بی‌میل و رغبت را به خواندن جلب کند. این موضوع باعث شد که او پیدا کردن کتاب‌های مناسب برای رسیدن به این هدف را یک مأموریت برای خود قلمداد کند. بدین ترتیب، کلاس درس خود را از کتاب‌های ساده، کوتاه و خنده‌دار پر کرد. ولی این کار مؤثر نیفتاد. دانش‌آموزان نگاهی به کتاب‌ها می‌انداختند و با لحن بی‌تفاوتی می‌گفتند که از خواندن متنفرند. تنها کتاب‌هایی که توجهشان را جلب می‌کرد، کتاب‌هایی از قبیل «نام‌گذاری کودکان»^۱ بود.

او می‌گوید برای هدایت برنامه درسی به کتاب **لو ویگوتسکی**^۲ (۱۹۶۲) مراجعه کرد و با خواندن این جمله که: «تنها نوع مطلوب آموزش آن است که به طرف پیشرفت گام بردارد و آن را هدایت کند»، دریافت که مطالعه آزاد را با مطالعه ادبیات اشتباه گرفته است. کتاب موردنظر دانش‌آموزان که میل دارند و می‌توانند آن را بخوانند، شاید بهترین گزینه برای مطالعه کلاسی نباشد.

به نظر او داستان‌های تخیلی نوجوانان مانند آینه‌هایی هستند که دانش‌آموزان با زتاب و تجربه و احساسات خود را در آن‌ها می‌بینند. این داستان‌ها به خوانندگان جوان می‌فهماند که آن‌ها نه اولین و نه آخرین کسانی خواهند بود که این‌طور احساس می‌کنند. به عبارت دیگر، مطالعه ادبیات، پنجره‌هایی به زمان‌ها، فرهنگ‌ها و دنیاهای دیگر را به روی دانش‌آموزان باز می‌کند.

اکنون به توصیه‌های جاگو برای پیشرفت دانش‌آموزان در خواندن به زبان خودش توجه کنید:

قابل فهم کردن آثار پیچیده برای خوانندگان جوان، مستلزم آموزشی ماهرانه است. ولی این آموزش چگونه باید باشد؟ پاسخ من به این سؤال به قرار زیر است:

۱. به دانش‌آموزان نگویند که خواندن نوعی سرگرمی است

خواندن می‌تواند سرگرم کننده باشد، ولی بیان مداوم این مطلب، خواندن کتاب را در رقابت با بازی‌های ویدیویی و فعالیت‌هایی قرار می‌دهد که دانش‌آموزان آن‌ها را آسان‌تر و دل‌پذیرتر تلقی می‌کنند. اگر در حالی که نسخه‌های ۳۰۰ صفحه‌ای داستانی را بین دانش‌آموزان توزیع می‌کنید، دانش‌آموزی شکایت کند که قادر به مطالعه آن نیست یا این کار برایش بیش از حد دشوار است، حرف او را تأیید کنید، ولی به او اطمینان دهید که با تلاش خودش و کمک شما، قادر به انجام آن خواهد بود.

۲. از دانش‌قبلی دانش‌آموزان استفاده کنید

دبورا ویلچک^۴، معلمی در مدرسه «راکوئل»^۵، درسش را با داستان «چشم‌هایشان خدا را تماشا می‌کرد»، نوشته زورا نیل هورستون^۶ و با نشان دادن جلد‌های متنوعی از این داستان به دانش‌آموزان شروع کرد و آن‌ها را به تجزیه و تحلیل این داستان فراخواند. او از دانش‌آموزان خواست به چهره‌های مشخص روی جلد، ایده‌های کلیدی موجود در تصویرها و مخاطب احتمالی کتاب توجه کنند. با شروع درس، استفاده از چنین نکاتی دستیابی به ایده‌های اصلی اثر را امکان‌پذیر می‌سازد.

۳. به واژگان علمی توجه کنید و از آن‌ها دوری نکنید

به جای اینکه به دنبال کتاب‌های بدون واژگان سخت، جملات پیچیده، یا زبان استعاری باشید، به دانش‌آموزان بیاموزید که چگونه با چالش‌هایی که پیش‌رو دارند، مواجه شوند. همان‌طور که **ایزابیل بک**^۷، **مارگارت مک کئون**^۸ و **لیندا کوکان**^۹ در کتاب «واژگان قوی» شرح می‌دهند، دانش‌آموزان باید با لغاتی جدید در متنی معنی‌دار آشنا شوند، نه اینکه فهرستی از لغات را به‌طور جداگانه مطالعه کنند. به جای اینکه همه لغات سخت یک فصل را در ابتدای

درس تدریس کنید، تعداد کمی از لغات را که درکشان دشوار است، آموزش دهید تا معانی لغات جدیدی را که می‌آموزند، تعمیق بخشند.

۴. به دانش‌آموزان آموزش دهید که چه طور از عهده درک معانی سخت برآیند

خواندن جملات طولانی و پیچیده، برای همه چالشی محسوب می‌شود. معلمان باید به دانش‌آموزانی که در خواندن ادبیات به کندی پیش می‌روند، کمک کنند. از جمله به آنان توصیه کنند، وقتی جمله‌ای برایشان نامفهوم است، آن را دوباره بخوانند و عادت به دوباره‌خوانی را در آن‌ها پرورش دهند. دوباره‌خوانی قطعه‌های سخت، شیوه‌ای است که خوانندگان باتجربه اغلب اوقات به کار می‌برند.

خواندن اجمالی و دوباره خواندن نشانه‌هایی از کتاب خواندن قوی است. دوباره خواندن، فهم و ادراک را پرورش می‌دهد. هر بار که فرد به متن مراجعه می‌کند، آن را به شکل متفاوتی درک می‌کند. وقتی دانش‌آموزان به خواندن اجمالی می‌پردازند آنان را تشویق و به هنگام خواندن دوباره تحسین کنید.

امکان ندارد یک‌بار شعری از **امیلی دیکینسون**^{۱۰} خواند و قدرت شناخت و عظمت هنری او را درک نکرد. با وجود این، هیچ‌یک از دانش‌آموزانی که من تا به حال دیده‌ام، از این آموزش تبعیت نمی‌کردند و هر شعر را به‌عنوان تکلیف، پنج بار می‌خواندند. معلمان ماهر با استفاده از راهکارهایی دانش‌آموزان را به دوباره‌خوانی تشویق می‌کنند. **الیزابت نلمز**^{۱۱}

دانش‌آموزان سال آخر خود را وادار می‌کرد که قطعه شعری از **تد هاگس**^{۱۲} را به‌عنوان تکلیف شب از دوشنبه تا جمعه بخوانند و مشاهدات خود را درباره ذهنیاتی که بر آن‌ها آشکار می‌شود، ثبت کنند. نلمز توضیح می‌دهد: «همچنان که روزها می‌گذشت، مشاهدات دانش‌آموزان از تغییر آب‌وهوا شروع شد و به تدریج به ذهنیات شاعر، وقتی که او در جست‌وجوی طبیعت زودگذر بهار بود، تبدیل شد.» او دلیلی برای دانش‌آموزان و چارچوبی برای آن‌ها فراهم کرد تا پیشرفت خود را در درک این مطالب یادداشت کنند. بیش از ۲۰ سال است که من از این راهبرد موفقیت‌آمیز استفاده می‌کنم.

۵. دانش‌آموزان را هنگام خواندن پاسخ‌گو نگه دارید

در دنیای ایده‌آل، دانش‌آموزان ترغیب می‌شوند رابطه خود را با خواندن حفظ کنند و در کلاس‌های پر بار گفت و شنود شرکت کنند. در دنیای واقعی، گاهی لازم است پاهای آن‌ها را در آتش نگه داشت. حتی سخت‌کوش‌ترین دانش‌آموزان را باید گاهی با ترس از آزمون موظف کرد تا رابطه خود را با خواندن مطلب تعیین شده

به جای اینکه به دنبال کتاب‌های بدون واژگان سخت، جملات پیچیده، یا زبان استعاری برای خواندن باشید، به گونه‌ای چالش‌هایی که پیش‌رو دارند، مواجه شوند

بخواند، تنها کسی که خواندنش بهتر می‌شود، خود معلم است. گاهی گفته می‌شود که نسخه‌های کافی از یک کتاب وجود ندارد تا دانش‌آموزان به منزل ببرند، در حالی که این یک سهل‌انگاری مشخص تربیتی است. دانش‌آموزان باید نظم شخصی و بنیه لازم برای خواندن در دوره‌های طولانی را در خودشان پرورش دهند.

۶. آثار برجسته را به گونه‌ای شناختی آموزش دهید
تحقیق ساندر استاتسکی^{۱۵} درباره «بررسی ادبیات در پایه‌های ۹، ۱۰ و ۱۱: یک پیمایش ملی»^{۱۶}، حاکی از آن است که ادبیات آموزش داده شده از نظر پیچیدگی نسبت به دهه قبل افت کرده است. در تلاش برای اینکه مطالعه ادبیات را بیشتر با شرایط امروزی مرتبط کنیم، دقت زیادی را از دست داده‌ایم. ضرورتی نداشت که چنین شود. در واقع، آثار بسیار باارزشی مورد توجه معلمان قرار نمی‌گیرند، زیرا دارای لغات سخت، جملات پیچیده، زبان استعاری و جملاتی طولانی هستند. اغلب معلمان به سراغ کتاب‌های ساده‌تری برای تدریس می‌روند.
برای جبران این گرایش نزولی، تهیه فهرستی از نمونه‌های

حفظ کنند. متأسفانه، تهیه آزمون‌ها و تکرار و تصحیح‌شان زمان‌بر است. به‌علاوه، دانش‌آموزانی که عقب می‌مانند به منابع آنلاین، مانند سایت «اسپارک‌نوت»^{۱۳} متکی می‌شوند تا عقب‌افتادگی خود را جبران کنند.

راب تائیس^{۱۴}، یکی از همکاران ما، روشی مؤثر ابداع کرده است تا خواندن دانش‌آموزان را کنترل کند. او به وب‌سایت مورد نظر دانش‌آموزان مراجعه می‌کند و از پاراگراف مربوط به فصلی که به عنوان تکلیف تعیین شده است، کپی می‌گیرد و کپی‌ها را هنگام ورود دانش‌آموزان به کلاس بینشان توزیع می‌کند. سپس به آن‌ها می‌گوید سه موردی را که در آن فصل آمده است، ولی در این پاراگراف وجود ندارد، بنویسند. او با این ترفند ساده به دو هدف دست پیدا می‌کند:

■ اکنون دانش‌آموزان می‌دانند که او از اینکه بعضی از آن‌ها به سایت مراجعه کرده‌اند، آگاه است.

■ آزمون‌ها به راحتی تصحیح می‌شوند.

در بسیاری از مدارس، معلمان دادن تکلیف شب برای خواندن را به کلی متوقف کرده‌اند و دلیل می‌آورند که دانش‌آموزان این خواندن را انجام نمی‌دهند. چنین روشی به نابودی مطالعه ادبیات می‌انجامد. اگر معلمی داستانی را با صدای بلند برای دانش‌آموزان پایه دهم

معلمان باید به دانش‌آموزان توصیه کنند، وقتی جمله‌ای برایشان نامفهوم است، آن را دوباره بخوانند و عادت به دوباره‌خوانی را در آن‌ها پرورش دهند



پی‌نوشت‌ها

۱. کرول جاگو در سانتا مونیکا (کالیفرنیا) به مدت ۳۲ سال در دوره‌های راهنمایی و متوسطه تدریس کرده است. او رئیس سابق «شورای ملی معلمان زبان انگلیسی» و مؤلف کتاب «سخت‌گیری برای همه: کمک به دانش‌آموزان برای مواجه شدن با محور مشترک استانداردهای خواندن ادبیات» است.

2. Name Your Baby
3. Lev Vygotsky
4. Deborah Wilchek
5. Rockville
6. Zora Neale Hurston
7. Isabel Beck
8. Margaret McKeown
9. Linda Kucan
10. Emily Dickinson
11. Elizabeth Nelms
12. Ted Hughes
13. spork Notes
14. Rob Thais
15. Sandra Stotsky
16. Literary Study in Grades 9, 10, and 11: A National Survey
17. Amos and Boris
18. William Steig

منبع

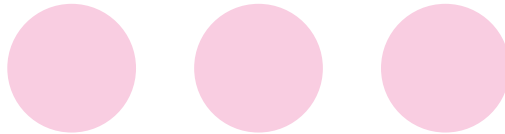
Carol Jago, Opening The Literature Window, Educational leadership (Vol.69, No.6, March 2012- Reading, The Core skill).

عالی است که معرف پیچیدگی، کیفیت و گستره آثاری است که دانش‌آموزان باید در هر پایه بخوانند. این فهرست و انتخاب‌های آمده در آن، تنها به مرزبان در انتخاب متونی شبیه به سطح این کتاب‌ها کمک می‌کنند.

یکی از نمونه‌های این فهرست برای پایه‌های دوم و سوم، کتاب «**آموس و بوریس**»^{۱۷} از **ویلیام استیج**^{۱۸} است. به لغات و چالش‌های نحوی این جمله از داستان توجه کنید: «شبی در دریایی درخشان، او از دیدن چند نهنگ که آب پرتلاطوبی را به بیرون می‌پاشیدند، متحیر شد. اندکی بعد همانطور که روی عرشه قایقش دراز کشیده و به آسمان پر ستاره و بی‌انتهای آن خیره شده بود، **آموس**، موش کوچک، که ذره کوچکی از موجودات زنده در دنیای وسیع زندگان بود، احساس کرد این موش نیز از هر نظر کاملاً شبیه به اوست.»

اگر دانش‌آموزان چنین واژگان شگفت‌انگیزی را در هشت سالگی بخوانند، تصور کنید که توانمندی آن‌ها در خواندن در سن ۱۸ سالگی چه خواهد شد.

دانش‌آموزان نیاز دارند که از پشت متون ساده بیرون کشیده شوند و به سر وقت متون چالش‌انگیز بروند. آن‌ها نیاز دارند به مطالبی پردازند که مستلزم تمرکز و توجه است؛ مطالبی که خودشان به تنهایی نمی‌توانند از عهده آن‌ها برآیند. دانش‌آموزان به حمایت و تشویق معلمانی نیاز دارند که به آن‌ها در باز کردن پنجره ادبیات به روی این دنیای جدید کمک کنند.





گزارشی از دیدگاه‌های ناشران حاضر در بیست‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران دربارهٔ دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

ناشران چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

و نظر و میزان اطلاع آنان از روند طرح مورد سنجش قرار می‌گرفت. اما در این برگه‌ها افزون بر پرسش‌های کوتاه و با جواب مشخص، دو پرسش باز هم وجود داشت. یکی از آن‌ها به مهم‌ترین انتظار ناشران از دبیرخانهٔ سامان‌دهی برمی‌گشت و دیگری به مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف این دبیرخانه مربوط بود. پاسخگویان همان‌طور که انتظار می‌رفت، اغلب از پاسخ‌دادن به این پرسش به‌دلیل ناآشنایی با دبیرخانه استتکاف کرده‌اند و پاسخ را به مسئولان بالاتر خود حواله داده‌اند.

مقایسهٔ تعداد پاسخ‌های داده شده به این دو پرسش را می‌توان مؤید آشنایی ناتمام پاسخ‌دهندگان با دبیرخانه دانست. زیرا برای بیان انتظارات به اطلاعات کامل نیازی نبود، اما نقد عملکرد دبیرخانه و بیان مهم‌ترین نقطه ضعف و قوت آن به هر حال به آشنایی حداقلی با جوانب طرح نیاز داشت.

موارد معدودی از پاسخ‌ها، مربوط به انتظارات پاسخ‌دهندگان از بخش‌های دیگر آموزش و پرورش، از جمله «دفتر برنامه‌ریزی و

دبیرخانهٔ سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی»، در بیست‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور فعال داشت. کارشناسان این دبیرخانه کوشیدند ضمن حضور در غرفه‌های ناشران و آشنایی با تازه‌ترین کتاب‌های آموزشی منتشر شده، چهره‌به‌چهره با آن‌ها گفت‌وگو کنند و ضمن دعوت حضوری از آن‌ها برای همکاری در طرح، به پرسش‌های آنان پاسخ گویند.

در این دوره از نمایشگاه، ناشران در صورت تمایل می‌توانستند کتاب‌های آموزشی خود را در ایام برپایی نمایشگاه به غرفهٔ این دبیرخانه تحویل دهند. همچنین برنامهٔ ویژه‌ای تدارک دیده شده بود، که طی آن، هر روز چند تن از کارشناسان و ارزیابان محترم کتاب‌های آموزشی دبیرخانه به‌صورت حضوری به پرسش‌های ناشران، مؤلفان کتاب‌های آموزشی یا خانواده‌های علاقه‌مند پاسخ می‌گفتند.

حاصل دیدارهای مذکور البته در برگه‌هایی که از پیش آماده شده بود، ثبت می‌شد. در این برگه‌ها ضمن درج مشخصات ناشران، رأی

تألیف کتب درسی» است. این پاسخ‌ها در این ارزیابی آورده نشده‌اند. برخی از موارد کلی دیگر که با توجه به پاسخ‌های قبلی فرد احتمال داده می‌شد مربوط به طرح نباشد، چون با اشاره روشنی همراه نبود، در شمار پاسخ‌ها آورده شده است.

با توجه به فضای نمایشگاه و حضور موقتی بخش قابل توجهی از پاسخ‌گویان، قطعاً نباید روی این پاسخ‌ها حساب ویژه‌ای باز کرد. اما مسئولان دبیرخانه هم از همان ابتدا نه به دنبال تصویری دقیق که در پی برآوردی نسبی از وضعیت بودند. آن‌ها می‌خواستند بدانند کسی که در غرفه‌های فروش کتاب ناشران در نمایشگاه می‌ایستد، فارغ از آنکه چه سابقه‌ای دارد، تا چه میزان با دبیرخانه و وظایف آن آشناست. ناگفته نباید گذاشت که برخی از ناشران، پرسش‌نامه‌ها را شخصاً تکمیل کرده و به همکاران ما تحویل داده بودند، اما در موارد زیادی برگه‌ها توسط همکاران و کارشناسان تکمیل شده بود.

تعداد پاسخ‌ها

در طول برگزاری نمایشگاه، ۵۵۰ پرسش‌نامه پر شد که از بین آن‌ها تنها ۱۵۳ ناشر به پرسش ۱۱ پاسخ گفته و انتظار خودشان را به زبان آورده بودند. اما پرسش ۱۲ که در پی سنجش مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف دبیرخانه بود، بیش از ۱۳۱ پاسخ به دست نیاورد. از نکات جالب در پاسخ‌ها آن است که ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان (۹۳ پاسخگو) انگشت بر نقاط ضعف گذاشتند. این گزارش کوتاه شاید توصیف دقیقی از واقعیت نباشد، اما احتمالاً پرتوی از واقعیت بر آن تابیده است.

مهم‌ترین انتظارات ناشران

از ۱۵۳ پاسخی که به پرسش ۱۱ داده شده، بیش از همه بر تبلیغات بیشتر و اطلاع‌رسانی کافی انگشت گذاشته شده است. این خواست ۱۲ درصد پاسخ‌دهندگان است. مقصود پاسخ‌دهندگان ممکن است تبلیغ و معرفی خود دبیرخانه یا تبلیغ کتاب‌های مناسب و معرفی آن‌ها باشد. یک نفر از پاسخ‌دهندگان به صراحت خواستار تأثیر مشهود معرفی‌ها بر میزان فروش کتاب‌ها شد که آشکار می‌کند، مقصود وی ناظر بر مورد اول است و یک نفر از آن‌ها از درخواست مجوز توسط مدارس، علی‌رغم تأیید کتاب توسط دبیرخانه، گله کرده و پیاداست مقصودش ناظر بر خواسته دوم است. گذشته از این، ۱۰ درصد پاسخ‌گویان به طور آشکار از معرفی گسترده‌تر و بهتر کتاب به مخاطب و فرهنگ‌سازی لازم سخن به میان آورده‌اند. در صورت جمع این دو پاسخ، می‌توان گفت که افزایش تبلیغات و اطلاع‌رسانی، خواسته ۲۲ درصد پاسخ‌دهندگان را در برمی‌گیرد. مطابق این نظرخواهی، ۱۱ درصد دیگر از آن‌ها روی خرید

مستقیم کتاب‌ها از سوی آموزش و پرورش تکیه کرده‌اند. این دومین انتظار مهم ناشران از دبیرخانه است.

افزایش ارتباط و تعامل با ناشران و توسعه کانال‌های ارتباطی از سوی دبیرخانه، خواسته ۱۰ درصد از ناشران است. به نظر می‌رسد تکیه کردن بر شیوه‌های سنتی، مانند نامه‌نگاری یا تماس تلفنی که محدودیت‌های خاص خود را دارند، مورد انتقاد ناشران است و آن‌ها انتظار دارند، از طریق رسانه‌های همگانی‌تر و احتمالاً از شیوه‌های سریع‌تر یا در زمان‌های کوتاه‌تری اطلاعات لازم را اخذ کنند.

حفظ عدالت و بی‌طرفی در داوری و ارزیابی کتاب‌ها، و به کارگیری شیوه‌های اصولی، دقیق و غیرسلیقه‌ای در این بررسی‌ها خواسته ۱۶ درصد از ناشران است که اهمیت موضوع را نشان

می‌دهد. در جدول ۱ البته بین منصفانه بودن بررسی‌ها و دقیق و علمی بودن آن‌ها فرق گذاشته شده است. دغدغه ناشران نسبت به موضوع بررسی کتاب البته محدود به این دو دسته نمانده است: چهار درصد آن‌ها خواستار بیان شفاف ملاک‌ها و معیارهای بررسی شده‌اند و پنج درصد خواستار اعلام نظرات کارشناسان، اعم از منفی و مثبت برای بهره‌برداری در تدوین و انتشار کتاب‌های بعدی بوده‌اند. اگر مجموع این نظرات زیر یک عنوان واحد دسته‌بندی شود، می‌توان گفت شیوه‌ها و ملاک‌های بررسی کتاب، مجموعاً دغدغه ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به‌شمار می‌آید.

از نکات جالب این نظرسنجی خواست صریح چهار درصد از ناشران برای اجرای دقیق مصوبه ۸۲۸ است که طبق آن، ورود کتاب‌های بررسی و تأیید نشده به فضای آموزشگاه‌ها ممنوع است. ناشری خواهان پیشگیری از معرفی کتاب‌های بدون مجوز توسط مربیان آموزشگاه‌ها شد و ناشر دیگری از حضور کتاب‌های تأیید نشده در نمایشگاه کتاب «یادیار مهربان» گله کرد که در آن برای مدارس کتاب خریداری می‌شود.

سرعت در بررسی کتاب‌ها و اعلام نتایج نیز از دیگر خواسته‌های قابل توجه ناشران است که از سه درصد فراوانی (پنج پاسخ) برخوردار بوده است. ناشری پیشنهاد کرده است نتایج بررسی کتاب‌های مناسب از طریق پیامک به اطلاع ناشر رسانده شود. ناشری نیز معتقد است کتاب‌نامه‌های رشد خیلی دیر و پس از پایان سال تحصیلی به مدارس فرستاده می‌شوند. البته واقعیت امر این است این کتاب‌نامه‌ها در ابتدای سال تحصیلی به مدارس می‌رسند، اما فهرست ارسال شده، طبعاً شامل کتاب‌هایی است که در طول سال گذشته به دبیرخانه فرستاده شده‌اند.

موارد متنوع دیگری که در این پاسخ‌ها پیشنهاد شده‌اند، همه کمتر از سه مورد (۲ درصد) فراوانی دارند که برای دیدن آن‌ها می‌توان به جدول ۱ مراجعه کرد.

تبلیغ و معرفی خود دبیرخانه یا تبلیغ کتاب‌های مناسب و معرفی آن‌ها، از مهم‌ترین انتظارات ناشران بود

جدول ۱. انتظارات ناشران شرکت‌کننده در بیست‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران از دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

موضوع	تعداد	فراوانی (درصد)
تبلیغات بیشتر و اطلاع‌رسانی کافی	۱۸	۱۲
خرید مستقیم کتاب‌ها از سوی آموزش و پرورش	۱۷	۱۱
افزایش ارتباط و تعامل با ناشران و توسعه مجاری ارتباطی	۱۶	۱۰
معرفی گسترده‌تر و بهتر کتاب به مخاطب و فرهنگ سازی لازم	۱۵	۱۰
حفظ عدالت و بی‌طرفی در ارزیابی کتاب‌های ناشران	۱۳	۸
بررسی کتاب‌ها به شیوه‌های اصولی، دقیق و غیرسلیقه‌ای	۱۲	۸
انتقال نظرات کارشناسی مثبت و منفی به ناشران و راهنمایی بیشتر آن‌ها در تدوین و انتشار کتاب	۷	۵
بیان شفاف ملاک‌ها و معیارهای بررسی	۶	۴
اجرای دقیق مصوبه ۸۲۸	۶	۴
سرعت در بررسی کتاب و اعلام نتایج	۵	۳
برپایی نمایشگاه‌های کتاب در مدارس	۳	۲
اعلام نیازهای آموزشی گروه‌های درسی به ناشران برای تولید کتاب	۳	۲
تشویق والدین برای خرید کتاب	۳	۲
شناسایی کتاب‌های مناسب و عرضه آن‌ها	۲	۱
معرفی کتاب‌های مناسب از طریق مجله‌های رشد	۲	۱
ارتقای فرهنگ مطالعه در جامعه خصوصاً بین معلمان	۲	۱
عدم دخالت سال انتشار در بررسی کتاب	۲	۱
تهیه فهرستی مشخص برای تجهیز کتابخانه‌های مدارس	۲	۱
ایجاد ارتباط بین معلمان و ناشران	۱	۱
ترویج و معرفی نرم افزارهای آموزشی مناسب	۱	۱
صدور گواهی مجزا برای هر کتاب	۱	۱
آشنایی با آموزش‌های روز دنیا در حوزه‌های تربیتی و خلاقیت	۱	۱
اعلام تغییرات کتاب‌های درسی به ناشران	۱	۱
استفاده از مؤلفانی که با ناشران همکاری ندارند	۱	۱
رعایت انحصاری نبودن طرح	۱	۱
پرهیز از داوری تنگ‌نظرانه نسبت به کتاب‌های ترجمه شده	۱	۱
آوردن تصویر جلد کتاب برای معرفی آن در وبگاه	۱	۱
ارزش بیشتر قائل شدن برای کتاب‌های با موضوع شهدا مفاخر	۱	۱
معرفی کتاب‌های مناسب کاربردی‌تر به مخاطب	۱	۱
تهیه، بررسی و معرفی کتاب از سوی دبیرخانه در صورتی که ناشران نفرستند	۱	۱
افزودن کتاب‌های داستانی و شعر به مجموعه کتاب‌های قابل بررسی	۱	۱
توجه به کتاب‌های الکترونیکی و شیوه‌های جدید	۱	۱
کار روی بازی‌های آموزشی	۱	۱
اعطای نشان استاندارد به ناشران	۱	۱
توجه به موضوع حق مؤلف و کپی کردن کتاب‌ها	۱	۱
توجه به کتاب‌های دارای تصویر بیشتر	۱	۱
تأیید همه کتاب‌های ما	۱	۱
جمع	۱۵۳	۱۰۰

مورد (۷۰ درصد) به نقاط ضعف مربوط می‌شود.

نقاط قوت و ضعف دبیرخانه از چشم ناشران

در پاسخ به پرسش ۱۲ که درباره نقاط قوت و ضعف طرح و دبیرخانه است، از مجموع ۱۳۱ موردی که در پاسخ به این پرسش طرح شده، ۳۸ مورد (۳۰ درصد) معطوف به نقاط قوت است و ۹۳

الف) نقاط قوت

از مجموع ۳۸ پاسخ ارائه شده، ۳۹ درصد پاسخ‌دهندگان (۱۵)

مورد) بر این نکته کلی تأکید کرده‌اند که طرح مذکور، طرح خوب و مفیدی است.

۱۶ درصد ارتباط خوب دبیرخانه با ناشران و پیگیری مستمر کارها از سوی همکاران دبیرخانه، خصوصاً در نمایشگاه کتاب را از ویژگی‌های مثبت کار برشمرده‌اند.

بررسی کارشناسانه و دقیق کتاب‌های آموزشی، تشویق ناشران برای تولید کتاب‌های بهتر و ستایش از نقش مثبت طرح در معرفی ناشران کتاب‌های آموزشی و حمایت از آن‌ها (خصوصاً ناشران کوچک)، هر کدام ۱۱ درصد فراوانی پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

پاسخ‌های دیگر نیز هر کدام فقط سه درصد فراوانی (یک مورد) داشته‌اند. در جدول ۲ دیدگاه‌های ناشران درباره نقاط قوت دبیرخانه آورده شده است.

ب) نقاط ضعف

اما از میان نقاط ضعفی که پاسخ‌دهندگان برای دبیرخانه برشمرده‌اند، ۵۴ درصد (۵۰ مورد) بر ضعف اطلاع‌رسانی و نبود تبلیغ کافی انگشت گذاشته‌اند. ناشری در این زمینه تأکید کرده است: «شما کارهای زیادی می‌کنید که کسی خبر ندارد.» پیداست که

این نکته، با توجه به فراوانی قابل توجهی که دارد، نیازمند عنایتی ویژه است.

عدم تعامل و ارتباط خوب و قوی با ناشران و حمایت از آن‌ها، نقطه ضعف دوم دبیرخانه دانسته شده است که از سوی نه درصد پاسخ‌دهندگان ایراد شده است. ناشری عدم برگزاری نشست مشترک با ناشران را مستند گفته خود قرار داده است و ناشر دیگری نفرستادن منظم کتاب‌نامه برای آن‌ها را.

عدم تأثیر معرفی بر فروش کتاب و افزایش کتاب‌خوانی، از نظر شش درصد پاسخ‌دهندگان، مهم‌ترین نقطه ضعف دبیرخانه تلقی شده است.

شش درصد از پاسخ‌دهندگان نیز بررسی کتاب‌ها را غیرعادلانه و نامصفانه ارزیابی کرده‌اند و چهار درصد از آن‌ها هم از اینکه کتاب فرستاده‌اند، اما کتاب آن‌ها مناسب تشخیص داده نشده است، دلخورند.

بقیه پاسخ‌ها نیز کمتر از دو درصد فراوانی دارند و مورد پشتیبانی بیش از یک یا دو ناشر قرار نگرفته است.

۱۶ درصد ارتباط خوب دبیرخانه با ناشران و پیگیری مستمر کارها از سوی همکاران دبیرخانه، خصوصاً در نمایشگاه کتاب را از ویژگی‌های مثبت کار برشمرده‌اند

جدول ۲. دیدگاه‌های مثبت ناشران شرکت‌کننده در بیست‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران از دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

موضوع	تعداد	فراوانی (درصد)
طرح بسیار خوبی است.	۱۵	۳۹
ارتباط خوب با ناشران و پیگیری مستمر از سوی دبیرخانه	۶	۱۶
بررسی کتاب‌های آموزشی کارشناسانه و دقیق صورت می‌گیرد.	۴	۱۱
ناشر را برای تولید کتاب‌های بهتر تشویق می‌کند.	۴	۱۱
طرح خوبی برای معرفی ناشران کتاب‌های آموزشی و حمایت آن‌هاست.	۴	۱۱
تأثیر خوبی روی فروش گذاشته است.	۱	۳
ارزیابی عادلانه و منصفانه کتاب‌ها در گروه‌های تخصصی جداگانه صورت می‌گیرد.	۱	۳
وبگاه طرح برای ارتباط با دبیرخانه رابط خوبی است.	۱	۳
به کارها به سرعت رسیدگی می‌شود و بررسی کتاب‌ها زود هنگام است.	۱	۳
بررسی کتاب‌ها هیچ هزینه‌ای برای ناشران ندارد.	۱	۳
جمع	۳۸	۱۰۰



کالبد شکافی محصولات آموزشی

دکتر مهدی چوبینه / کارشناس آموزشی و مؤلف کتاب درسی

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی محصول آموزشی، حل‌المسائل، کتاب دانش‌افزایی، کالبد شکافی کتاب آموزشی، پایداری یادگیری

محصول آموزشی چیست و انواع آن کدام است؟
به مجموعه تولیدات، خدمات و اندیشه‌هایی که با هدف ایجاد، تقویت و بهبود امر آموزش تولید شده باشند می‌توان «محصول آموزشی» اطلاق کرد.

با این تعریف مجموعه وسیعی از محصولات آموزشی را می‌توان در نظر آورد که پرداختن به همه آن‌ها بدون طبقه‌بندی امری تقریباً محال است. در ابتدایی‌ترین شکل دسته‌بندی این محصولات، می‌توان آن‌ها را به دو دسته «سخت‌افزاری» و «نرم‌افزاری» تقسیم کرد. به این ترتیب که برنامه‌های نوشته شده برای تحقق امور آموزشی پیش از تولید یک محصول جزو دسته نرم‌افزاری هستند و کتاب‌ها، مجلات، نقشه‌ها، ماکت‌ها، لوحه‌ها، فیلم‌ها، مولاژها، بازی‌های رایانه‌ای و... جزو دسته سخت‌افزاری قرار می‌گیرند.

مقدمه

کلمه «کالبد شکافی» را معادل “Autopsy”، “Dissection”، “Anatomy”، “Analysis” به کار می‌برند که عمدتاً در موضوعات پزشکی به کار گرفته می‌شود. در زمینه‌های غیرپزشکی نیز این اصطلاح به کار گرفته می‌شود و مراد از آن تحلیل لایه‌ها و زوایای پنهان یک مسئله و یا یک موضوع به‌منظور آشکارسازی کاستی‌ها و ارائه رهنمود در جهت بهبود آن مشکل است. این کالبد شکافی به‌خصوص در زمینه محصولات آموزشی، نوعی واکاوی و کنکاش در همه ابعاد و اجزای یک محصول آموزشی نیز محسوب می‌شود. در این مقاله قصد داریم ضمن برشمردن ابعاد و اجزای یک محصول آموزشی، معیارها، دسته‌بندی‌ها، روش‌ها و انواع این محصولات را مجدداً بررسی کنیم تا از این طریق روشی برای ارزیابی این‌گونه محصولات پیش روی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن قرار دهیم و آن‌ها را در زمینه چگونگی تولیدات بهتر و انتخاب محصولات دارای معیارهای علمی مطلوب‌تر یاری رسانیم.

فارغ از هر یک از این دسته‌ها، کالبد شکافی آن‌ها تقریباً از الگوی مشابهی تبعیت می‌کند. کافی است بر سر معیارهای قضاوت اتفاق نظر به‌وجود آید. آن‌گاه تحلیل، واکاوی و کالبد شکافی آن محصول امری چندان سخت نخواهد بود.

برای روشن‌تر شدن موضوع، ضروری است با مثالی این موضوع را پی‌گیری کنیم. در میان انواع محصولات آموزشی، کتاب‌ها جزو کثیرترین و آشناترین محصولات آموزشی هستند و مثالی عینی، ساده، دیرینه و بهترین گزینه برای این منظور محسوب می‌شوند. به‌دنبال آن می‌توان یافته‌های این مثال را به سایر محصولات تسری بخشید.

از یک منظر کتاب همانند موجودی زنده است که علاوه بر ابعاد فیزیکی، ابعاد معنوی یا روحی نیز دارد. کتاب همچون یک موجود زنده می‌تواند کالبد و چهره‌ای مطبوع و معقول و یا برعکس، ناخوشایند و ناپسند داشته باشد. به لحاظ معنوی نیز ممکن است کتاب، دوستی مشفق و سودمند یا مضر و زیانبار باشد. از این نظر کار بررسی، ارزیابی و واکاوی ابعاد فیزیکی محصولات آموزشی، کتاب‌ها چندان مناقشه‌برانگیز نیست و بر مبنای شواهد قابل رؤیت، کمتر محل اختلاف نظر بین متخصصان است.

اما آنچه که غالباً محل تردید یا اختلاف نظر است، بررسی واکاوانه ابعاد معنوی کتاب‌هاست. برای پرهیز از چنین شرایطی بهترین کار آن است که ابتدا شاخص‌های مورد نظر به شاخص‌های مورد توافق تبدیل شوند. آن‌گاه بر مبنای این شاخص‌ها کالبد شکافی مورد نظر خود را انجام دهیم. البته با همه مراقبت‌ها و پیش‌بینی‌ها، باز هم ممکن است در نتایج واکاوی‌ها اختلاف آرا بروز کند که این امری طبیعی است. به‌خصوص که با توجه به خاستگاه، پیشینه و سوابق علمی و تجربی داوران، ممکن است این وضعیت مشاهده شود. اما این اختلاف‌نظرها چندان عمیق نیستند و با شناخت دیدگاه داوران می‌توان به سرعت به نتیجه رسید.

دسته‌بندی معیارهای ارزیابی محصولات آموزشی

تجربه چندین سال داور در حوزه‌های متفاوت آموزشی، از جمله داور مقالات علمی، سامان بخشی کتاب‌های آموزشی، جشنواره فیلم‌های آموزشی - تربیتی، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و رسانه‌های دیجیتال، این امکان را برای نگارنده فراهم کرده است که در شکل کلی پنج دسته معیار را برای ارزیابی و کالبد شکافی محصولات آموزشی مطرح سازد:

۱. معیارهای فیزیکی (کالبدی، ظاهری و عینی)؛
۲. معیارهای علمی - محتوایی؛
۳. معیارهای فرهنگی - اجتماعی؛
۴. معیارهای آموزشی - درسی؛
۵. معیارهای زیبایی شناختی.

معیارهای فیزیکی

در بدو امر برای یک کالبد شکافی منطقی و مطمئن می‌باید به ظاهر کتاب توجه کرد. تجزیه و تحلیل یک محصول آموزشی نظیر کتاب، موکول است به پاسخ‌گویی به این سؤالات:

■ آیا کتاب به لحاظ اندازه قطع، نوع کاغذ و خط مناسب با سن و توانایی جسمی متوسط مخاطبان است؟
گاهی ممکن است یک کتاب به لحاظ تناسب اندازه با استاندارد بازار عرف کتاب مناسب تشخیص داده شود، اما توانایی سنی و سطح توان جسمی مخاطب اجازه استفاده مطلوب از این محصول را نمی‌دهد. در چنین شرایطی، کتاب علی‌رغم برخورداری از معیارهای عرفی استاندارد ابعاد کتاب، در ارزشیابی‌ها چندان موفقیتی کسب نخواهد کرد.

نکته دیگر از این نظر، موضوع جنس کاغذ به

کار رفته در کتاب و سن و توانایی‌های جسمی مخاطب است. اغلب ناشران مدعی هستند که کتاب‌هایی که کاغذ اعلا تر و مرغوب‌تری دارند، به دلیل هزینه بیشتری برای آن صرف شده است، مطلوب‌ترند. در حالی که همیشه این چنین نیست. گاه کاغذهای دارای درجه کیفی پایین‌تر، به لحاظ میزان بازتاب نور، برای مطالعه مفیدتر از کاغذهای براق هستند.

نکته بعدی میزان مقاومت کتاب در جریان استفاده از آن است. در کشور ما بنا به دلایل متعدد، به این موضوع چندان توجهی نمی‌شود. گاه در سخن برخی از متخصصان و تصمیم‌گیرندگان نیز این اظهار نظر شنیده می‌شود که در مورد برخی از محصولات آموزشی، از جمله کتاب‌های درسی، نمی‌توان و نباید هزینه زیادی برای مقاوم‌سازی کتاب‌ها به‌عمل آورد. چراکه به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، کسی حاضر به استفاده از کتاب‌های درسی که دیگران از آن‌ها استفاده کرده‌اند، نیست. از همین رو بود که طرح جمع‌آوری و توزیع مجدد کتاب‌های درسی در سال‌های دور چندان موفقیتی به‌دست نیاورد و جواب شایسته‌ای نداد.

با این حال، موضوع «کتاب‌های آموزشی» به دلیل اینکه تقریباً تمامی هزینه تولید کتاب‌ها توسط مصرف‌کننده پرداخت می‌شود، برعکس است. یعنی کتاب‌هایی که به لحاظ فیزیکی از مقاومت بیشتری برخوردار باشند، مقبول‌تر خواهند بود. این نکته در دل خود نیز پیامی پنهانی دارد: کتاب‌هایی که ظاهری مقاوم‌تر داشته باشند، ماندگاری بیشتری دارند و همواره به‌عنوان یک رسانه تبلیغاتی برای ناشر و مؤلف عمل خواهند کرد. در عین حال می‌باید مراقب این موضوع نیز بود که افزایش مقاومت فیزیکی کتاب، اگر به افزایش وزن آن منجر شود، به جهتی که قبلاً اشاره شد، عاملی بازدارنده

کالبد شکافی به‌خصوص در زمینه محصولات آموزشی، نوعی واکاوی و کنکاش در همه ابعاد و اجزای یک محصول آموزشی نیز محسوب می‌شود

تلقی می‌شود.

■ استفاده از زبان معیار و مشترک با زبان متون آموزشی رسمی.

نوع اندازه قلم به کار رفته در متن کتاب نیز عاملی فیزیکی دیگری است، هر چند از منظر زیبایی شناختی نیز قابل بررسی است. در تناسب با سن مخاطب، اندازه قلم به کار رفته در متن کتاب آموزشی و تعداد خطوط هر صفحه از کتاب دارای اهمیت است که می‌باید مانند سایر معیارها از اعتدال لازم برخوردار باشد. اصل اساسی و مهم آن است که اندازه قلم به کار گرفته شده طوری باشد که مخاطب بتواند متن را راحت و روان بخواند و استرسی از این لحاظ به وی وارد نشود و یا میزان استرس احتمالی را افزایش ندهد. تعداد سطرهای یک صفحه نیز به دلیل آنکه در بلند مدت ممکن است بر سطح توانایی بینایی مخاطب تأثیرگذار باشد، موضوعی با اهمیت است و بسته به موضوع کتاب رعایت فاصله بین خطوط و تعداد سطرها و کلاً اقدامات گرافیکی متن

ممکن است یک کتاب به لحاظ تناسب اندازه‌ای با استاندارد بازار عرفی کتاب‌ها مناسب تشخیص داده شود، اما توانایی سنی و سطح توان جسمی مخاطب اجازه استفاده مطلوب از این محصول را ندهد

و سامان‌دهی محتوا، از جمله این مسائل هستند.

نکته دیگر موضوع شیرازه کتاب‌هاست که گاهی از اراده و اختیار مؤلف و ناشر خارج است و بخش فنی تولید این محصول در مورد آن تصمیم می‌گیرد. اما اگر نگاهی به کتاب‌های آموزشی رسمی و حتی غیررسمی ویژه گروه کودکان و نوجوانان بیندازیم، این موضوع روشن می‌شود که در اغلب کشورهای صاحب تجربه، جلد و شیرازه کتاب‌های آموزشی از استحکام و مقاومت بیشتری برخوردار است و به تناسب افزایش سن مخاطب و نیز به دلیل شرایطی که برای مراقبت بیشتر از کتاب لازم است، این موضوع کم‌رنگ‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، هزینه جلد و شیرازه و تأمین مقاومت فیزیکی کتاب‌های آموزشی برای خردسالان بیش از بزرگسالان است. ضمن آنکه والدین نیز اگر هزینه بیشتری برای کتاب‌های کودکان بپردازند، انگیزه بیشتری برای مراقبت از این کتاب‌ها را خواهند داشت.

معیارهای علمی - محتوایی

به منظور پرهیز از اطاله کلام به سایر معیارها فهرست‌وار اشاره می‌شود و بحث مفصل در مورد آن‌ها را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم. برخی نکاتی که به‌عنوان معیارهای علمی - محتوایی در نظر گرفته می‌شوند، عبارت‌اند از:

■ صحت علمی محتوا در متن؛

■ انطباق با برنامه‌ها و اهداف آموزشی اعم از اهداف کلان و خرد؛

■ به‌روز بودن محتوا و انطباق با آخرین یافته‌های علمی در آن

زمینه؛

معیارهای فرهنگی - اجتماعی

یکی از معیارهای بسیار مهم و تعیین‌کننده که معمولاً به‌عنوان شاخصی در غربالگری کتاب‌های آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، موضوع معیارهای فرهنگی و اجتماعی است. برخی از برنامه‌ریزان درسی معیارهای فرهنگی را به‌عنوان عناصر برنامه درسی پنهان دسته‌بندی می‌کنند. با وجود این، کتاب‌های آموزشی غیردرسی نسبت به کتاب‌های درسی رسمی از امکانات بیشتری به لحاظ تطابق با معیارهای فرهنگی - اجتماعی برخوردارند که می‌تواند ضامن موفقیت و اقبال آنان شود. در این زمینه می‌توان به رعایت نکات زیر اشاره کرد:

■ هنجارهای فرهنگی؛

■ الگوهای رایج اجتماعی؛

■ الگوهای رایج خانواده؛

■ تناسب بین جوامع شهری و روستایی؛

■ نرم‌های رفتاری؛

■ اجتناب از سیاه‌نمایی؛

■ اجتناب از اسراف‌گرایی.

معیارهای زیبایی شناختی

از جمله معیارهایی که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت کتاب آموزشی دارد، موضوع توجه به اصول زیبایی شناختی است. کاربرد صحیح رنگ‌ها و المان‌های تصویری، قطع تصاویر و چینش منطقی آن‌ها و از همه مهم‌تر، رعایت تناسب سطح سنی مخاطب با نوع تصاویر به کار گرفته شده، از جمله این مسائل مهم است. گاه بی‌توجهی به این موضوع سبب بازخوردهای حیرت‌انگیزی می‌شود. برای مثال، استفاده از تصویروهای پویا نمایی (کارتونی) در کتاب‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه نه‌تنها هیچ امتیازی به حساب نمی‌آید، بلکه با اعتراض آن‌ها مبنی بر اینکه تصویروهای ارائه شده کودکانه‌اند نویسنده، مواجه می‌شود.

از سوی دیگر، موضوع ماندگاری فرایندهای زیبایی شناختی در ذهن مخاطبان سنین پایین سبب تأکید بیشتری بر این موضوع می‌شود. بسیاری از ما از کتاب‌های دوران کودکی خود، بیش از آنکه متنی به خاطر داشته باشیم، تصویروهایی در ذهن داریم. بنابراین اصل پایداری در یادگیری، اقتضا می‌کند که معیارهای زیبایی شناختی بیشتر مورد توجه قرار گیرند. رعایت این اصل به منزله بی‌توجهی به اصل صحت علمی نیست، بلکه تأکید بیشتر بر این جنبه به‌خصوص برای مخاطبان سنین پایین‌تر است. سایر موارد در خصوص معیارهای زیبایی شناختی عبارت‌اند از:

■ رعایت اصول و قوانین گرافیکی با رعایت سطح درک و فهم



مخاطب؛

- رعایت اصل سفید خوانی تا حد اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط؛
- رعایت تناسب بین کاربرد رنگ‌ها با توجه به سن مخاطبان؛
- رعایت زیبایی‌هایی حتی در نمایش مناظر نازیبا.

معیارهای آموزشی - درسی

در این بخش چند عنصر مشترک در ارتباط با معیارهای علمی وجود دارد که ضمن رعایت آن‌ها باید به ملاحظات زیر نیز توجه داشت:

از جمله مهم‌ترین معیارهای آموزشی این است که کتاب آموزشی در انتقال مفاهیم علمی و آموزشی کمترین «تصورات غلط»^۱ را ایجاد کند یا هیچ تصور غلطی را ایجاد نکند. از آنجا که رعایت این معیار، امری بسیار سخت و مستلزم آن است که مؤلف از صلاحیت‌های لازم برخوردار باشد، در سال‌های اخیر شیوه‌ای جدید در امر تولید محصولات آموزشی رواج یافته است که شیوه

اقتباسی (کپی‌برداری) نام دارد. به این صورت که بخش عمده‌ای از محصولات آموزشی تولید شده همان محتوای رسمی آموزشی را دارند و صرفاً سازمان‌دهی محتوای آن‌ها اندکی متفاوت است. به تعبیری این‌گونه محتواها کتاب آموزشی تلقی نمی‌شوند چرا که متن آن‌ها قبلاً توسط کسان دیگری تهیه و تولید شده است و دسته‌آخر صرفاً آن‌ها را کپی و بازیافت کرده‌اند بنابراین ارزش آن‌ها در مقایسه با محصولات بازیافتی است.

از این نظر ما با گروه کثیری از کتاب‌های آموزشی مواجه هستیم که کتاب نیستند، بلکه مجموعه‌های گرده‌برداری شده از کتاب‌های درسی و آموزشی به‌شمار می‌روند. انواع کتاب‌هایی که در این گروه قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: حل المسائل‌ها، مجموعه‌های سؤالات، درس‌آزمون‌ها، کارآزمون‌ها، کتاب‌های کار غیراستاندارد، کتاب‌های تقویتی و... در مقابل این گروه، کتاب‌هایی نیز وجود دارند که رسالت خود را به‌طور واقعی ایفا می‌کنند. از جمله آن‌ها می‌توان به: کتاب‌های دانش‌افزایی دانش‌آموزان و معلمان، فرهنگ‌ها، دایرةالمعارف‌ها، اطلس‌ها، کتاب‌های مرجع دانش‌آموزان و معلمان،

کتاب‌های موضوعی و... اشاره کرد.

یکی از موضوعاتی که به معیارهای آموزشی - درسی ارتباط دارد، مغایرت نداشتن مفاهیم متنی و تصویری است. این گونه مغایرت‌ها سبب سردرگمی خواننده می‌شود، به نحوی که تا چند جمله بعدی نیز از دست آن خلاصی ندارد و ناگزیر از بازگشت به جمله‌های قبلی است تا شاید بتواند منظور نویسنده را درک کند. توفقی که در ذهن خواننده پدید می‌آید، مانع از انتقال کامل مفاهیم آموزشی خواهد بود. این پیام آموزشی با سخته و به همین صورت در ذهن ذخیره می‌شود و به هنگام بازیابی سبب اغتشاش ذهنی مخاطبان می‌شود. حال اگر چنین شرایطی در یک متن آموزشی مدام تکرار شود، میزان انرژی تلف شده در ذهن مخاطب به حدی می‌رسد که عملاً او را از پای در خواهد آورد و مانع از طراوت و شادابی ذهنی یادگیرنده خواهد شد.

بسیاری از ما از کتاب‌های دوران کودکی خود، بیش از آنکه متنی به خاطر داشته باشیم، تصویرهایی در ذهن داریم. بنابراین اصل پایداری در یادگیری اقتضا می‌کند، معیارهای زیبایی‌شناختی بیشتر مورد توجه قرار گیرند

روش‌های کالبدشکافی محصولات آموزشی کدام‌اند؟

با این معیارها که اشاره شده، حال می‌توان دست به کالبد شکافی زد. اکنون شاید بد نباشد یک بار دیگر منظور خود را از کالبد شکافی تبیین کنیم. اگر تحلیل محتوا را یافتن نسبت بین اهداف و محتوا به منظور بهبود محتوای موجود بدانیم، آن‌گاه کالبد شکافی محتوای یک محصول آموزشی را می‌توان علاوه بر تحلیل، تعیین میزان تحقق اهداف قصد شده و همچنین برآورده شدن مقاصد مؤلف و ناشر تصور کرد. از آنجا که محتوا دارای عناصر متعدد و پیچیده‌ای است و جنبه‌های مختلفی دارد، بنابراین کالبد شکافی محصولی که حامل آن محتواست از اهمیت، پیچیدگی و دقت بسیار زیادی برخوردار است.

روش‌های کالبدشکافی کتاب‌های آموزشی

برای کالبد شکافی یک محصول آموزشی نظیر کتاب آموزشی روش‌های متفاوتی وجود دارد؛ از جمله:

۱. روش توصیفی: در این روش متخصصان با مروری بر ویژگی‌های یک کتاب آموزشی و بیان نکات ضعف و قوت آن، به توصیف کتاب می‌پردازند و نهایتاً درخصوص میزان تأثیرگذاری آن قضاوت می‌کنند.

۲. روش کمی: در این روش با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از شاخص‌های مورد توافق جمعی از متخصصان، نسبت به تعیین اعتبار کمی هر یک از مقولات مورد نظر در ارزیابی یک محصول مانند

کتاب اظهار نظر می‌کنند و نهایتاً براساس مجموعه امتیازات به دست آمده و با توجه به گروه‌بندی‌های از پیش تعریف شده، جایگاه آن محصول را معلوم می‌دارند.

در این بخش لازم است اشاره شود که برای هر یک از انواع محصولات آموزشی معرفی شده، به فرم خاصی نیاز است. اصول مبنایی همه این فرم‌ها یکی است و فقط در معیارهای اختصاصی با یکدیگر متفاوت است. به این ترتیب که معیارهای ارزیابی یک کتاب را با تغییراتی می‌توان به معیارهای ارزیابی یک مولاژ تغییر داد.

۳. روش ترکیبی: که شامل تعیین امتیازات کمی (روش ۲)، ارائه یک توضیح کوتاه توصیفی (روش ۱) و نهایتاً تعیین جایگاه آن محصول خواهد بود.

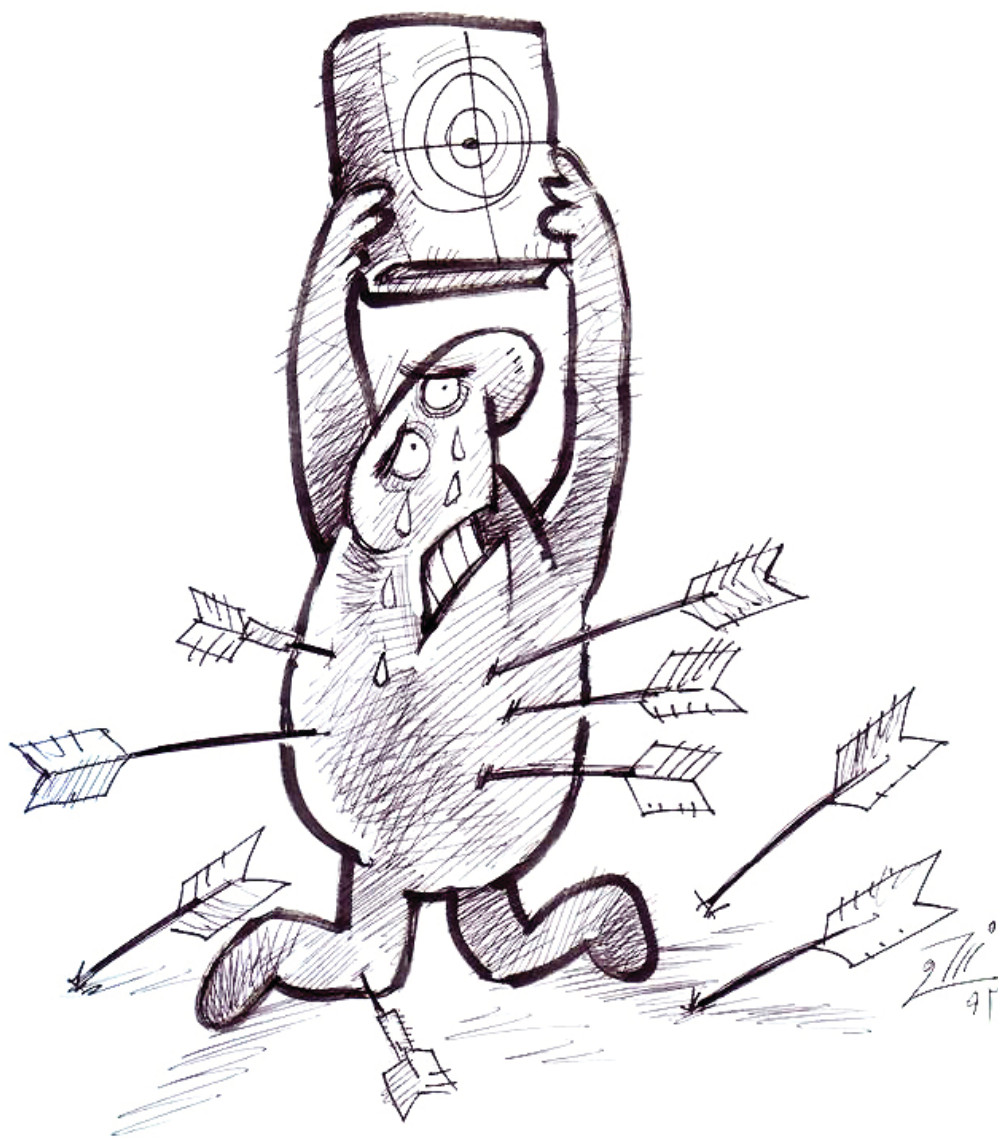
اگرچه این سه روش تا حدی در مورد کارکردهای محصولات آموزشی اطمینان خاطر ایجاد می‌کند، اما بدون یک تحلیل واقعی بر مبنای مطالعه میدانی، هیچ‌گاه نمی‌توان از توانمندی‌ها و ضعف‌های واقعی یک محصول آموزشی اطمینان حاصل کرد. از این رو پیشنهاد می‌شود بخش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی «دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی» شیوه‌نامه‌ای برای راهنمایی مؤلفان و ناشران تولید کند تا بر مبنای آن بتوانند ضمن انجام یک مدل از اقدام پژوهی در زمینه برخی از محصولات تولیدی خود، از اعتبار علمی و آموزشی آن محصولات نیز اطمینان یابند و از آن دفاع کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود، در زمینه کالبد شکافی محتوای کتاب‌های آموزشی که به بخش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی می‌پردازد، سالی یک‌بار پژوهشی انجام شود و براساس یافته‌های آن نسبت به تکمیل و تغییرات لازم در معیارهای کمی داوری محصولات آموزشی اقدام کنند. این راهکار مانع از بسیاری از تردیدها از سوی مخاطبان سامان‌دهی کتاب‌ها خواهد شد و مبنای علمی معتبری برای داوران این بخش‌ها فراهم خواهد کرد.

پی‌نوشت

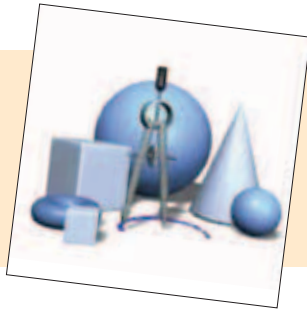
1. misconception

منابع

۱. باب‌الجوانجی، فهیمه (۱۳۷۶). «تحلیل محتوا». فصل‌نامه کتاب. نشریه ۴. زمستان ۱۳۷۶.
۲. چوبینه، مهدی (۱۳۸۴). چگونه محتوای یک کتاب درسی را تحلیل کنیم؟ جزوه درسی.
۳. مکی، ابراهیم (۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر فیلم‌نامه‌نویسی و کالبدشکافی یک فیلم‌نامه». سروش.
۴. هولستی، آل، آر (۱۳۸۰). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه نادر سالارزاده امیری. دانشگاه علامه. تهران.



طرح: سعید زرقی



قسمت اول

وسایل آموزشی و ملاک‌های ارزشیابی آن‌ها

محمدتقی زائری

جهان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت نفوذ و تأثیر خود قرار داده است (قورچیان، ۱۳۷۹).

کلیدواژه‌ها: وسایل آموزشی، یادگیری مفاهیم، بهره‌گیری از حواس، اثر بخشی تدریس، رسانه آموزشی

وسایل و رسانه‌های آموزشی

وسایل آموزشی به همه تجهیزات و امکاناتی اطلاق می‌شود که می‌توانند در محیط آموزش شرایطی را به‌وجود آورند که در آن شرایط، یادگیری سریع‌تر، آسان‌تر، بهتر، ماندگارتر و مؤثرتر صورت گیرد. تحقیقات نشان داده‌اند که وسایل آموزشی مناسب، در انتقال، تفهیم و یادگیری مفاهیم نقش مؤثری دارند.

وسایل آموزشی، تمامی ادوات و اشیایی را شامل می‌شوند که برای تفهیم بهتر و بیشتر آموزش به فراگیرندگان به‌کار می‌رود. معلمی که در درس ریاضی از نقاله و پرگار استفاده می‌کند، از این گونه وسایل برای بهتر و بهینه کردن مفاهیم درس و انتقال آن به ذهن دانش‌آموزان استفاده کرده است. در اینجا معلم نقش رسانه آموزشی را دارد و نقاله و پرگار وسایل آموزشی هستند. اگر در یک برنامه آموزشی تلویزیونی از تخته و گچ استفاده شود، تلویزیون نقش رسانه آموزشی و تخته و گچ نقش وسایل آموزشی را دارند. تفاوت رسانه آموزشی با وسایل آموزشی در این است که رسانه

مقدمه

امروزه وسایل آموزشی به‌عنوان ابزاری برای آسان‌سازی و تعمیق امر تدریس و یادگیری در نظام‌های آموزشی به‌کار می‌روند. این وسایل از حیث اینکه تئوری و عمل را با هم ترکیب می‌کنند و باعث ماندگاری یادگیری و تنوع‌بخشی در کلاس درس می‌شوند، دارای اهمیت هستند. البته این امر زمانی تحقق می‌یابد که معلمان مهارت‌های لازم را برای کاربرد این وسایل داشته باشند. استفاده صحیح معلمان از وسایل آموزشی، جریان یادگیری را آسان می‌کند و در عینی کردن و ملموس ساختن آموخته‌ها نقش مهمی دارد. بهره‌گیری از این وسایل میزان اثربخشی تدریس را افزایش می‌دهد و موجب پایدار شدن آموخته‌ها در ذهن دانش‌آموزان می‌شود. با توجه به پیشرفت‌های علمی و فناوری عصر حاضر، وسایل آموزشی توانسته‌اند نقش خود را به خوبی در آموزش ایفا کنند. پیشرفت‌های شگرف در عصر انفجار اطلاعات، مادیون بهره‌گیری هماهنگ و بهینه از تمامی حواس انسان، به خصوص حس بینایی و شنوایی است. زیرا حدود ۸۸ درصد یادگیری انسان توسط این دو حس صورت می‌گیرد و نقش آن‌ها در فراگیری و تفهیم عمیق مطالب همراه با پایداری در ذهن و در مقایسه با سایر حواس بسیار بیشتر است.

چنین فراگیری با ثباتی توسط این حواس، نیازمند استفاده از وسایل و لوازم خاصی است که به آن‌ها «ابزارهای آموزشی» می‌گویند. تنوع این گونه ابزارها زندگی بیشتر انسان‌ها را در سراسر

آموزشی به عوامل، وسایل یا ابزاری گفته می‌شود که کل محتوای آموزش را به فراگیرندگان منتقل می‌کند. در حالی که وسایل آموزشی شامل اشیا، وسایل و ابزاری است که تنها در بخشی از آموزش از آن‌ها استفاده می‌شود.

اگر در یک دوره آموزشی، محتوا، وسایل انتقال محتوا، معلم به‌عنوان فرستنده محتوا و دانش آموز به‌عنوان گیرنده محتوا مشخص باشد، آموزش به‌صورت کامل قابل اجراست. چنانچه هر یک از عوامل فوق وجود نداشته باشد، تحقق هدف آموزشی غیرممکن می‌شود. پس می‌توان گفت وسایل و رسانه آموزشی، انتقال محتوا را به فراگیرندگان آسان می‌سازند (فردانش، ۱۳۸۷).

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که وسایل آموزشی می‌توانند میزان یادگیری را بالا ببرند و هر کدام نقش به‌سزایی در تدریس و یادگیری دارند. باوجود صرف وقت نسبتاً زیاد در آموزش‌هایی که فقط از حس شنوایی استفاده می‌کنند، در این آموزش‌ها تأثیر ناچیزی در رابطه با یادگیری نصیب دانش‌آموزان می‌شود. در حالی که با برنامه‌ریزی حساب شده و منطقی در به‌کارگیری حواس گوناگون می‌توان به نتایج مفیدتری در آموزش دست یافت.

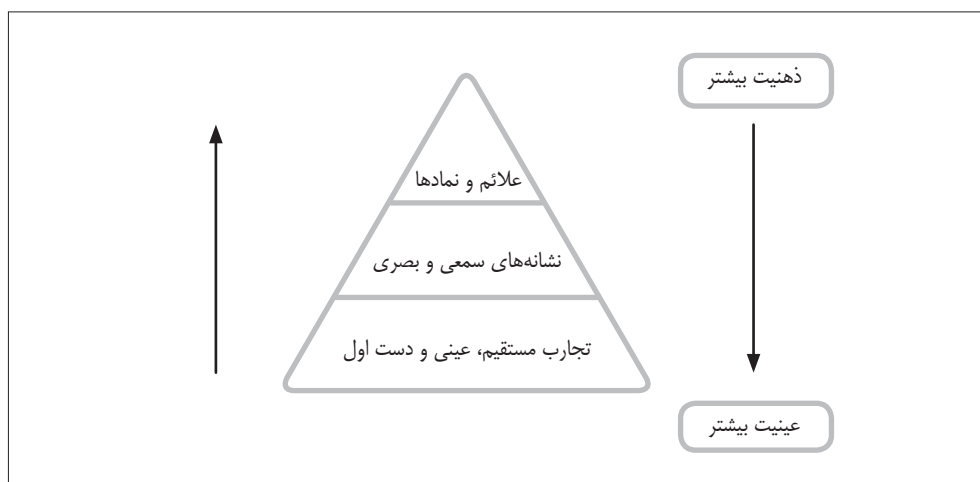
نقش وسایل آموزشی

از شاخص‌های توسعه هر کشور، کیفیت و کمیت برون‌داد نظام آموزشی است و آن هم به چگونگی نظام انتقال اطلاعات برنامه‌ریزی شده آموزشی به فراگیرندگان و نیز بهبود فرایند یاددهی - یادگیری بستگی دارد. بهره‌گیری معلمان از وسایل آموزشی در فرایند تدریس، موجب افزایش کارایی آن‌ها در تدریس می‌شود، یادگیری مطالب را برای دانش‌آموزان عینی‌تر، جذاب‌تر و عمیق‌تر می‌کند و در افزایش یادگیری و پایدار ساختن آموخته‌های آنان تأثیر اساسی دارد. این وسایل چون تئوری و عمل را با هم ترکیب می‌کنند، باعث

ماندگاری یادگیری و تنوع‌بخشی در کلاس درس می‌شوند. کاربرد وسایل آموزشی در جریان تدریس، باعث می‌شود مطالب مطرح شده در ساخت‌شناختی دانش‌آموزان جا بگیرد و دانش‌آموز به یادگیری معنادار نائل شود.

همان‌گونه که در طرح برش مخروط مشاهده می‌شود، تجارب مستقیم و عینی، نظیر کار با انواع وسایل برای یادگیری مفاهیم، نسبت به نشانه‌های سمعی و بصری نظیر استفاده از تصویر، اسلاید، فیلم، و نسبت به علائم و نمادها که نمونه بارز آن‌ها کلمات هستند، از عینیت بیشتری برخوردارند (احدیان، ۱۳۷۳). به‌طور کلی، کاربرد وسایل آموزشی در جریان تدریس توسط معلمان می‌تواند نتایج و آثار زیر را به‌دنبال داشته باشد:

- موجب تسهیل فرایند یاددهی - یادگیری و افزایش آموخته‌های فراگیرندگان می‌شود.
- اعتمادبه‌نفس معلمان و دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.
- یادگیری دانش‌آموزان لذت‌بخش‌تر و جذاب می‌شود.
- ثبات، استحکام آموخته‌ها و معنادار شدن یادگیری فراگیرندگان را فراهم می‌سازد.
- توانایی اندیشیدن و استدلال را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.
- یادگیری را سریع‌تر، آسان‌تر و بادوام‌تر می‌کند.
- آموزش را از حالت ذهنی خارج می‌سازد و یادگیری را برای دانش‌آموزان ملموس و عینی می‌کند.
- موجب تنوع در آموزش می‌شود.
- فرایند آموزش را از حالت تکه‌رسانه‌ای (کتاب‌محوری) بودن خارج می‌کند.
- دستیابی به نتایج سریع آموزش را عملی می‌سازد.
- بازدهی آموزش را از نظر کمی و کیفی برای دانش‌آموزان و معلمان افزایش می‌دهد.



شکل ۱. برشی از مخروط تجارب ادگار دیل

- شکل‌دهی تجارب یادگیری ناممکن را به‌دنبال دارد.
- در آموزش صرفه‌جویی می‌کند.
- به تکامل و عمق یادگیری می‌افزاید.

طبقه‌بندی وسایل و رسانه‌های یاددهی - یادگیری

وسایل و رسانه‌های یاددهی - یادگیری در منابع مختلف به شیوه‌های گوناگون طبقه‌بندی شده‌اند. اما براساس ویژگی‌های مهم رسانه‌ها، آن‌ها را به‌طور کلی می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد (امیرتیموری، ۱۳۹۰):

۱. دیداری؛
۲. شنیداری؛
۳. دیداری - شنیداری؛
۴. چندحسی.

۱. رسانه‌های دیداری

رسانه‌هایی هستند که به‌طور عمده بر حس بینایی تکیه دارند و از این طریق پیام خود را به مخاطبان منتقل می‌کنند. این رسانه‌ها خود به دو طبقه تقسیم می‌شوند:

(الف) رسانه‌های نوشتاری؛

(ب) رسانه‌های غیرنوشتاری؛

(الف) رسانه‌های نوشتاری

این رسانه‌ها از طریق نوشته‌ها و متون چاپی، یعنی رمزهای کلامی کتبی پیام موردنظر را به مخاطبان منتقل می‌کنند. مهم‌ترین این رسانه‌ها عبارت‌اند از: کتاب‌ها؛ روزنامه‌ها؛ مجله‌ها؛ اسناد؛ مواد تکثیر شده.

(ب) رسانه‌های غیرنوشتاری

در شکل‌دهی این رسانه‌ها رمزهای تصویری نقش بیشتری دارند. این گروه خود به سه رده تقسیم می‌شوند:

رسانه‌های تابلویی یا نمایشی: شامل تابلوهای گچی، ماژیک، پارچه‌ای، مغناطیسی، الکتریکی و اعلانات؛

رسانه‌های تصویری مات: شامل طراحی و نقاشی، کاریکاتور، طرح خطی، نمودار، چارت، نقشه، پوستر، نشریه دیواری، نقاشی دیواری و عکس؛

رسانه‌های تصویری شفاف: شامل میکروفرم‌ها، تلو شفاف و پروژکتور آورهد، اسلاید و پروژکتور آن، و فیلم استریپ و پروژکتور آن.

۲. رسانه‌های شنیداری

این رسانه‌ها با تکیه بر حس شنوایی مخاطب تهیه می‌شوند و از طریق شنیدن مورد استفاده قرار می‌گیرند و به این گروه تقسیم می‌شوند: بیان معلم؛ رادیو؛ صفحه‌های شنیداری (معمولی و لیزری)؛ تلفن؛ نوارهای شنیداری و ضبط صوت.

۳. رسانه‌های دیداری - شنیداری

در این گروه از رسانه‌ها از دو حس بینایی و شنوایی برای



- انگیزه‌های یادگیری و آموزش را در فراگیرندگان تقویت می‌کند.
- موجب می‌شود دانش‌آموزان بهتر به استعدادها و توانایی‌های فردی خود پی ببرند.
- هنگام یادگیری اثر خستگی جسمی و ذهنی را کاهش می‌دهد.
- معلم را از حالت انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به فراگیرندگان خارج می‌کند.
- معلم را به‌عنوان عاملی اثرگذار در حین تدریس و تسهیل‌کننده جریان یادگیری معرفی می‌کند.
- زمینه رشد و شکوفایی تفکر و خلاقیت دانش‌آموزان را فراهم می‌سازد.
- یادگیری مؤثر و مفید را برای عده بیشتری از دانش‌آموزان ممکن می‌سازد.
- موجب برانگیختن حس کنجکاوی و تفکر خلاق فراگیرندگان می‌شود.

انتقال پیام استفاده می‌شود. این رسانه‌ها به دو طبقه تقسیم می‌شوند:

■ نورتاب (نظیر فیلم استریپ، اسلاید، طلق شفاف، فیلم، و پروژکتورهای مربوط به آن‌ها) و... و غیرنورتاب (نظیر رسانه‌های نوشتاری، تابلوهای آموزشی، اجسام سه‌بعدی، رسانه‌های ترسیمی و رسانه‌های غیرترسیمی).

رسانه‌های دیداری - شنیداری ساکن: شامل کتاب به همراه نوار یا سی‌دی شنیداری، و مجموعه عکس به همراه نوار یا سی‌دی شنیداری، و مجموعه اسلاید یا فیلم استریپ ناطق؛

رسانه‌های دیداری - شنیداری متحرک: شامل فیلم متحرک و پروژکتور فیلم، برنامه‌های تلویزیونی، تلویزیون، ویدئو و ویدئو پروژکتور، رایانه و دیتا پروژکتور و ویدئو ایمیجر یا ویدئو آلیزر.

۴. رسانه‌های چندحسی

در این گروه از رسانه‌ها مخاطب باید از چند حس خود کمک بگیرد. به بیان دیگر این رسانه‌ها روی چند حس مخاطب تأثیر دارند. این گروه خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

رسانه‌های سه‌بعدی: شامل شیء واقعی، مدل، ماکت، میز شنی و منظره سه‌بعدی؛

موقعیت‌های یاددهی - یادگیری: شامل شبیه‌سازی‌ها، بازی‌های آموزشی، آزمایشگاه زبان، فعالیت‌های کتابخانه‌ای، تئاتر و تئاتر عروسکی، متخصصان و منابع انسانی دیگر، مراکز یادگیری، گردش‌های علمی، اردوها، بازدید از مکان‌ها و فعالیت‌های آزمایشگاهی و کارگاهی؛

مجموعه‌ای از چند رسانه: شامل برنامه‌های چنداسلایدی، نمایش هم‌زمان فیلم و اسلاید و بسته‌های آموزشی.

انواع وسایل آموزشی

تقسیم‌بندی وسایل آموزشی می‌تواند از جنبه‌های متفاوتی صورت بگیرد که هر نوع تقسیم‌بندی یک و یا چند جنبه را مدنظر قرار می‌دهد. در حالت کلی می‌توان وسایل آموزشی را به گروه‌های زیر تقسیم کرد (احدیان، ۱۳۷۳):

■ برقی و غیربرقی؛

■ ارزان‌قیمت و گران‌قیمت؛

■ نرم‌افزار (شامل فیلم، اسلاید، چارت، پوستر، نمودار، طلق شفاف، مدل، ماکت، برش و... و سخت‌افزار (شامل پروژکتورهای فیلم متحرک، اسلاید، اوپک، اورهد و...))؛

■ چاپی (نظیر کتاب، جزوه، مجله، منابع برنامه‌ای شده چاپی و...) و غیرچاپی؛

■ ساده (شامل کتاب، مجله،

فیلم متحرک، اسلاید، طلق شفاف

و...) و پیچیده (شامل پروژکتورهای

فیلم متحرک، اسلاید، اوپک، اورهد،

دستگاه‌های ضبط شنیداری و دیداری، رایانه

ویژگی‌های فنی و اجرایی وسیله آموزشی هر وسیله آموزشی باید:

■ توانایی انتقال پیام موردنظر را داشته باشد.

■ قابلیت حمل و نقل داشته باشد.

■ در دسترس باشد.

■ از نظر اقتصادی مقرون به صرفه باشد.

■ قابلیت رجوع‌پذیری داشته باشد.

■ متناسب با تعداد فراگیرندگان باشد.

■ قابل استفاده در وضعیت موجود فضای آموزشی باشد.

■ متناسب با زمان تدریس باشد.

■ نصب و راه‌اندازی آن به سهولت انجام شود.

■ بین اجزای وسیله از نظر اندازه و نوع کاربری تناسب داشته

باشد.

■ از استحکام، پایداری و دوام لازم برخوردار باشد.

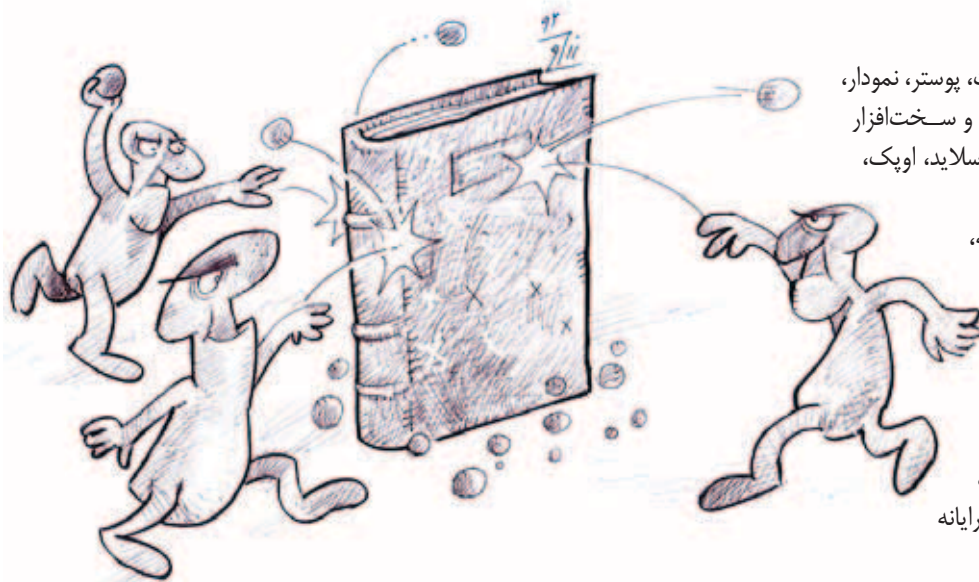
■ اصول ایمنی و بهداشتی در آن رعایت شده باشد.

■ جنس آن با نوع کاربردش متناسب باشد.

■ بسته‌بندی مناسب داشته باشد.

■ از نظر اندازه، حجم، رنگ و سایر خصوصیات فیزیکی با گروه

سنی مخاطب متناسب باشد.





گفت‌و‌گو با مرتضی شکوهی، معاون مدیر کل آموزش دبستانی وزارت آموزش و پرورش

برای انتخاب کتاب‌های مناسب، آگاهی معلم، خانواده و دانش‌آموزان را افزایش دهیم



محمد دشتی

اشاره

آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) در هشتصد و بیست و هشتمین جلسه «شورای عالی آموزش و پرورش» در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۸۹ به تصویب رسید و پس از تأیید رئیس‌جمهور (رئیس شورای عالی آموزش و پرورش)، در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ توسط وزیر آموزش و پرورش برای اجرا به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» ابلاغ شد. در ماده ۷ این ابلاغیه آمده است: «مشارکت و همکاری معاونت‌ها، سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی کشور در اجرای این مصوبه الزامی است.»

تربیتی (مواد و رسانه) قرار دادید، ضمن معرفی خودتان نگاه و نظر خودتان را در مورد این طرح برایمان بگویید.

□ بحث سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی موضوعی چندوجهی است. اگر ما بتوانیم با مشارکت و هم‌فکری راه‌حل‌های مناسبی را برگزینیم، خواهیم توانست کمک کنیم که موضوع منابع آموزشی و کمک آموزشی از آنچه که هست بسامان‌تر شود. این موضوع قطعاً در توفیق بیشتر آموزش و پرورش در دستیابی به هدف‌های ارزشمند آن تأثیرگذار خواهد بود.

■ شما در حوزه آموزش ابتدایی چه تمهیداتی برای اجرایی شدن طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی اندیشیده‌اید؟ □ در ارتباط با حوزه دبستانی، همان‌گونه که اشاره کردید، با ابلاغ سیاست‌های کلی تحول در نظام آموزش و پرورش که از

■ جناب آقای شکوهی، ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار همکاران خود در دبیرخانه طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و

جانب مقام معظم رهبری اعلام شد و همین‌طور ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، به‌طور طبیعی سیاست‌های دوره ابتدایی هم دستخوش تغییرات و تحولاتی شد. گرچه ما از گذشته هم همواره در دوره ابتدایی، به دنبال اجرای فعالیت‌هایی بودیم که بتواند مدرسان و یاری‌رسان به اجرای دقیق برنامه درسی باشد.

مهم‌ترین مأموریت و وظیفه‌ای که ما اکنون در حوزه آموزش دبستانی برای خودمان قائل هستیم، اجرای دقیق و مطلوب برنامه درسی این دوره تحصیلی است. در واقع شأنی که برای خودمان قائل هستیم این است که به‌خوبی اهداف آموزشی و پرورشی دوره ابتدایی را که مصوب شورای عالی وزارت آموزش و پرورش است، درک کنیم و برنامه‌هایی را که مراجع مسئول تدوین می‌کنند، به نحو شایسته‌ای اجرا کنیم.

■ **نظران در خصوص تقسیم وظایفی که در وزارت آموزش و پرورش در حوزه‌های گوناگون وجود دارد، چیست؟ تا چه حد خودتان را مقید به همکاری و هماهنگی با دیگر بخش‌ها و از جمله سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌دانید؟**

□ ما اعتقاد راسخ داریم، نمی‌توانیم بدون ارتباط با سازمانی مانند سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که متولی برنامه درسی در وزارت آموزش و پرورش است، برای خودمان برنامه‌ریزی و اقدام کنیم. یعنی در ساختار تشکیلاتی آموزش و پرورش، بنابر تقسیم وظایفی که صورت گرفته است، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وظایف و مأموریت‌های خاص خود را دارد که محتوا و برنامه مناسب را برای تحقق اهداف برنامه درسی در بعد دانش، نگرش و مهارت و در عناصر پنج‌گانه و عرصه‌های چهارگانه فراهم می‌آورد.

یعنی ما مسئول برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی هستیم. قصد داریم کمک کنیم برنامه درسی در کلاس و مدرسه با قدرت و قوت اجرا شود تا محتوا، ظرفیت، توانمندی‌ها و شایستگی‌های موردنظر نظام آموزش و پرورش به‌جبهه منتقل شود. اگر دانش‌آموزان از آن ویژگی‌ها برخوردار شوند ما می‌توانیم مدعی شویم که اهداف برنامه درسی و اهداف نظام آموزش و پرورش محقق شده‌اند.

■ **چه نگاه و نظری در خصوص ضرورت و میزان نیاز معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان به استفاده از منابع آموزشی فراتر از کتاب درسی دارید؟**

□ یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ما منابعی است که معلمان، دانش‌آموزان و اولیای محترم از آن‌ها استفاده می‌کنند. واقعاً باید از

«دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» که سال‌هاست به سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی می‌پردازد، تشکر کنیم. تشکیل شورای سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی هم که اخیراً صورت گرفته و چیزی فراتر از کتاب‌های درسی و در واقع تمامی منابع آموزشی این حوزه را مورد توجه قرار داده، امر مبارکی است که کمک خواهد کرد در این خصوص اقدامات مفیدتر و مؤثرتری صورت گیرد. توسعه فعالیت‌های آموزش و پرورش در این زمینه که همکاری همه بخش‌ها را در این وزارتخانه طلب می‌کند، کلید و رمز موفقیت چنین کار مهمی است. به نظرم شما با تشخیص درست و هوشمندی و با برنامه‌ریزی صحیح سراغ دیگر همکاران خود از جمله همکاران معاونت آموزش ابتدایی را گرفته‌اید.

■ **آیا با اجرایی شدن طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی طی چند سال گذشته و اقداماتی مانند انتشار کتاب‌نامه رشد و تغییر محسوس و مؤثری در این زمینه مشاهده می‌شود؟**

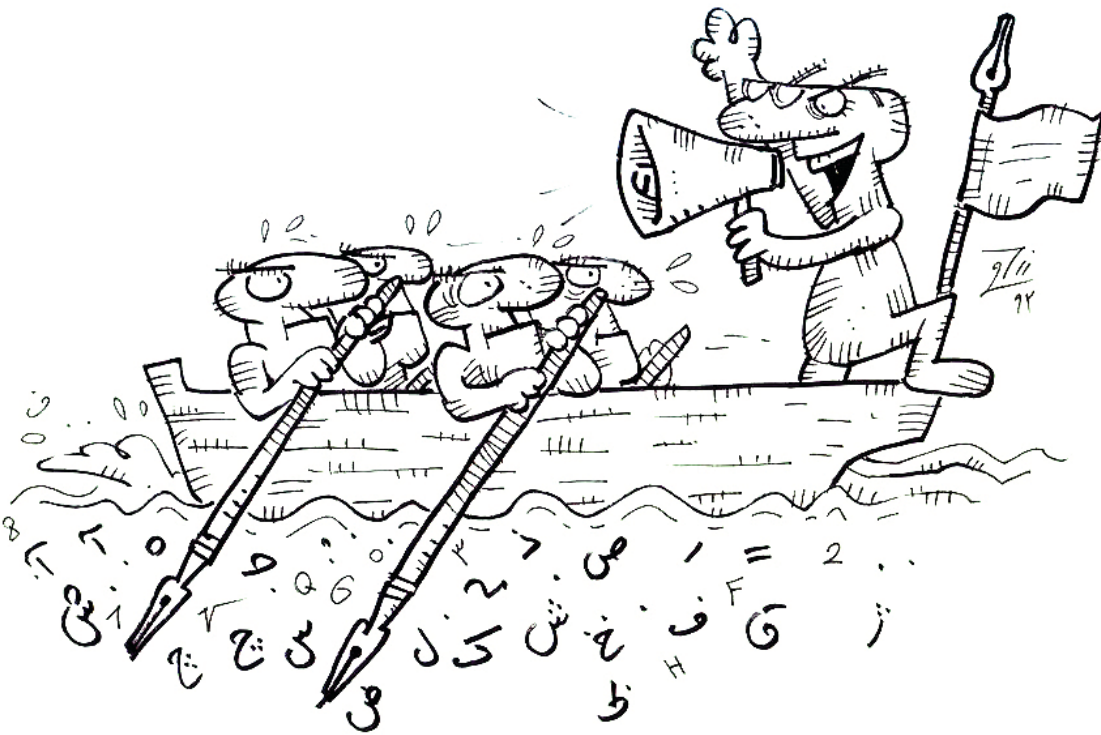
□ بله، همین‌گونه است. از زمانی که این طرح اجرا شده، تلاش‌های ارزشمندی در این زمینه انجام گرفته است و ما مشاهده کرده‌ایم که در عرصه عمل، افرادی که بدون توجه به اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش و نظام حاکمیتی تعلیم و تربیت اقداماتی را انجام می‌دادند، به خود آمده‌اند و سعی می‌کنند با این طرح همراه شوند.

به‌نظر می‌رسد انتشار کتاب‌نامه‌های رشد نیز راهکار ارزشمندی بوده که باعث شده است، از یک طرف ظرفیت‌های خوبی که در حوزه‌های مختلف در تولید منابع آموزشی و کمک آموزشی وجود دارند شکوفا و آثار و تولیدات مناسب به مخاطبان معرفی شوند. از سوی دیگر منبع خوبی تولید و در اختیار ما گذاشته شده است که ما هم می‌توانیم آن را به کارشناسان و مدیران خود معرفی کنیم و از آنان بخواهیم با استفاده از منابع معرفی شده، به نیازهای کمک آموزشی معلمان، دانش‌آموزان و حتی والدین پاسخ دهند. البته ما هیچ‌گاه به خودمان اجازه نداده‌ایم که منبع و یا منابعی را بدون اینکه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مناسب تشخیص داده باشد، رأساً معرفی کنیم.

■ **نقش متقابل آموزش و پرورش و تولیدکنندگان منابع آموزشی در بخش خصوصی چیست؟**

□ نقش تعاملی و دوسویه است. ما باید کمک کنیم که تولیدکنندگان منابع آموزشی معیارها، ملاک‌ها، شاخص‌ها و ویژگی‌های آن دسته از منابع آموزشی را که نظام آموزش و پرورش

ما اعتقاد راسخ داریم، نمی‌توانیم بدون ارتباط با سازمانی مانند سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که متولی برنامه درسی در وزارت آموزش و پرورش است، برای خودمان برنامه‌ریزی و اقدام کنیم



اثر بخش، ظرفیت‌های پیرامونی را به خدمت بگیرد.

■ در صورت عدم حضور آموزش و پرورش و یا کم‌رنگ‌شدن نقش آن برای حضور در این حوزه، چه اتفاقی خواهد افتاد؟
□ نظام آموزشی به جای اینکه عرصه را خالی کند، باید ابتکار عمل را در دست گیرد و اجازه ندهد کسانی که تنها به دنبال منافع تجاری و سود خود هستند، در این عرصه جولان دهند. ابتکار عمل مورد انتظار هم این است که آموزش و پرورش بتواند از ظرفیت‌های قانونی که وجود دارد و با ابلاغ تشکیل شورای سیاست‌گذاری تهیه و تولید مواد و منابع آموزشی و تربیتی رسمیت بیشتری پیدا کرده است، به‌درستی استفاده کند و با جلب مشارکت و همراهی تولیدکنندگان این بخش، سکان هدایت و مدیریت این حوزه را به دست بگیرد.

بر آن‌ها صحنه می‌گذارد، خوب بشناسند و اساساً فارغ از اینکه ما بخواهیم و یا نخواهیم، در آن مسیر حرکت کنند.

به اعتقاد من، با توجه به مأموریتی حاکمیتی که در نظام آموزش و پرورش وجود دارد و همچنین مأموریتی که برای تحت پوشش قرار دادن دانش‌آموزان در سنین ۵ تا ۱۸ سال دارد، مسئولیت مدیریت آموزش در هر جای این کشور برعهده آموزش و پرورش رسمی است. بنابراین هر حوزه‌ای که تصمیم به فعالیت آموزشی دارد، باید خودش را در قلمرو آموزش و پرورش احساس کند و بداند که لازم است، ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای آموزش و پرورش را مورد عنایت و توجه قرار دهد. از سوی دیگر، آموزش و پرورش باید آن‌قدر نگاه عمیق، وسیع و گسترده‌ای به این حوزه داشته باشد که با تدوین استانداردها، شاخص‌ها و معیارهای منعطف، کارآمد و

البته این کار باید در سه بخش مدیریت، تولید و توزیع مواد و منابع آموزشی و تربیتی صورت گیرد و این چرخه به صورت کامل از لحظه تدوین دستورالعمل‌های مربوطه تا توزیع اثر و رساندن آن به دست مخاطب، دنبال و نهایی شود تا هم سیاست‌گذار و هم سرمایه‌گذار هر دو به اهداف و منافع مادی و معنوی خود برسند. به نظر من به هر میزان که آموزش و پرورش بتواند در این زمینه تمام قد و بدون نگاه حذفی و با نگاه نظارتی و حمایتی وارد شود، موفقیتش بیشتر تضمین خواهد شد و خواهد توانست با جلب مشارکت دیگر فعالان در این حوزه، جلوی تولید و توزیع آثار کم استفاده و گاه مضر را بگیرد.

■ خب! راه چاره چیست؟

□ تنها راهی که باقی می‌ماند، اعلام سیاست‌ها و برنامه‌ها، نظارت و مصونیت بخشی به مخاطبان است. این مصونیت باید در معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها به وجود بیاید و آنان را قادر سازد که با تشخیص درست، تنها آثار مناسب و مفید را انتخاب کنند و از انتخاب و خرید آثار غیراستاندارد و غیرعلمی خودداری کنند. اگر ما موفق شویم چنین شرایطی را حاکم کنیم، شما مطمئن باشید که بازار تولید و فروش آثار نازل و یا حل‌المسائل‌ها و کتاب‌هایی که تنها به قصد سودجویی و پول درآوردن منتشر می‌شوند، متوقف خواهد شد.

■ آیا جهت‌گیری‌های ما در وزارت آموزش و پرورش و حتی آموزش عالی بر این حوزه تأثیر دارد؟

□ حتماً تأثیر دارد! مجموعه تصمیمات و سیاست‌های اتخاذ شده در این حوزه در رفتار مصرف‌کننده و عرضه‌کننده منابع آموزشی تأثیرگذار است. فراموش نکنیم عاملی که در این میان خیلی نقش بازی می‌کند، نوع جهت‌گیری کسانی که در آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند. تا زمانی که جهت‌گیری‌های ما در مسیر یادگیری، آموختن و عمق بخشیدن به یادگیری و انعکاس آن در رفتار فرد در زندگی نباشد، و یا ارزشیابی ما به دنبال سنجش تغییرات رفتاری نباشد و به دنبال سنجش و ارزشیابی دانستی‌ها، معلومات، آگاهی‌های سطحی و شبه‌معلومات باشیم، خانواده‌ها، معلمان و دانش‌آموزان هم به دنبال همان منابعی می‌روند که ما آن‌ها را مفید نمی‌دانیم و متأسفانه بازار را در دست دارند.

اگر می‌خواهیم شرایط تغییر کند و به سمت وضعیت مطلوب حرکت کنیم، باید در نظام آموزشی یادگیری یک ارزش باشد. عمق یادگیری و یادگیری‌هایی ارزشمند باشند که به تغییر رفتار فرد می‌انجامند. در دوره ابتدایی ما حقیقتاً با این تفکر حرکت می‌کنیم که برنامه درسی ما غنی است و اگر خلأهایی هم دارد، این خلأ باید به کمک معلم تکمیل و با همراهی اولیا با مدرسه برطرف شوند.

■ چه عملی باید در دوره ابتدایی صورت گیرد تا دانش‌آموز

در آینده بتواند منابع مناسب آموزشی را بشناسد و از انتخاب منابع آسیب‌زا خودداری کند؟

□ در دوره ابتدایی ما باید عشق به یادگیری را آموزش بدهیم و آن را در وجود کودکان نهادینه کنیم. باور ما این است که دانش‌آموز باید در دوره ابتدایی مهارت‌های اساسی یادگیری را به دست آورد. ما در این دوره خیلی نگران آموختن دانش نیستیم، گرچه این موضوع در جای خودش اهمیت دارد. اما علاقه به دانش‌آموزی و یادگیری علم و دانش برای ما اهمیت بیشتری دارد؛ عشق به مدرسه، تحصیل، کتاب، مطالعه و ایجاد انگیزه مطالعه در دانش‌آموز. ما معتقدیم که مطالعه و علاقه به خواندن باید به عنوان یک مهارت، باور و فرهنگ از همین دوره اولیه و ابتدایی در کودکان ما نهادینه شود و شکل بگیرد. اگر قصد داریم که مطالعه نزد دانش‌آموز به علاقه و مهارت تبدیل شود، باید از همان ابتدا معلم کودکان را با منابع آموزشی مناسب، مفید، متنوع و مؤثر آشنا کند.

معنی این حرف آن است که فقط آموختن مطالب کتاب درسی برای دانش‌آموزان کافی نیست. ما در حقیقت محتوای کتاب درسی را منبع و مرجعی برای دانش‌آموز می‌دانیم که باید عشق و علاقه به یادگیری را در او ایجاد

و شعله‌ور کند. با استناد به آنچه که در کتاب درسی او آمده است، احساس نیاز کند و به مطالعه دیگر منابع علاقه‌مند شود و آن منابع را هم مطالعه کند.

اصلاً کتاب درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که خودش بگوید من تنها یک آغازم و برای همه نیازهای تو کافی نیستم. یعنی نیاز به مطالعه بیشتر را به دانش‌آموز یادآوری شود و به او تأکید کند، برای اینکه مرا بهتر بفهمی و درک کنی، باید به مطالعه دیگر منابع و متون بپردازی. این معناست که دانش‌آموز ما را محقق، جست‌وجوگر و علاقه‌مند به مطالعه بار می‌آورد. چنین دانش‌آموزی هرگز از مطالعه و کتاب جدا نمی‌شود و به عنوان یک نیاز ضروری در دنیای کنونی همواره به دنبال یادگیری و آموختن خواهد بود. شکی نیست که در چنین وضعیتی کتاب درسی اصلاً کافی و وافی به مقصود نخواهد بود.

اینجاست که نقش آموزش و پرورش ممتاز می‌شود. اینکه تا چه حد می‌تواند معلمان خود و حتی خانواده‌ها را آگاه و توانمند سازد که کتاب‌های مناسب را بشناسند و به درستی به دانش‌آموز و فرزند خود معرفی کنند.

■ تا چه حد به نقش و جایگاه بخش خصوصی در تهیه و

اگر می‌خواهیم از منابع آموزشی در جای خود و به طور مؤثر استفاده شود، باید آگاهی سه عنصر معلم، خانواده و دانش‌آموز را افزایش دهیم. این سه عنصر هر کدام در نقش و جایگاه خود باید این توانایی و آگاهی را داشته باشند و بتوانند تشخیص دهند که چه متون و منابعی برایشان مفید و چه منابعی احياناً برایشان مضر است

ارائه منابع آموزشی اعتقاد دارید؟ در چه صورتی حضور این بخش، برای دانش آموزان مفید خواهد بود؟

□ بخش خصوصی یک واقعیت کتمان ناپذیر است و براساس

قوانین موضوعه می‌تواند در حوزه نشر و انتشارات آموزشی هم فعالیت کند. کما اینکه الان هم این کار انجام می‌شود. اینکه بخش خصوصی فعال در تولید منابع مکتوب، آموزشی و انتشاراتی به چه سمتی حرکت کند، امری است که به اراده و اشاره ما نیست. این بخش هم مانند هر بخش دیگری که به دنبال تأمین هزینه و سود خود است، برنامه‌های تشکیلاتی و سازمانی خاص خودش را دارد و براساس آن فعالیت و تولید می‌کند.

حالا با چنین فرضی هنر ما این است که بتوانیم از آن به‌عنوان یک ظرفیت مؤثر استفاده کنیم و در یک تعامل سازنده، آن را به خدمت اهداف سازمانی خود که در نهایت مابینتی با اهداف آن بخش هم نخواهد داشت، نائل شویم. ما باید با ارائه استانداردها، شاخص‌ها و انتظارات خود، به بخش خصوصی سمت و جهت بدهیم و با نظارت و حمایت از تولیدات این بخش، اهداف اساسی خود را که منبعث از برنامه‌های اساسی آموزش و پرورش است، محقق کنیم.

افرادی که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند، در عین حال که به دنبال انتفاع خود هستند، اهداف متفاوتی دارند. برخی از این دوستان مایل‌اند که در تهیه منابع آموزشی مورد نیاز دانش آموزان به‌طور خاص در یک رشته یا دوره تحصیلی فعالیت کنند. برخی نیز حوزه‌های دیگری مانند حوزه‌های عمومی دانش را در نظر دارند. این تفاوت‌ها بازار نشر را شکل می‌دهند. ما باید بتوانیم با معرفی استانداردها، شاخص‌ها و ویژگی‌های علمی و حرفه‌ای هر بخش، انتظارات خودمان را به‌صورت شفاف و روشن اعلام کنیم. در ضمن از تولید چنین آثاری حمایت کنیم و با معرفی و یا خرید آن‌ها، فضایی را به‌وجود بیاوریم که ناشران عملاً بتوانند به این بازار بزرگ دسترسی پیدا کنند. به علاوه، کسانی پیدا نشوند که با استفاده از خلأهای موجود و رفتن راه‌های میانبر و کسب درآمدهای آن چنانی، انگیزه و اشتیاق ناشران را برای همراهی با

آموزش و پرورش از بین ببرند.

■ وظیفه ما چیست؟ آیا سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های

ما هم در به‌وجود آمدن این بازار مؤثر است؟

□ ما باید با اصلاح سیاست‌ها و تعیین جهت‌گیری‌های مناسب در سیاست‌ها و برخورد فعال با حوزه خصوصی، ابتکار عمل را تا حدود زیادی به‌دست بگیریم. در واقع ما با هدف‌گذاری‌های احیاناً غلط، برای کسانی که به دنبال انتفاع اقتصادی هستند، بازار ایجاد می‌کنیم. ما اگر در سنجش‌ها، ارزیابی‌ها و امتحانات خود به سراغ حافظه‌گرایی، دانش‌اندوزی و گرایش به تست و تست‌زنی می‌رویم، چگونه انتظار داریم که کسانی هم پیدا نشوند که به تدوین و توزیع کتاب‌های حل‌المسائل و تست محور بپردازند؟

اما اگر آموزش و پرورش و حتی آموزش عالی که دنباله آموزش رسمی است، به دنبال افزایش درک، فهم و مهارت‌های دانش آموزان و اندازه‌گیری آن باشد، دیگر بازار کتاب‌های تست و پاسخ‌محور از میان خواهد رفت. دیگر این حوزه مشتری نخواهد داشت که عده‌ای هم بخواهند با تولید این کتاب‌ها به نان و نوایی برسند. پس یقین داشته باشیم که اگر ما اصولی و برنامه‌ریزی شده عمل کنیم، بازار و بخش خصوصی هم با ما همراه خواهد شد. ولی اگر خود ما به این اصول و مبانی توجه نداشته باشیم و تقاضا برای چنین کتاب‌هایی وجود داشته باشد، عرضه آن هم ادامه خواهد داشت.

■ و سخنی از نوع سخنان آخر!

□ سخن آخر من می‌تواند این باشد که ما در آموزش و پرورش با این باور که بخش خصوصی می‌تواند به ما کمک کند و می‌تواند بخشی از نیاز ما را که درون آموزش و پرورش محقق نمی‌شود، برآورده کند، باید به سوی این بخش دست کمک دراز کنیم. راهش هم این است که وقتی سیاست‌گذاری می‌کنیم و خط‌مشی خود را تعیین می‌کنیم، به نقش و جایگاه بخش خصوصی هم در این فرایند توجه کنیم و سهم، بخش و میزان مشارکت آن بخش را هم در این برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها معین کنیم.

و نکته مهم و پایانی صحبت من این است که اگر می‌خواهیم از منابع آموزشی در جای خود و به‌طور مؤثر استفاده شود، باید آگاهی سه عنصر معلم، خانواده و دانش‌آموز را افزایش دهیم. این سه عنصر هر کدام در نقش و جایگاه خود باید این توانایی و آگاهی را داشته باشند و بتوانند تشخیص دهند که چه متون و منابعی برایشان مفید و چه منابعی احیاناً برایشان مضر است. اگر این آگاهی و شناخت به‌وجود بیاید، موضوع به‌طور اساسی حل خواهد شد. شما مطمئن باشید که اگر خریداری در این بازار آشفتنه وجود نداشته باشد، تولیدکننده هم از انتشار چنین آثاری منتفع نخواهد شد و خودبه‌خود باب این آثار بسته خواهد شد.



انتشار کتاب‌نامه‌های رشد نیز راهکار ارزشمندی بوده که باعث شده است، ظرفیت‌های خوبی که در حوزه‌های مختلف در تولید منابع آموزشی و کمک‌آموزشی وجود دارند شکوفا و آثار و تولیدات مناسب به مخاطبان معرفی شوند



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات تکنولوژی آموزشی

**Bureau of Educational
Publishing and Technology, the
Organization of
Research and Educational
Planning
(Ministry of Education)**

“**Javaneh**” is an educational, analytical and research magazine which is published quarterly. It aims is giving information, disseminating research findings and interchanging ideas between scholars and publishers regarding supplementary textbooks and educational aids development process.

Considering objectives of the ministry of education, publishers try to improve their knowledge and job’s experience continually. Through this magazine, they also try to promote by using their existing potentials.



نظر به اهمیت و نقش منابع آموزشی و تربیتی در فرایند یادگیری مؤثر و پایدار دانش‌آموزان، و با عنایت به ضرورت ایجاد سامانه مدیریتی کارآمد در وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی این وزارتخانه آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) را در هشتصد و بیست و هشتمین جلسه این شورا در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲ تصویب کرد که براساس آن، سامان‌دهی، مدیریت و هدایت فرایند تولید و توزیع منابع آموزشی و تربیتی به منظور استفاده در مدارس و مراکز آموزشی و جلوگیری از توزیع منابع غیراستاندارد در مدارس و مراکز آموزشی بر عهده «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» است. به این منظور، «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» با انتشار نشریه الکترونیکی «رشد جوانه»، تحقق بخشی از هدف‌های مذکور را پیگیری می‌کند.